

# ادبیات دفاع مقدس ضد جنگ است!

# کتابخانه



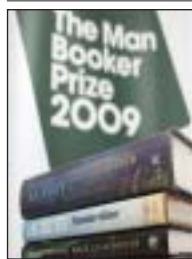
شنبه ۲۸ شهریور ۱۳۸۸  
۲۹ رمضان ۱۹، ۱۴۳۰ سپتامبر ۲۰۰۹  
شماره ۱۹۹، پیاپی ۸۵۰  
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب  
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی  
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه  
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم  
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴  
سازمان آگهی ها: ۲۲۵۵۲۴۶  
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir

ادبیات دفاع مقدس، خودش ادبیات ضد جنگ است. ما در دوران هشت ساله، دفاع کرده ایم. به کشوری حمله نکرده ایم. جنگی را به راه نینداخته ایم. بنابراین ما موضع ضد جنگ داریم. جنگ پدیده ای زشت و منفور است و روح و جان ادبیات دفاع مقدس هم ذاتا ادبیات ضد جنگ است.



نگاهی اجمالی  
به نامزدان امسال  
جایزه بوکر

۲۳



«نشانه گمشده»  
در گفت و گو با  
دن براون

۱۵



تخیل کودکانه  
در هفت خوان  
نشر ایران

۹

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

## ممیزی کتاب شفاف و روشن می شود

از موثرترین و بزرگترین نمایشگاه های مورد توجه و استقبال مردم است، اظهار داشت: «با توجه به این که این نمایشگاه در داخل و خارج از کشور به ویژه در میان قشر جوان، دانشجو و استادان مورد توجه است، فرصتی مناسب را برای دوستداران کتاب فراهم می آورد تا با کتاب و کتابخوانی بیشتر همگام شوند.»

وی با ابراز امیدواری برای رفع موانع موجود بر سر راه برگزاری نمایشگاه به همت و کمک مسوولان، از انجام مذاکراتی با وزیر مسکن و شهرسازی و شهرداری تهران درباره ساخت «شهر آفتاب» خبر داد.

حسینی یادآور شد: «تازمان آماده سازی مکان دیگری برای برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب، مصلاهی تهران بهترین گزینه برای برگزاری این نمایشگاه است. مشروط به آن که مورد مرمت و ساخت و ساز قرار گیرد.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن تقدیر از برگزار کنندگان هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن، در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران مبنی بر این که چرا در عرصه فعالیت های قرآنی انسجام لازم وجود ندارد و ما شاهد کارهای موازی و مراکز متعدد و پراکنده ایم؟ یادآور شد: «این پراکندگی نه به عنوان مشکل بلکه باید به صورت یک فرصت در نظر گرفته شود.»

ادامه در صفحه ۲

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اهتمام به شفاف سازی ضوابط و مقررات در حوزه ممیزی کتاب راز برنامه های در دست بررسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره جدید کاری این وزارتخانه عنوان کرد.

دکتر سید محمد حسینی در گفت و گو با خبرنگار کتاب هفته در حاشیه مراسم اختتامیه نمایشگاه بین المللی قرآن در پاسخ به این سوال که آیا محدودیت ها و خط قرمزهای حوزه ممیزی کتاب در دوره وزارت شما تغییری خواهد کرد؟ گفت: «در حال حاضر مشغول بررسی این مسأله ایم و سعی می کنیم که ضوابط و مقررات، شفاف و روشن باشند تا حتی المقدور از تنگ نظری و اعمال سلیقه در امر ممیزی جلوگیری شود.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تاکید بر ضرورت رعایت اعتدال در امر ممیزی آثار، بر پرهیز از افراط و تفریط در این زمینه تاکید کرد و از طراحی ایده های جدید از سوی وزارت ارشاد در این زمینه خبر داد.

وی همچنین پس از مراسم اختتامیه نمایشگاه بین المللی قرآن در بیست و سوم شهریور در نشست خبری، پیشنهاد تعطیلی موقت نمایشگاه بین المللی کتاب را پیشنهادی مردود خواند و گفت: «این نمایشگاه در سال آینده با قوت بیشتری برگزار خواهد شد.» حسینی با اشاره به این که نمایشگاه بین المللی کتاب تهران یکی



### سرآغاز

#### سفر به سوی رفیق اعلی

در پرتو نظریه پردازای های تو در تو، بسیاری از قطعیت های به ظاهر برگشت ناپذیر کنار زده شده اند، اما این قطعیت کماکان به قوت خود پایدار است که انسان بی بهره از «حافظه» - هر قدر هم که هوشمند باشد - به تعبیری، بیرون و برکنار از تاریخ خواهند ماند و به مثابه موجودی بدون «گذشته»، در غفلتی غم انگیز، آینده ای هم نخواهند داشت.

هنگامی که به موجودیت ملی و حیات مستدام ملتی بزرگ می رسیم، سهم و نقش حافظه جمعی مردم را همچون کلید رمز بقا و رستگاری آنان می یابیم. با تأملی بر این مفهوم و با رجوع به حافظه جمعی و خرد روشنگر ملی، سال ۱۳۵۹ را به یاد می آوریم. آخرین روزهای شهریور، ملت ایران در تنهایی و یگانگی برای از خود ساختن به میدان آمدند و نبرد دشوار راطی هشت سال دفاع مقدس از سر گذراند. در این هشت سال کسانانی راه به رستگاری نهایی بردند که با جست و جوی معنای حقیقی حیات، به سوی رفیق اعلی گام برداشتند. یادها و یادبودهای شهیدان بزرگوار دفاع مقدس همواره گرامی باد.

۲  
برگزاری  
نمایشگاه کتاب  
قطعی است

۳  
پیشنهاد ایران  
در اجلاس شبک  
تصویب شد

۴  
«در جست و جوی  
آبی ها» ی لوری  
به ایران رسید

۵  
تندیس شیون  
فومنی گل باران شد

۶  
«کاروان آدمیت»  
تا «اوج عشق»

روایت و بازآفرینی هنری گنجینه خصلت های والا و انسانی هشت سال دفاع مقدس یک مجاهدت بزرگ است که قطعاً تأثیرات آن حادثه عظیم را خواهد داشت.

آثار هنری مربوط به دفاع مقدس در عرصه های فیلم، کتاب، خاطره و رمان، یکی از پرمخاطب ترین آثار هنری بعد از انقلاب در جامعه است. بنابراین هرچه بیشتر در این عرصه سرمایه گذاری و تلاش شود مناسب است. مسؤولان بخش های فرهنگی و هنری نیز باید بیش از پیش از نظرات و دیدگاه های فعالان این عرصه استفاده کنند.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از هنرمندان و فعالان عرصه ادبیات و هنر دفاع مقدس ۱۳۸۸/۶/۲۴

## «خداشناسی قرآن»

### برای کودکان

**ایکنا -** «خداشناسی قرآن» - پاسخ به چهل پرسش قرآنی کودکان - به قلم غلامرضا حیدری ابهری از سوی نشر جمال منتشر شد.

«خداشناسی قرآن» پاسخ به ۴۰ پرسش قرآنی کودکان مانند، خدا کجاست؟ آیا خدا هم شیرینی دوست دارد؟ خدا کامل است، یعنی چه؟ آیامی توان با خدا تلفنی حرف زد؟ چرا خدا جن ها را آفریده تا آدم ها را اذیت کنند؟ آیا خدا ما را دوست دارد؟ و ... است.

این کتاب حاصل تلاش نویسنده در پاسخ به ۴۰ پرسش اصلی در این زمینه است و می تواند برای کودکان مفید باشد. این کتاب از یک سو به معارف ناب قرآنی تکیه دارد و از سوی دیگر با ادبیات ویژه کودکان و نوجوانان نگارش یافته است.

نویسنده کتاب، نه به بهانه ساده نویسی، از طرح دیدگاه های توحیدی بزرگان دین چشم پوشی کرده و نه با تفصیل مباحث، از ادبیات ویژه و نیاز مخاطبان آن دور شده است.

«خداشناسی کودکان» از سوی نشر جمال در ۱۲۸ صفحه و ۵۰۰۰ نسخه به قیمت ۱۱۰۰ تومان منتشر شده است.

## زن از زبان قرآن

**ایکنا -** «زن از زبان قرآن» پاسخ های قرآنی به مهم ترین پرسش ها درباره جایگاه زنان، به همت مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم از سوی انتشارات جمال منتشر شده است.

بر اساس مطالب کتاب «زن از زبان قرآن»، زن که تقریباً نیمی از پیکره اجتماع است، افزون بر دارا بودن مقام انسانی که با مرد همتا و همسو است، می تواند به مقام خلیفه الهی برسد و نقش تعیین کننده ای در ایجاد، بقا و گسترش نسل انسانی، پرورش، تربیت و دیگر خدمات فرهنگی داشته باشد. همچنان که تاکنون در طول تاریخ، همراه مرد در فراز و فرودهای زندگی اجتماعی، حضور فعال و موثر را اثبات کرده است، به همین دلیل شخصیت انسانی زن و نقش های چشمگیر او در خانواده، اجتماع و نیز دیدگاه دین اسلام به ویژه قرآن کریم نسبت به او همیشه مورد توجه دانشمندان اسلامی بوده است.

این کتاب مهمترین پرسش هایی که از سوی مخاطبان درباره جایگاه زنان در عرصه های مختلف فرهنگی و اجتماعی مطرح شده را جمع آوری کرده و با استناد به آیات قرآن پاسخ هایی قانع کننده ارائه کرده است. راز آفرینش زن، حقوق زنان در جامعه اسلامی، زن در فقه اسلامی، پوشش زن، زنان ویژه در قرآن و احکام ویژه زنان از جمله مباحث مطرح شده در این کتابند.

«زن از زبان قرآن» در شمارگان پنج هزار نسخه و به قیمت ۱۴۰۰ تومان به همت مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم و از سوی نشر جمال منتشر شده است.

معاون فرهنگی وزیر ارشاد:

# برگزاری نمایشگاه کتاب قطعی است



پاسخ به نگرانی های موجود در این زمینه، در خاتمه پنجمین جلسه ستاد برگزاری هفته کتاب با تشریح مشکلات مربوط به مکان برگزاری نمایشگاه کتاب و با ذکر پیشینه این مشکلات از دوره شانزدهم نمایشگاه کتاب تاکنون، دلایل تغییر مکان نمایشگاه را به مصلا با ذکر جزئیات برشمرد.

مشکل ترافیک، کمبود فضای مسقف، نبود متولی مشخص برای تضمین ایمنی مکان نمایشگاه، برخی حوادث پیش آمده، پراکندگی و عدم تمرکز فضا از جمله نکات مورد اشاره رئیس بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران درباره دلایل تغییر مکان نمایشگاه کتاب به مصلا بود.

پرویز با اشاره به این مطلب که این عوامل موجب شد تا محل نمایشگاه های بین المللی برای برگزاری

در پی درج اخباری مبنی بر تعطیلی احتمالی نمایشگاه کتاب تهران در هفته گذشته، محسن پرویز معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در خاتمه پنجمین جلسه ستاد برگزاری هفدهمین دوره هفته کتاب به سوال یکی از حاضران مبنی بر نگرانی جمعی از اهالی نشر و فرهنگ کشور درباره بحث تعطیلی نمایشگاه کتاب تهران پاسخ داد. پرویز با اشاره به این نکته که نمایشگاه کتاب تهران مهم ترین رویداد فرهنگی کشور است و تحت هیچ شرایطی تعطیل بردار نیست یادآور شد: «این مسأله به جایگاه بین المللی نمایشگاه ضربه می زند و مسؤولیت آن برعهده کسانی است که مطالب تنش زا می نویسند و می گویند، در حالی که همه ما باید تلاش کنیم نمایشگاه را از هر نظر آماده کنیم و بهانه به دست کسانی ندهیم که هدف شخصی را دنبال می کنند.»

تاکید معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بر ضرورت برگزاری نمایشگاه کتاب تهران در حالی بود که در هفته گذشته طی درج گفت و گویی از او در خبرگزاری ایسنا، وی در سخنان خود به پیشنهاد یکی از دست اندرکاران نشر مبنی بر تعطیلی نمایشگاه به مدت دو یا سه سال تا رفع مشکلات اجرایی محل برپایی نمایشگاه اشاره کرده بود که این موضوع بازتاب گسترده ای در میان اهالی فرهنگ و دست اندرکاران نشر داشت. در هفته گذشته بیش از بیست تن از ناشران و نویسندگان در گفت و گو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در این باره اظهار نظر کردند و اغلب آنها طرح چنین ایده ای را که به پیشنهاد رئیس اتحادیه ناشران مطرح شده بود، مغایر اهداف فرهنگی و ضربه ای جدی بر پیکره نشر دانستند.

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در

## با تصویر یک «هدهد»

# تمبر هفته کتاب چاپ می شود

وزارت آموزش و پرورش، نهاد کتابخانه های عمومی کشور، انجمن ناشران بین المللی، موسسه جهاد دانشگاهی، موسسه انتشاراتی منادی تربیت، کتابخانه مجلس، انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان، انجمن فرهنگی ناشران دانشگاهی، دفتر شعر جوان و دفتر مطالعاتی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد توسط نمایندگان آنها مطرح و بررسی شد.

اللهیاری همچنین درباره تعیین شعار «هفته کتاب» نیز گفت: «جملات زیاد و متنوعی توسط دستگاه های مختلف برای این عنوان و درباره کارکردهای کتاب از جمله دانایی محوری مطرح شده اما انتخاب شعار نهایی به جلسه بعد شورا موکول شد.»

هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، آبان امسال برگزار می شود.



برای نخستین بار در طول ۱۷ دوره هفته کتاب، تمبر مربوط به این هفته چاپ می شود.

محمد اللهیاری، دبیر شورای سیاستگذاری هفته کتاب با اعلام این خبر گفت: «این موضوع مسبوق به سابقه نیست اما امسال قصد داریم برای هفته کتاب تمبری چاپ کنیم. طراحی این تمبر با تکیه بر المان های لوگوی هفته کتاب و یک «هدهد» انجام شده و این طرح به زودی برای شورای تمبر ارسال می شود. به گفته او این تمبر قطعاً در هفته کتاب امسال چاپ می شود.

پنجمین جلسه شورای سیاستگذاری هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران صبح روز سه شنبه ۲۴ شهریور با حضور معاون فرهنگی وزیر ارشاد برگزار و طی آن برنامه های برخی نهادهای مشارکت کننده در هفته کتاب از جمله برنامه های

## میزی کتاب شفاف و روشن می شود

### ادامه از صفحه اول

ضمن این که شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در این باره منشور توسعه قرآنی را تصویب کرده که امیدواریم این امر تقسیم کاری عظیمی را در زمینه فعالیت های قرآنی و مهندسی فرهنگی کشور صورت دهد.»

وی همچنین در پاسخ به این سوال که آیا تغییر و جابه جایی در سطح مدیران وزارتخانه ها صورت خواهد گرفت، گفت: «نیروهای کنونی وزارت ارشاد در صورت اهتمام جدی، در سمت خود باقی خواهند ماند و نیروهای پرتوان و مستعد دیگری نیز به این بخش افزوده خواهند شد و البته بنا به ضرورت ممکن است تغییراتی نیز در این زمینه صورت بگیرد.»

وی در پایان درباره وضعیت بیمه اهالی قلم و به ویژه خبرنگاران اظهار داشت: «یکی از برنامه های مهم وزارت ارشاد، درباره معیشت و گسترش تأمین اجتماعی اهالی قلم است که به صورت بیمه و سهام عدالت در آینده نزدیک نمود خواهد یافت.»

نمایشگاه کتاب تهران غیر قابل استفاده شود، افزود: «تقریباً در آن دوران همه گزینه هایی که امکان برگزاری نمایشگاه در آن مطرح بود، بررسی می شدند و در نهایت گزینه مصلا ای امام خمینی (ره) برای برگزاری نمایشگاه از سوی کارشناسان امر مناسب تشخیص داده شد. وی در ادامه سخنانش درباره مشکلات برگزاری نمایشگاه کتاب در مصلا با اشاره به مصاحبه یکی از اعضای ستاد ویژه کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر تهران که اعلام کرده بود به جز فضای شبستان، امنیت دیگر فضاها را از نظر آتش نشانی تضمین نخواهد کرد، اظهار داشت: «از صحبت های ایشان تعبیرات بدی شد که می تواند برای بازدید کنندگان از نمایشگاه دغدغه ایجاد کند. البته همان موقع در مورد آن اظهارات، مکاتباتی انجام و مسؤولیت های عزیزان به ایشان یادآوری شد.»

وی همچنین تصریح کرد: «یکی از همکاران ناشر نیز مطلبی را که شاید عجولانه نوشته شده، با استناد به حرف هایی که گفته شده بود و ذکر کردم، پیشنهاد تعطیلی نمایشگاه را برای مدتی و تا آماده سازی مکان مناسبی برای نمایشگاه عنوان کرده بود. ما صبر کردیم تا باز خورد این پیشنهاد را مشاهده کنیم و ببینیم عکس العمل ناشران چیست ولی باز خورد چندانی نداشت.»

پرویز همچنین از دستور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر پیگیری موضوع با رئیس جمهور و وزیر مسکن و شهرسازی خبر داد و اعلام کرد که از نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نمایشگاه کتاب تعطیلی پذیر نیست و ما نهایت تلاش خود را می کنیم تا این نمایشگاه با همکاری سایر دستگاه ها، به بهترین نحو ممکن برگزار شود.

## قرآن و تاریخچه علم جنین شناسی

کتاب «جنین شناسی» حاصل کار هفت نفر از بزرگ ترین دانشمندان جنین شناس جهان است که بر اساس آیات قرآنی تحقیقاتی در این زمینه انجام داده اند و به نتایج خارق العاده ای نیز دست یافته اند. حجت الاسلام دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی در گفت و گو با کتاب هفته با بیان این مطلب، کتاب «جنین شناسی» را که به همت خود او نگاشته شده، کاری جدید در عرصه پژوهش های قرآنی دانست و گفت: «من کتاب «جنین شناسی» را بر اساس مطالعه و پژوهش روی آثار این هفت دانشمند جنین شناس نوشته ام یعنی هر یک از اینها حاصل تحقیقات خود را در کتابی مستقل آورده بودند و من با مراجعه به آثار آنها، این کتاب را تدارک دیدم.»

رییس دانشگاه مذاهب اسلامی یادآور شد: «در این کتاب، تمام آیات قرآنی که مرتبط با جنین شناسی اند آمده، همچنین آزمایش هایی که این دانشمندان بر اساس این آیات در آزمایشگاه ها انجام داده اند، همراه نتایج این آزمایش ها همگی در این کتاب آمده اند.»

این کتاب در ۱۱۵ صفحه با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و قیمت ۲۲۰۰ تومان از سوی انتشارات دانشگاه مذاهب اسلامی به چاپ رسیده است.

## انالله و انا الیه راجعون

### جناب آقای محمدرضا قاضی زاهدی

درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت می گوئیم. شادی روح آن مرحوم و صبر و شکیبایی بازماندگان را از خداوند متعال خواهانیم.

همکاران شما در کتاب هفته

# پیشنهاد ایران در اجلاس شبکه تصویب شد

که از کشورهای عضو تاسیس شده، بنابراین همه تصمیمات و انتخاب اعضای هیات مدیره آن باید توسط اعضای آن باشد. به این منظور، هر ساله در یکی از کشورهای عضو اجلاسی برگزار می شود. ایران سه سال قبل میزبان این اجلاس بوده است. اجلاس امسال کشورهای عضو (ISBN) در شهر سئول کره جنوبی برگزار شد.

مطلبی درباره مباحث مطرح شده در این اجلاس گفت: «در اجلاس امسال گزارش عملکرد هیات مدیره قرائت شد و اعضا نیز درباره چالش ها و مشکلات خود مواردی را مطرح کردند که در چهار محور اصلی بررسی شد. این مشکلات عبارت بودند از: انتشارات دیجیتال و نقش شبکه در آن، سایت جدید شبکه و ایجاد راهنمای جهانی ناشران، نیاز کشورهای کوچک برای تبادل نظر و تعامل بیشتر و همچنین استاندارد شبکه و رابطه با سایر استانداردها، وی در بخش دیگری از سخنانش افزود: «کشور ایران با توجه به مشارکت فعالی که در چند سال گذشته در نظام شبکه داشته و همچنین با توجه به این مساله که از معدود کشورهایی است که خود بانک اطلاعاتی ناشران را در اختیار دارد، در این اجلاس نیز حضور موثر و تاثیرگذاری داشت که از جمله آن می توان از کمک به کشورهای کوچک برای توسعه نظام شبکه، طراحی سایت جدید و بانک اطلاعاتی ناشران و اختصاص شبکه برای کتاب های فاقد شماره استاندارد بین المللی و همچنین کتاب هایی که قبل از سال ۱۹۷۰ منتشر شده اند، یاد کرد.

نماینده ایران در سی و هفتمین اجلاس جهانی شبکه در پایان گفت: «در حاشیه این اجلاس، سمیناری نیز با عنوان شبکه در محیط دیجیتال و آینده صنعت نشر با قرائت مقاله هایی از کشورهای چون آمریکا، انگلیس، کره جنوبی و آلمان برگزار شد.»

نماینندگان جمهوری اسلامی ایران در سی و هفتمین اجلاس جهانی شبکه (ISBN)، در شهر سئول کره جنوبی، پیشنهاد تازه ای به این اجلاس ارائه کردند که مورد موافقت اعضا قرار گرفت. در این اجلاس، به پیشنهاد علی اوجبی و داریوش مطلبی، نمایندگان ایران، مقرر شد در صورت تغییر قیمت چاپ های مختلف یک اثر، تصمیم گیری به صورت ملی درباره اختصاص شبکه، اتخاذ و اجرایی شود.

مطلبی درباره پیشنهاد ایران در این اجلاس به «کتاب هفته» گفت: «یکی از مهم ترین مسائلی که در کشور با آن مواجهیم این است که در کشورهای مختلف دنیا انتشار چاپ تازه ای از اثر، تمام نسخه های چاپ قبلی نیز با قیمت تازه عرضه می شوند و در حقیقت، قیمت کتاب روی آن درج نمی شود، اما با توجه به الزاماتی که در کشور ما وجود دارد، چاپ های مختلف یک اثر با قیمت های مختلف در بازار موجودند در حالی که در شبکه، قیمت کتاب ها بر اساس استاندارد جهانی یکسان است. در این باره و بر اساس پیشنهاد نمایندگان ایران، مقرر شد تصمیم گیری به صورت ملی درباره اختصاص شبکه در صورت تغییر قیمت چاپ های مختلف اتخاذ و اجرایی شود. شبکه، شماره استاندارد بین المللی، است که بیش از ۱۲۰ کشور جهان عضو آن بوده و از این استاندارد استفاده می کنند. هدف نظام شبکه اختصاص شماره منحصر به فرد به هر کتاب است تا آن کتاب از میان میلیون ها عنوان و نسخه دیگر، شناسایی شود.

به گفته مطلبی هدف از راه اندازی این نظام استاندارد در سال ۱۹۷۰ تسهیل فرآیند تولید و عرضه کتاب در سطح بین المللی بوده تا شناسایی عنوان اثر نویسنده و ناشر مختص آن اثر ساده شده و اشتباهات در این زمینه به حداقل برسد وی همچنین تصریح کرد: با توجه به این که سازمان جهانی (ISBN) سازمانی است



به گفته او علاوه بر کشورهای عضو، بیش از ۱۵۰ ناشر از کشور میزبان (کره) نیز در این سمینار حضور پیدا کرده بودند.

این اجلاس از روز ۱۰ تا ۱۲ سپتامبر (۱۹ تا ۲۱ شهریور ماه) امسال در شهر سئول کره جنوبی برگزار شد.

وی در توضیح این پیشنهاد افزود: «بر اساس نظام جهانی شبکه، اگر چاپ های مختلف یک کتاب تغییری نداشته باشند، با یک شبکه واحد عرضه می شوند. در کشور ما چون هر کتاب قیمت مخصوص خود را دارد، وجود شبکه واحد در چاپ های مختلف، عرضه کتاب را در بازار (به ویژه محیط الکترونیکی) دچار مشکل می کند، ولی با این تصمیم جدید و امکان درج شبکه های مستقل و قیمت جداگانه در چاپ های مختلف، این مشکل حل خواهد شد.

## در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

### نمایشگاه را تعطیل نکنید

در پی انتشار خبری از پیشنهاد رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان مبنی بر تعطیلی موقت نمایشگاه بین المللی کتاب تهران تا رفع مشکلات فنی مصلاهی تهران، بیش از ۲۰ مصاحبه با ناشران و دست اندکاران نشر در ایبنا منتشر شده و مصاحبه شوندگان درباره این موضوع سخن گفته اند. اکثر این افراد که در میان آنها نام افرادی چون نادر قدیانی، رئیس هیات مدیره انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان، حجت الاسلام محمدرضا حاشمی، معاون فرهنگی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، محمد حسین محمودی، مدیر عامل اتحادیه ناشران قرآنی کشور و محمدرضا حاتمی، مدیر عامل انجمن فرهنگی ناشران کتاب دانشگاهی به چشم می خورد، با تعطیلی حتی موقت نمایشگاه کتاب مخالفت کرده اند. برخی از این افراد انتقاداتی نسبت به محل و شیوه برگزاری نمایشگاه کتاب تهران آن ندانسته و این پیشنهاد را برای جریان فرهنگی کشور مخرب توصیف کرده اند.

نادر قدیانی، رئیس هیات مدیره انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان، در مصاحبه با ایبنا عدم برگزاری نمایشگاه تهران را رویدادی تلخ دانسته و گفته است: «معتقدم این امر اگر باید به منظور برطرف شدن مشکلات مصلا مطرح شود و نه برگزار نشدن بزرگ ترین رویداد فرهنگی یک کشور.» و منوچهر حسن زاده، مدیر انتشارات مروارید گفته است: «نمایشگاه کتاب یعنی تبلور فرهنگ جامعه و تبلور فرهنگ نباید به بهانه هایی مانند احتمال ناامنی به تعطیلی بینجامد. تعطیلی نمایشگاه فراموشی کتاب را به همراه دارد.»

### یادداشت های اهل قلم

بخش «یادداشت روز» خبرگزاری کتاب که روزانه یادداشتی را از اهالی کتاب و قلم منتشر می کند هفته گذشته یادداشت هایی را از سعید سعیدی، دبیر گروه علم و دین خبرگزاری کتاب، علی آقایاری خبرنگار اداره کل کتابخانه های آذربایجان شرقی، فرشاد شیرزادی، روزنامه نگار، علی الله سلیمی، روزنامه نگار و نویسنده، رضا نجفی، مترجم و منتقد ادبی و مصطفی مستور، داستان نویس و مترجم منتشر کرد.

نجفی در یادداشتی با نام «پدیده هسه»، از علاقه فارسی زبانان به مطالعه آثار مینی مالیسم قلم زده و فرشاد شیرزادی از توجه به فرهنگ کتابخوانی نوشته است. وی در یادداشت خود آورده: «باید انگیزه مطالعه را با تغییرات گسترده در سطوح آموزشی، شغلی و اجتماعی ایجاد کرد تا از این طریق شأن و جایگاه تخصص، دانش و فرهیختگی به جای آورده شود و شایستگی ها حرف نخست را بزنند.»

علی الله سلیمی نیز در یادداشت خود از لزوم نوآوری در کتاب های دفاع مقدس نوشته است.

### نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی ها می گذارند، گفت و گوهایی با پدیدآورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه ترین خبرها و گزارش ها از کتاب و ادبیات و نقد تحلیلی هایی بر کتاب های جدید، از دیگر مطالبی اند که می توان آنها را در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت.

## در ادامه رمان «در جستجوی آبی ها» ی لوری به ایران رسید

در ادامه رمان «در جستجوی آبی ها» ی لوری به ایران رسید

او هم شاد و سرگرم کننده اند و هم جدی و تامل برانگیز و دارای دیدگاه های انتقادی درباره دنیایی که در آن زندگی می کنیم. به باور خودش، گرچه موضوعات کتاب هایش متفاوت اند، اما همگی دارای یک محور اصلی یعنی ارتباط انسانی اند.

برخی از کتاب های لوری از جمله «بخشنامه» بسیار بحث انگیز بوده اند و بسیاری از آن را دارای نگرش دیستوپایی به آینده بشریت دانسته اند. در ادامه این داستان، دو کتاب بحث انگیز دیگر به چاپ رسیدند و کتاب اول به یک سه گانه تبدیل شد. «به دنبال آبی ها» دومین کتاب از این مجموعه است.

از آثار این نویسنده کتاب «پرنیان و پسرک» با برگردان همین مترجم توسط نشر افق چاپ و منتشر شده است. کتاب «بخشنامه» در سال ۱۳۸۰ از جانب نشریه «سلام بچه ها» و به انتخاب بچه ها تقدیر شد و کتاب «پرنیان و پسرک» در سال ۱۳۸۷ جایزه فصل زمستان ۱۳۸۶ را از آن خود کرد.

ترجمه فارسی آشتیانی از رمان «در جستجوی آبی ها» در ۲۴۸ صفحه روانه بازار کتاب ایران می شود.



رمان «در جستجوی آبی ها» اثر لویس لوری، نویسنده آمریکایی رمان های نوجوانان، در ایران به فارسی ترجمه شده و منتشر می شود. این کتاب جلد دوم از رمان «بخشنامه» است که پیش تر در ایران ترجمه و منتشر شده است.

این رمان نوجوانان را کیوان آشتیانی به فارسی ترجمه کرده و ترجمه او توسط موسسه انتشاراتی «نشر چشمه» روانه بازار کتاب ایران می شود.

وی در رمان «در جستجوی آبی ها» داستانی را نقل می کند که ۲۰۷۳ میلادی و هشت سال پس از داستان «بخشنامه» اتفاق افتاده است.

لویس آن هامر زیبرگ که آثارش را با نام لویس لوری منتشر می کند، نویسنده آمریکایی و پدیدآورنده آثار زیادی برای کودکان و نوجوانان است. او در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان دو بار برنده مدال «نیوبری» شده است. مدال «نیوبری» یکی از معتبرترین جوایز ادبی در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان در آمریکاست.

لویس لوری در ۲۰ مارس ۱۹۳۷ در هونولولو در هاوایی زاده شد. داستان های

## نام کاستل در فهرست مشاهیر ادب جاودان می شود

بسیار هیجان زده است. الیزابت کاستل متولد ۱۸۱۰ در لندن بود. کتاب «ماری پارتون» نوشته شده در سال ۱۹۴۸ برای نخستین بار نام کاستل را در ادبیات انگلستان مطرح کرد. پس از آن کاستل با چارلز دیکنز در مجله «زنان خانه دار» همکاری شد و این همکاری ۱۳ سال با نوشتن داستان برای این مجله ادامه داشت.

«شمال و جنوب» (۱۸۵۵) یکی از معروف ترین رمان های کاستل است. او به دنبال مرگ شارلوت برونته که از دوستان نزدیکش بود، کتابی با عنوان «زندگی شارلوت برونته» نوشت که در سال ۱۸۵۷ به چاپ رسید.

به عنوان «گوشه شاعران» شناخته می شود. این قسمت که در بخش جنوبی کلیسا قرار دارد در اصل برای یادبود نویسندگان ساخته نشده بود بلکه اولین بار به خاطر جفری چاوسر نویسنده «داستان های کانتربوری» بنایی برای او ساخته شد اما بعدها در سال ۱۵۹۹ ادمووند اسپنسر در آن نزدیکی به خاک سپرده شد و متعاقب آن ساموئل جانسون، دیکنز، کیپلینگ و هاردی در آن نواحی مدفون شدند. اگرچه نویسندگان دیگری چون شلی، بلیک و ایوت در آن منطقه دفن نشدند، اما نامشان در این یادبود آمده است. نام کاستل در سپتامبر سال آینده به این لوح اضافه خواهد شد و انجمن کاستل به خاطر این موضوع

نام الیزابت کاستل در لوح یادبود کلیسای وستمنستر قرار می گیرد. به گزارش گاردین، نام این زن نویسنده در کنار نام بزرگانی چون اسکاتر و ایلد، لرد بایرون، جیم آستن و چارلز دیکنز در کلیسای وستمنستر جاودان می شود.

نام نویسنده «کرافورد» و «شمال و جنوب» به اسامی شیشه پنجره معروف به «گوشه شاعران» در این کلیسا اضافه خواهد شد. نام این نویسنده بنا به درخواست انجمن کاستل و به مناسبت فراسیدن دویمین سالگرد تولدش در سال ۲۰۱۰ در کنار نام کریستوفر مارلو، ای هوسمن و الکساندر پاپ قرار خواهد گرفت. امروزه فضایی از کلیسای وستمنستر

## استقبال از «اعتماد» آریل دورفمن

دو کتاب «اعتماد» اثر آریل دورفمن با ترجمه عبداللہ کوثری به هفته مسوولان فروش کتابفروشی شهر کتاب نیوران و کتابسرای نیک در هفته گذشته جزو آثار پرفروش بود. کتاب «اعتماد» اثر آریل دورفمن نویسنده مشهور شیلیایی است که پیش از این با نمایشنامه «مرگ و دوشیزه» شهرت یافت؛ نمایشنامه‌ای که رومن پولانسکی در سال ۱۹۹۴ فیلمی را براساس همین داستان و به همین نام کارگردانی کرد. کوثری «اعتماد» را از بهترین داستان‌هایی می‌داند که تاکنون ترجمه کرده و در جایی می‌گوید: «این رمان بسیار مهم و جذاب است و در کل مسأله اساسی این رمان، اعتماد است و این که انسان‌ها چنانچه به هم اعتماد کنند و گر نه هیچ رابطه‌ای بین آنها شکل نمی‌گیرد.» به گفته مسوول فروش شهر کتاب نیوران دیگر آثار پرفروش این مرکز در هفته گذشته عبارت بودند از: «برنده تنه‌است» اثر پائولو کونیلو با ترجمه آرش حجازی از نشر کاروان، «اسطوره جام مقدس» اثر رابرت جانسون با ترجمه تورج بنی صدر از نشر فرزاد، «گفت و گو با نجف دریابندری» به قلم مهدی مظفری از نشر مروارید، «جسارت امید» اثر باراک اوباما و ترجمه ابوالحسن تهامی از نشر نگاه، «این مردم نازنین» اثر رضا کیانیان از نشر مشکی، «به خاطر یک فیلم بلند لعنتی» اثر داریوش مهرجویی از نشر قطره، «خاک غریب» اثر جومیا لاهیری با ترجمه امیر مهدی حقیقت از نشر ماهی، «روشنفکران رذل و مفتش بزرگ» اثر داریوش مهرجویی از نشر هرمس و «احتمالاً گم شده‌ام» اثر سارا سالار از نشر چشمه. دیگر آثار پرفروش کتابسرای نیک در هفته گذشته عبارت بودند از: «پس از تاریکی» اثر هاروکی موراکامی با ترجمه مهدی غبرایی، «این مردم نازنین» اثر رضا کیانیان از نشر مشکی، «کسی می‌آید» اثر مریم ریاحی از نشر پرسمان، «من گنجشک نیستم» اثر مصطفی مستور از نشر مرکز، نمایشنامه «عشق لوزه» اثر اریک امانوئل اشمیت با ترجمه شهلا حائری از نشر قطره، «احتمالاً گم شده‌ام» اثر سارا سالار از نشر چشمه، «روی ماه خداوند رابوس» اثر مصطفی مستور از نشر مرکز، «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» اثر زویا پیرزاد از نشر مرکز و «گریه‌های امپراتور» اثر فاضل نظری از انتشارات سوره مهر.

ترجمه سعدی، مولانا و حافظ به آلمانی

## «کاروان آدمیت» تا «اوج عشق»

«اوج عشق»، «کاروان آدمیت» و «شاعر همه دوران‌ها» عنوان سه کتاب ترجمه‌ای اند که به تازگی به قلم دکتر علی غضنفری شاعر، نویسنده و مترجم آثار ادبی در گفت و گو با «کتاب هفته» درباره محتوای این سه کتاب اظهار داشت: «اوج عشق» حاوی رباعیات مولانا، «کاروان آدمیت» مجموعه رباعیات سعدی و «شاعر همه دوران‌ها» نیز در برگزیده ساقی نامه و رباعیات حافظ است. به گفته غضنفری هر سه این آثار به صورت دوزبانه در آلمان چاپ شده و دو کتاب «کاروان آدمیت» و «شاعر همه دوران‌ها» به صورت متفقا به زبان آلمانی ترجمه شده‌اند. این پژوهشگر حوزه ادبیات در مقایسه آثار ترجمه‌ای خود با آثار دیگری که پیش از این ترجمه شده‌اند، گفت: «از ساقی نامه حافظ ترجمه‌هایی شده که البته من آنها را نپسندیدم، یعنی آن دسته از ترجمه‌هایی که خود آلمانی‌ها ترجمه کرده‌اند. به دلیل ناآشنا بودن با حال و هوای ساقی نامه، درک درستی از آن نداشته‌اند. برای مثال لغت ساقی در زبان آلمانی معادلی ندارد و آنها به جای این واژه، لغتی را انتخاب کرده بودند که معنای یک شغل را افاده می‌کرد یعنی کسی که مسوول نوشابه‌های دربار بوده و واضح است که ساقی چنین معنایی ندارد.» وی افزود: «از آثار مولوی هم ترجمه‌هایی صورت گرفته اما من ترجمه رباعیاتش را ندیده‌ام و مطمئن نیستم که پیش از این ترجمه شده باشند. از سعدی هم بوستان و گلستان ترجمه شده و از رباعیاتش هم ترجمه‌های پراکنده‌ای صورت گرفته اما ترجمه‌ای کامل از ۲۱۵ رباعی تا به حال انجام نشده است.» غضنفری که در حال حاضر کار ترجمه اشعار آزاد حسین منزوی را در دست دارد، بر ضرورت ترجمه آثار ادبی فارسی به دیگر زبان‌ها تأکید کرد و گفت: «متأسفانه ما به ترجمه آثار خارجی به فارسی اهتمام بیشتری داشته‌ایم و کمتر به ترجمه آثار خودمان به زبان‌های دیگر توجه کرده‌ایم؛ از مسوولان انتظار می‌رود در این زمینه با جدیت بیشتری عمل کنند.» مجموعه شعر «کاروان عشق»، ترجمه «گذری بر شعر آلمانی» و ترجمه کتاب «توراندخت» از شیلر از جمله آثار قلمی علی غضنفری‌اند.

کشتی گیری بومی به یاد شاعر گیلان

## تندیس شیون فومنی گل باران شد



منظومه‌ها و دوبیتی‌های محلی از جمله فعالیت‌های اوست. همچنین ترانه‌سرایی یکی از فعالیت‌های ادبی و هنری شیون است که با تسلط بر موسیقی، آواها و ملودی‌های محلی و فارسی انجام شده است. «پیش پای برگ»، «یک آسمان پرواز»، «از تو برای تو»، «رودخانه در بهار» و «کوچه باغ برگ» از جمله آثار منتشر شده این شاعرند.

مقبره میرزا کوچک جنگلی قرار دارد.

شیون فومنی یکی از شاعران موفق دو زبانه است که هم به زبان فارسی و هم به زبان گیلکی شعر سروده است. وی در حوزه شعر فارسی با انتشار چند مجموعه شعر نام خود را در میان تأثیرگذاران شعر معاصر ماندگار کرده است. تحقیق و پژوهش در زمینه فرهنگ، و ادب گیلان و ارائه مجموعه اشعار گیلکی در قالب غزلیات،

### آقاخان باز هم اقتباس کرد

## نمایشی از منابع کلاسیک فارسی روی صحنه است

و ملقب است. او از اعقاب عبدالرحمان بن عوف از صحابه پیامبر اسلام (ص) بود و به همین سبب خاندان او به عوفی شهرت دارند. آقاخان در این باره به خیرگزاری کتاب ایران (ایبنا) گفت: «در مسیر اقتباس از کتاب‌های مختلف برای نوشتن این نمایشنامه، به اندازه‌ای تغییرات به وجود آمد و در نهایت نمایشنامه شکل مستقلی به خود گرفت. این اثر در ابتدا «همسایه‌ات را دوست بدار» نام داشت ولی بعد به «گانتلت» تغییر نام یافت و در نهایت نامش شد «مرثیه‌ای برای یک سبک وزن».

وی ادامه داد: «نقطه و اتکای اولیه من برای نوشتن این نمایشنامه، داستان کوتاهی به نام «علت خصوصیت» از حکایتی در جوامع الحکایات و لواع الروایات سدیدالدین محمد عوفی و لواع الحکایات و لواع الروایات سدیدالدین محمد عوفی و یک اثر دیگر است که به لحاظ موقعیت خلق شده برای یک شخصیت جذاب دراماتیک، به نظرم مناسب آمد. از این رو، پس از چند بار بازنویسی و تغییر تبدیل به این اثر شد.»

وی با بیان این که نمایشنامه این اثر را طبق معمول همه آثارش با فراهم شدن شرایط به چاپ می‌رساند، افزود: «مرثیه‌ای برای یک سبک وزن» درباره مردی ساده‌دل و دیندار است که عدم پیچیدگی و سادگی روابط اجتماعی اش با دیگران او را دچار مشکل کرده است. نگار عابدی، هدایت هاشمی، افشین هاشمی و خسرو احمدی در «مرثیه‌ای برای یک سبک وزن» بازی می‌کنند. این نمایش هر شب به استثنای شنبه‌ها در تالار چهار سوی تئاتر شهر به روی صحنه می‌رود.

### انتشار جدیدترین کتاب باستانی پاریزی

جدیدترین اثر محمد ابراهیمی باستانی پاریزی، مورخ و نویسنده، با نام «زیر چل چراغ توی شاپراغ» چاپ و روانه بازار کتاب ایران شد. باستانی پاریزی مقالات تاریخی این کتاب را سال‌ها پیش تألیف کرده است. نام برخی از بخش‌های این کتاب عبارتند از: «سلطنت دموکراسی»، «ای دریغامرغ خوش آوای من»، «در پای ارگ بم»، «برف شیره سیاست»، «جبرهای اجتماعی»، «زیر چل چراغ توی شاپراغ»، «کنگره‌ای در آکسفورد»، «استخوان‌ها بر ما حکومت می‌کند»، «دعای سفر و راه آهن فارس در طلسم جادو».

باستانی پاریزی در هر یک از این بخش‌ها مقالاتی را که از سال‌ها پیش تاکنون درباره تاریخ و خطرات خودش نوشته، گردآوری و منتشر کرده است. این اثر شامل بیش از ۲۵۰ مقاله این نویسنده به تازگی از سوی نشر علم منتشر شده است. همچنین کتاب «محبوب سیاه و طوطی سبز» این استاد دانشگاه که سال ۸۷ از سوی نشر یاد شده منتشر شده، به تازگی برای بار دوم به چاپ رسیده است. محمد ابراهیم باستانی پاریزی متولد سال ۱۳۰۴ در پاریز (بین سیرجان و فرسنجان) است و کتاب‌ها و تألیفات بسیاری از جمله «پیغمبر دزدان»، «حماسه کویر»، «نای هفت بند»، «سیاست و اقتصاد صفوی»، «آسیای هفت سنگ» و «حضورستان» را در کارنامه خود دارد.

### سرای اهل قلم در این هفته

برنامه نشست‌های این هفته سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد. امروز شنبه بیست و هشتم شهریور جلسه‌ای دیگر از سلسله نشست‌های مولوی پژوهی با حضور دکتر پرویز عباسی داکانی و دکتر عبدالرضا مظاهری از ساعت ۱۶ تا ۱۸ برگزار می‌شود. نشست روز دوشنبه به نقد و بررسی کتاب «پرسه زدن در ماه» (شعرهای هرمان هسه) با حضور علی عبداللہی، رضا نجفی و احسان عباسلو اختصاص دارد. آخرین نشست این هفته نیز روز سه‌شنبه با رونمایی از مجموعه خاطرات موضوعی شهدا (موسسه قدر ولایت) و با حضور جمعی از ناشران و مولفان و برخی از مسوولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌شود. ساعت و نشست روز دوشنبه و سه‌شنبه ۱۷ تا ۱۹ اعلام شده است. سرای دائمی اهل قلم در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ واقع شده و حضور در جلسات این مرکز برای عموم آزاد است.



# کتاب‌های جیبی به کجا می‌روند؟

بیش از نیم قرن از انتشار سازمان یافته و مدون کتاب‌های جیبی می‌گذرد. جریان تولید کتاب‌های جیبی جریانی است که در طول این سال‌ها با شدت و کندی مواجه بوده است اما دلایل کندی این جریان به اثر گذار بودن یا اثر گذار نبودن آن مربوط نمی‌شود، چرا که به قول مارشال مک‌لوهان کتاب‌های جیبی، انقلابی در عادت خواندن به وجود می‌آورد و این موضوع از همان تجربه‌های نخست انتشار کتاب‌های جیبی مورد تایید همگان بوده است.

تاریخچه تولید کتاب‌های جیبی در ایران بسیار بیشتر از ۵۰ سال است. کتاب‌هایی که با چاپ سنگی به عنوان کتاب‌های آموزشی در مدارس دینی و مکتبخانه‌های قدیمی مورد استفاده قرار می‌گرفتند نیز اغلب قطعی کوچک داشتند که در جیب جا می‌شدند از طرفی کتاب‌های ادعیه، قرآن و سایر کتاب‌های دینی که مردم کوچک و بازار نیز به دست می‌گرفتند و همراه همیشگی آنها بودند، به ضرورت این همراهی در قطع‌های کوچک تولید می‌شدند اما فکر تولید کتاب‌های جیبی در سطح گسترده به تقلید از انتشارات گالیمار در ایران به سال‌های پایانی دهه ۱۳۳۰ برمی‌گردد.

در آن روزگار همایون صنعتی‌زاده، مدیر انتشارات فرانکلین، بخش مستقلی را با عنوان سازمان کتاب‌های جیبی تاسیس کرد. البته این به دلیل مد شدن پالتوهای با جیب‌های بزرگ نبود، بلکه موضوع بر سر توسعه فرهنگ کتابخوانی در سرزمینی بود که مردم کتاب خواندن را کنار گذاشته بودند. مدیریت سازمان کتاب‌های جیبی پس از شش ماه و در آستانه ورشکستگی با ۳۰۰ هزار تومان بدهی به شرکت سهامی افست برعهده مجید روشنگر گذاشته شد. او که یک دوره کارآموزی را در انتشاراتی در انگلستان گذرانده بود، می‌دانست چگونه کتاب‌های جیبی را به جای اصلی‌اش یعنی جیب مردم بفرستد. او با بالا بردن شمارگان، قیمت تمام شده چاپ این کتاب‌ها را پایین آورد و آن را با بهای کمی در بازار عرضه کرد. در دوران مدیریت او ۵۰۰ عنوان کتاب جیبی در ایران منتشر شدند که برخی از آنها به چاپ‌های چهارم و پنجم هم رسیدند، بدهی‌ها پرداخت شدند و آوازه کتاب‌های جیبی سازمان از مرزهای ایران فراتر رفت و در کشورهای فارسی‌زبان مثل افغانستان بازار داغی پیدا کردند. در سال ۱۳۴۸ سازمان کتاب‌های جیبی به شرکت سهامی تبدیل و سهام آن به انتشارات امیرکبیر فروخته شد. در این زمان حداقل شمارگان کتاب‌های جیبی ۱۰ هزار نسخه بود که امروز برای برخی از ناشران یک شمارگان رویایی به حساب می‌آید! در آن روزگار کتاب‌های جیبی از سوی ۵۰۰ روزنامه‌فروشی در تهران و ۵۰۰ کتابفروشی در سراسر

ایران به فروش می‌رسید و اغلب ۱۰ هزار نسخه از یک عنوان کتاب شش ماهه به فروش می‌رسید.

**رونق و افول کتاب‌های جیبی در دو دهه**  
کتاب‌های جیبی از دهه چهل تا سال‌های آغازین دهه ۶۰ به عنوان کتاب‌هایی که می‌تواند گروه بسیاری را کتابخوان و عادت مطالعه را در خانواده‌های ایرانی نهادینه کند، مورد توجه ناشران قرار گرفتند. تا نیمه‌های دهه پنجاه، کتاب‌های جیبی اغلب کتاب‌های مذهبی، بازنویسی داستان‌ها و رمان‌های معروف و تبدیل آن به کتاب جیبی و داستان‌های عامه‌پسند و پلیسی بودند، اما با نزدیک شدن به سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی و حساسیتی که بخش‌های فرهنگی و تبلیغی گروه‌های مبارز برای آگاه‌سازی مخاطبان خود داشتند، کتاب‌های جیبی از محتوای سیاسی، انقلابی و تهیه‌چی برخوردار شدند. سخنرانی‌هایی که در حسینیه ارشاد انجام می‌شدند، به سرعت و با شمارگان وسیع و حتی به صورت جلد سفید منتشر می‌شدند. این جریان حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال‌های نخستین دهه ۶۰ هم ادامه داشت. مجموعه کتاب‌های «در راه حق»، «متن قانون اساسی»، کتاب‌های دکتر شریعتی و آیت‌الله شهید مرتضی مطهری از جمله کتاب‌های جیبی بودند که در جریان مبارزات عقیدتی میان گروه‌های مختلف انقلابی بسیار پر شمارگان با بهای ۲۰ تا ۳۰ ریال در کمتر از یک هفته فروخته می‌شدند اما با شدت گرفتن جنگ تحمیلی، کمبود کاغذ و شرایط خاص اقتصادی که ناشران با آن درگیر شده بودند، امکان انتشار کتاب‌های جیبی سلب شد چرا که قیمت تمام شده کتاب‌های جیبی وقتی پایین می‌آمد که شمارگان بالا می‌رفت و روزگار، روزگار کمبود کاغذ بود و شمارگان کم. به این ترتیب از نیمه‌های دهه ۶۰ تا نیمه‌های دهه ۷۰ به مدت یک دهه جریان تولید کتاب‌های جیبی به عنوان یک جریان هدفمند برای کتابخوان کردن مردم کنار گذاشته شد. هر چند در این سال‌ها به ندرت کتاب‌های جیبی منتشر می‌شدند، اما دیگر آن جریان تولیدی وجود نداشت. کتاب‌های جیبی از سال‌های ۱۳۷۴ به بعد دوباره مورد توجه قرار گرفتند.

در این باره تولیدکنندگان کتاب از حمایت سایر نهادهای مرتبط نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شهرداری برای تولید و توزیع کتاب‌های جیبی برخوردار شدند. انتشارات کتاب همراه، نخستین گام برای تولید جریان ساز کتاب‌های جیبی به حساب می‌آمد. بهای کتاب‌های این موسسه ۳۰۰ تا ۵۰۰ ریال بود و توانست دوباره شمارگان کتاب را به مرزهای ۱۰ هزار نسخه نزدیک کند. بعد از آن انتشارات کهکشان با کتاب‌های نسل قلم و نشر تجربه با

کتاب‌های تجربه‌های کوتاه و انتشارات کاروان با آثار «پائولو کوئیلو» و نشر مشکی و ماه‌ریز با انتشار نمایشنامه‌ها و قصه‌های کوتاه از راه رسیدند، به گونه‌ای که امروز می‌توان اطمینان داشت جریان هدفمند تولید کتاب‌های جیبی برای نهادینه‌سازی فرهنگ مطالعه، یک جریان تثبیت شده است. اما چرا تولید کتاب‌های جیبی تا این اندازه اهمیت دارد؟

## نیک و بد کتاب‌های جیبی

کتاب‌های جیبی به دلیل آن که شمارگان بالایی دارند، قیمت مناسبی نیز خواهند داشت و بسیاری می‌توانند هزینه خرید آن را تامین کنند. اغلب ما وقت کافی برای مطالعه نداریم و کتاب‌های حجیم نمی‌توانند در وقت‌های سوخته به کارمان بیایند. اما کتاب‌های جیبی به دلیل سبک بودن و کوچکی آنها به راحتی قابل حمل و نقل اند و می‌توان آن را در سفر همراه برد و در سفرهای درون‌شهری که زمان زیادی از ما را در چنگ دارند؛ در اتوبوس، مترو یا تاکسی و... به مطالعه آنها پرداخت. از سوی دیگر کتاب‌های جیبی در هر مکانی قابل فروش اند. اگر چه در یک سال اخیر تنها موسسه همشهری با تولید کتاب‌های جیبی در پایان هر هفته از کیوسک‌های روزنامه‌فروشی برای توزیع و فروش آنها استفاده کرده است، اما می‌توان با یک برنامه ریزی ساده، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، سوپرمارکت‌ها، ایستگاه‌های بلیت‌فروشی و پارک‌ها را به محلی برای فروش این کتاب‌ها تبدیل کرد. آمارها نشان می‌دهد در بسیاری از کشورها نظیر ژاپن، انگلستان، آمریکا و... کتاب‌های جیبی نقش عمده‌ای در تبدیل مردم به کتابخوان‌های حرفه‌ای داشته‌اند.

فراموش نشود کتاب‌های جیبی سراپا خوبی و حسن نیستند، به دلیل شرایط خاص چاپ، انتشار و توزیع و کتاب‌سازی‌های بی‌مایه، کتاب‌های جیبی از آسیب‌های جدی هم برخوردارند. نخستین ایرادی که می‌توان بر کتاب‌های جیبی در ایران گرفت، این است که برخلاف فلسفه وجودی شان کمتر برای بچه‌ها تولید می‌شوند. در میان تمام ناشران کودک و نوجوان، تنها می‌توان «پیک ادبیات» را پیدا کرد که به صورت جدی به تولید کتاب جیبی برای بچه‌ها می‌پردازد. محسن طاهری، مدیر انتشارات پیک ادبیات در این باره می‌گوید: «ما فکر کردیم باید کتابی برای کودک تولید شود که از نظر اندازه و وزن برای یک کودک قابل استفاده باشد، از طرفی باید از نظر جنس کاغذ و جلد طوری باشد که خیلی زود خراب نشود و با شیوه استفاده کودکان کنار بیاید. بنابراین من این کتاب‌ها را کتاب‌های سخت و جیبی می‌دانم، اما متأسفانه عادت داریم که کتاب‌های بچه‌ها را با قطع‌های بزرگ تولید کنیم. به نظر ما

دابل دی و تحت عنوان کتاب‌های «انکر» به کتاب‌های جیبی روی خوش نشان داد.

تنها یک دهه بعد تولید کتاب‌های جیبی به پرسودترین فعالیت ناشران اروپایی و آمریکایی تبدیل شد به گونه‌ای که در سال ۱۹۷۹ ناشری انگلیسی ۱۳۲ میلیون نسخه از کتاب‌های جیبی خود را فروخت و در همان زمان جیسن اپستاین که در سال ۱۹۵۲ ویراستاری کم و بیش فقیر در یک انتشاراتی بود، با مدیریت انتشارات رندوم هاوس و تولید کتاب‌های جیبی یکی از پرسودترین فعالیت‌های اقتصادی آمریکا را در دست داشت.

کتاب‌های جیبی در اروپا به نام «paperbook» یا جلد کاغذی معروف شدند و کار به جایی رسید که اصطلاح «انقلاب کتاب‌های جلدکاغذی» درباره این نوع کتاب‌ها بر سر زبان‌های ناشران و تئوری پردازان علم ارتباطات افتاد.

این روزها شمارگان ده‌ها هزار نسخه در این کشورها شمارگانی



بچه‌ها هنگامی که به پشت بر تخت خود دراز کشیده‌اند، باید بتوانند یک کتاب با اندازه و وزن مناسب را در دست بگیرند و بخوانند.»

موضوع دیگر در تولید کتاب‌های جیبی، اندازه آنهاست. متأسفانه ناشران، صرفه اقتصادی را در استفاده از کاغذ ملاک قرار می‌دهند و کتاب‌های جیبی با نصف کردن قطع رقیعی و وزیری و در اندازه‌های مختلفی از ۱۰ در ۱۴ تا ۲۰ در ۱۲ و حتی اندازه‌های غیر متعارف‌تر دیگری تولید می‌شوند که سیستم توزیع، فروش و حتی نگهداری آن در کتابخانه شخصی را با مشکل مواجه می‌کنند.

علیرضا صادقی، از کتابخوانان حرفه‌ای هم چند اشکال مهم به کتاب‌های جیبی می‌گیرد. او که خود فروشنده کتاب هم هست، می‌گوید: «کتاب‌های جیبی در ایران به کتاب‌های سطحی و پیش پا افتاده تبدیل شده‌اند. در خارج از ایران و در جایی مثل آلمان و انگلستان کتاب‌های جیبی، بزرگ‌ترین آثار ادبی را شامل می‌شوند. اگر قرار است مردم با کتاب جیبی کتابخوان شوند، بهتر است از متن‌های خوب در این کتاب‌ها استفاده شود. الان بازار پر است از کتاب‌های جیبی با یک سطر در هر صفحه که جمله‌ای عاشقانه اما بسیار ابکی را شامل می‌شود. از طرف دیگر کتاب‌های جیبی در گذشته بسیار ساده بودند، می‌شد آنها را در جیب گذاشت، هر صفحه‌ای را که می‌خواستی، می‌توانستی تا بزنی تا وقتی دوباره سوار اتوبوس می‌شوی بدانی از کجا باید شروع کنی اما حالا ناشران در تولید کتاب‌های جیبی به طرف تولید اثر لوکس رفته‌اند که هم قیمت تمام شده را بالا می‌برد و هم به آسانی قابل استفاده نیستند. در مجموع ناشران از هدف اصلی تولید کتاب‌های جیبی دور شده‌اند. به همین دلیل شمارگان کتاب‌های جیبی پایین آمده و ناشرانی که وارد این حوزه شده‌اند، جز معدودی، بقیه شکست خورده‌اند. بعضی از کتابخوانان حرفه‌ای هم ترجیح می‌دهند کتاب‌های قطور و بزرگ را مطالعه کنند تا کتاب‌های جیبی را.»  
تولید کتاب‌های جیبی می‌تواند به نفع ناشر، خواننده و فرهنگ مطالعه باشد آن هم به شرطی که به عنوان یک کار تخصصی و با شناخت نوع و ویژه آن انجام شود.

حداقلی برای تولید کتاب‌های جیبی به حساب می‌آید. با این حال کتاب‌های جیبی به هیچ عنوان در زادگاه خود به کتاب‌های دم دستی و بی محتوا تبدیل نشده‌اند.

بزرگترین آثار ادبی، تاریخی و علمی در قطع جیبی منتشر می‌شوند و توانسته‌اند کتاب خواندن آن هم به حرفه‌ای‌ترین شکل را وارد اتوبوس، مترو، هواپیما، صف‌های انتظار و... کنند.

اگرچه این کتاب‌ها در سال‌های بعد از جنگ جهانی که وضعیت اقتصادی نامناسبی به وجود آمده بود و هزینه‌های تولید کتاب به شدت بالا رفته بود، رواج پیدا کرد و جامعه هدف خود را افراد کم درآمد قرارداد، اما امروزه قیمت پایین این کتاب‌ها یک موضوع فرعی تلقی می‌شود و آنچه اهمیت پیدا کرده، امکان مطالعه آسان این کتاب‌ها در هر موقعیتی است. این موضوع در جهان پرشتاب قرن بیست و یکم یادگاری کوچکی است از قرن پیش که همچنان حفظ شده است.

## دنیای کتاب‌های جیبی

**یاسر مومنی:** اینکه تولید وسیع کتاب‌های جیبی در دنیا نخستین بار ابتکار کدام ناشر موقعیت‌شناس و حسابگر بوده است، خیلی روشن نیست اما بسیاری بر این عقیده‌اند که تولید کتاب‌های جیبی به عنوان یک جریان اثرگذار در تولید اثر مکتوب، پدیده‌ای است که پس از جنگ جهانی دوم در اروپا و آمریکا رواج پیدا کرد.

تا آنجا که به خاطر اسناد مانده است، یک ناشر انگلیسی با انتشار مجموعه عظیم و متنوعی در زمینه‌های مختلف، نام خود را به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده کتاب‌های جیبی ثبت کرد.

گالیمار نیز در فرانسه با انتشار مجموعه کتاب‌های «چه می‌دانم؟» که نوعی کتاب فرهنگ اطلاعات عمومی بود، وارد این حوزه شد.

پس از این دو کشور، ایالات متحده آمریکا نخستین بار در سال ۱۹۵۲ با ایده ویراستاری به نام جیسن اپستاین در موسسه انتشاراتی



سایر محمدی

محمدرضا سنگری، نویسنده حوزه ادبیات و دفاع مقدس، دبیر علمی چندین دوره جشنواره مرتبط با این حوزه بوده است. آخرین حضور دکتر سنگری را باید به عنوان دبیر علمی جشنواره ربع قرن ادبیات دفاع مقدس ذکر کرد. او همچنین کتاب «غروب بود و تو بودی» را توسط نشر تکا در آستانه انتشار دارد. محمدرضا سنگری، متولد ۱۳۳۳ شهر شوش است و دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران دریافت کرد. وی علاوه بر خلق آثار چون «سوک سرخ»، «حنجره معصوم»، «کرمه های قلم» و «یادهای سبز» در زمینه ادبیات دفاع مقدس به تحقیق و پژوهش در این حوزه نیز پرداخته که حاصل آن «نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس» در سه جلد است که به عنوان برترین اثر کتاب سال دفاع مقدس شناخته شده است. او همچنین «آینه داران آفتاب» را در دو جلد نوشته و منتشر کرده که روایتی متفاوت از شهدای عاشورا به دست می دهد. وی کتاب «پیوند دو فرهنگ عاشورا و دفاع مقدس» را هم منتشر کرده که با اقبال صاحب نظران روبه رو شده است.

دبیر علمی جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس:

# ادبیات «دفاع مقدس» ضد جنگ است!

اسناد و اطلاعات سرزدیم تا سرانجام موفق شدیم بیش از شش هزار عنوان کتاب جمع آوری کنیم. ضمن این باید یادآور شوم کتاب هایی هم بودند که در اختیار داوران قرار داشتند اما ما آنها را نداشتیم که خوشبختانه این دسته از آثار را هم به این مجموعه افزودیم. الان ما بزرگ ترین گنجینه کتاب دفاع مقدس را در اختیار داریم و معلوم شده که در هر حوزه چند عنوان کتاب نوشته شده است. مثلاً در حوزه خاطره حدود چهار هزار عنوان کتاب منتشر شده؛ یعنی غنی ترین حوزه ادبیات دفاع مقدس، مربوط به خاطره نویسی است. در این حوزه شکوفایی بسیار داشته ایم و موفقیت زیادی کسب کرده ایم چه از منظر کمی چه از نظر گاه کیفی. به جرأت می توان گفت بعد از حوزه شعر که ژانر (گونه) سنتی ادبیات ایران است و در جامعه ما رسوخ و نفوذ فراوان دارد، هیچ حوزه ادبی دیگری امروز به گستردگی حوزه خاطره نداریم. در کنار این حوزه، حوزه های دیگری مثل زندگی نامه نویسی است که در گذشته ادبی خود هرگز این همه زندگی نامه نداشته ایم اما در حال حاضر داریم. زندگی نامه داستانی، داستان کوتاه، رمان، نمایشنامه و فیلمنامه همه این حوزه ها الان مشخص و معلوم است که چند عنوان کتاب داریم و در چه وضعیت و موقعیتی قرار داریم. به عبارت دیگر موفق شده ایم دریابیم که باید بیش از آن که نگاه ما به قله ها باشد، به دره ها هم نظری بیفکنیم. یعنی ببینیم کجا با کاستی مواجهیم و کجا ضعف داشته ایم. مثلاً از نظر کمی معلوم شد که در زمینه ادبیات کودک واقعا کمبود داریم و کم کار کرده ایم. در حوزه کودک و نوجوان میزان آثار منتشر شده هرگز متناسب با نیاز و عطش اجتماعی نسل آینده نیست؛ نسلی که باید در آینده با ارزش های دفاع مقدس زندگی کند و ارزش هایی که باید به آنها منتقل شود، اما ما به عنوان نویسندگان نسل امروز در این انتقال کوتاهی کرده ایم و آثار مورد نیاز کودکان و نوجوانان را به اندازه کافی خلق نکرده ایم. البته از نظر کیفی آثار موفقی داشته ایم، ولی از نظر کمی جای بحث هست. یا فرض کنید در جریان داورى ربع قرن ادبیات دفاع مقدس متوجه شدیم که فقیرترین حوزه در زمینه ادبیات دفاع مقدس حوزه ترجمه است. در این زمینه با فقر بسیار شدیدی مواجهیم.

یعنی ادبیات دفاع مقدس را به جهانیان معرفی نکردیم و تلاشی در این عرصه نداشته ایم. دست کم می توانستیم با ترجمه این آثار به زبان عربی در منطقه و در کشورهای همسایه که اشتراک فرهنگی فراوانی با ما دارند، شعله های انقلاب اسلامی و ارزش های دفاع مقدس را که از دور دیده اند، به آنها ارائه کنیم تا از نزدیک لمس و تجربه کنند. هرچند در حال حاضر هم در فلسطین، لبنان و در منطقه عراق و کشورهای عربی اطراف خود تاثیر فراوانی گذاشته ایم اما متأسفانه آثار دفاع مقدس را به عربی ترجمه نکردیم که نیرو و توان آن را داریم. در کشورهای فارسی زبان هم چندان کار نکرده ایم. درست است؟



آثاری که در این زمینه نوشته شده، هیچ تصویر روشنی از این موضوع نداشته ایم و نمی توانستیم تحلیل و ارزیابی درستی از آن ارائه کنیم. با این که چند دوره دبیر علمی جشنواره ادبیات دفاع مقدس بودم و خودم در این عرصه فعالانه قلم زده ام و چند عنوان کتاب منتشر کرده ام، اما به روشنی امروز تصویری از مجموعه ادبیات دفاع مقدس فرارو نداشته ام. شاید در آغاز ذهنیت ما این بود که مجموعه آثاری که در این زمینه تالیف شده، حداکثر به چهار هزار عنوان می رسد، اما اکنون نتایج دیگری به دست آمده که تصویری روشن و حقیقی در اختیار علاقه مندان قرار می دهد. اولاً امروز می دانیم که چند عنوان کتاب در این زمینه تالیف و منتشر شده است. البته در این دو سال تلاش فراوانی کردیم که هر کتابی در هر کجا که منتشر شده پیدا کنیم و در این مجموعه جا بدهیم. بیش از چهار هزار نامه به ناشران نوشتیم و به مراکز معتبری که در این زمینه کار کرده بودند و مراکز

راجع به هر یک از این شاخه های ۲۲ گانه است که وضعیت هر رشته را مشخص و روشن می کند. کار بزرگ دیگری که انجام می دهیم، این است که موضوعات مورد نیازمان را به جامعه پژوهشگران، صاحب نظران و هنرمندان و دانشگاهیان عرضه می کنیم تا اگر دانشجویان بخواهند پایان نامه های تحصیلی خود یا رساله های دکترایشان خود را بنویسند، یا علاقه مندانی که تمایل دارند کارهای مطالعاتی کنند، این مجموعه را به عنوان منابع تحقیقات شان مورد استفاده قرار دهند. بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس هم کمک های لازم را به این دسته از علاقه مندان خواهد کرد. بعد از برگزاری سیزده - چهارده دوره از جشنواره کتاب سال دفاع مقدس و در آستانه برگزاری ربع قرن ادبیات دفاع مقدس، این حوزه را چگونه ارزیابی می کنید؟ واقعیت این است که پیش از برنامه ریزی برای برگزاری ربع قرن ادبیات دفاع مقدس و جمع آوری

به سالروز آغاز جنگ تحمیلی (۲۹ شهریور) و شکست حصر آبادان (پنجم مهر) نزدیک می شویم. شما در این ایام چه می کنید؟

برنامه ای که نزدیک به دو سال است تدارک دیده ایم، برگزاری جشنواره ربع قرن دفاع مقدس است که در پنجم مهرماه برگزار می شود. از دو سال پیش در تلاش گردآوری همه آثاری که در زمینه دفاع مقدس نوشته شده، هستیم از این رو بیش از شش هزار عنوان کتاب در حوزه های مختلف جمع آوری کردیم و مراحل مختلف داوری درباره این آثار صورت گرفته و نتایج این داوری در زمان اعلام شده، یعنی پنجم مهرماه، سالروز شکست حصر آبادان در مراسمی که برگزار می شود به اطلاع افکار عمومی می رسد.

داوری این آثار توسط چند نفر انجام شده است؟ مجموعه داوران در شاخه های ۲۲ گانه آثار دفاع مقدس حدود ۱۲۵ نفر بودند که حاصل کارشان در طول این مدت تعیین آثار برتر ادبیات دفاع مقدس است که در ربع قرن اخیر در این سرزمین خلق شده است.

تعداد نویسندگانی که در این دوره آثارشان به عنوان آثار برتر انتخاب شده چند نفرند؟ آیا این آثار در حوزه شعر و داستان است؟

مجموعاً حدود ۷۴ نفر به عنوان چهره های برگزیده و تقدیری انتخاب شده اند. این آثار در حوزه های مختلف خلق شده اند یعنی جنگ، نمایشنامه، فیلمنامه، ادبیات داستانی (اعم از داستان کوتاه و بلند و رمان، ادبیات کودک، نوجوان، شعر، زندگی نامه داستانی، زندگی نامه، خاطره نویسی و نثر ادبی از جمله حوزه هایی هستند که در این جشنواره مورد توجه قرار گرفته اند. در این بررسی، چهره روشن تری از ادبیات دفاع مقدس و کارنامه این ۲۵ سال به دست آمد. یعنی حاصل تلاش بیش از ۹ ماه داوران جشنواره یک نمای کلی از وضعیت ادبیات دفاع مقدس است و به وضوح مشخص شد که در کدام ساخت ها ضعف داریم و در کدام عرصه ها موقعیت ما مطلوب است و توفیق بیشتری داشته ایم.

با توجه به برگزاری جشنواره ربع قرن ادبیات دفاع مقدس، آیا امسال جشنواره کتاب سال دفاع مقدس هم برگزار می شود؟

جشنواره کتاب سال دفاع مقدس را امسال برگزار نکردیم، به این دلیل که همزمان این دو جشنواره باعث تداخل کارها می شد و ما را از برنامه ریزی اصولی برای جشنواره ربع قرن ادبیات دفاع مقدس باز می داشت. ضمناً برای برگزاری جشنواره ربع قرن، بودجه سنگینی لازم بود که باید هزینه می کردیم. بنابراین متولیان امر تصمیم گرفتند، بودجه کتاب سال دفاع مقدس را هم در این راه صرف کنند. واقعا کار سنگینی بود و ما در این آخرین روزها کم کم داریم نفسی به راحتی می کشیم. حدود شش - هفت ماه می شد که ما شب و روز درگیر این برنامه بودیم. تهیه و تدارک یک ویژه نامه برای همین منظور از دیگر فعالیت های جنبی ما در این ایام است. آن مجموعه مقالات

متاسفانه آثار خودمان را به اندازه کافی به دست این گروه از مخاطبان بالقوه نرسانده ایم. مثلاً کشورهای که هنوز زبان فارسی در آنجا زنده است و حضور دارد. الان رشته کارشناسی ارشد ادبیات دفاع مقدس در دانشگاه کرمان دایر شده است و در آینده نزدیک این رشته در دیگر دانشگاه ها هم دایر خواهد شد. قرار است دوره دکتری در دانشگاه های کشور راه اندازی شود. کسانی که می خواهند در این زمینه کار کنند نیاز به مراکز و نهادهایی دارند که در آن آموزش ببینند منابع و آثار مورد درخواست شان را در اختیارشان بگذارد اما ما در این چند سال چنین مراکزی را تدارک ندیده ایم و به فکر ترویج آن در دانشگاه ها نبودیم تا دانشجویان علاقه مند که می خواهند کار پژوهشی بکنند منابع و مراجع آن را در اختیار داشته باشند. گام اولی که برداشته می شود، همین است. قرار است نرم افزارهایی را آماده کنیم و تلاش ما این است که در برنامه جشنواره ربع قرن ادبیات دفاع مقدس آنها را در اختیار علاقه مندان قرار دهیم. یعنی بتوانند خیلی راحت به این شش هزار عنوان کتاب ادبیات دفاع مقدس دسترسی داشته باشند تا در فضای مجازی از آن بهره لازم را ببرند.

**امروز رمان پرمخاطب ترین گونه ادبی در جامعه ایران و اغلب جوامع جهانی است. وضعیت رمان و داستان ادبیات دفاع مقدس در این ۲۵ سال چگونه بوده است؟**

درست است که رمان ژانر پرمخاطبی است ولی خاطره هم علاقه مندان فراوانی دارد. در همین ربع قرن ادبیات دفاع مقدس حدود چهار هزار عنوان کتاب در زمینه خاطره نوشته و منتشر شده است که در مقایسه با دیگر حوزه ها حجم بسیار وسیعی را تشکیل می دهد. بسیاری از کتاب ها که خوانندگان آنها را داستان می شناسند، خاطره است. نمونه دم دستی آن کتاب «۱۵» است که خاطرات این زن رزمنده است و در طول مدتی کوتاه به چندین چاپ رسیده است و هنوز هم مرتباً تجدید چاپ می شود. جامعه ما با خاطرات انس و الفت بسیاری پیدا کرده است. حوزه داستان هم نسبتاً حوزه موفقی بوده اما در حوزه رمان نه، چنین موفقیتی نداشته ایم.

ما در حوزه داستان کوتاه و رمان اگر بخواهیم مقایسه ای داشته باشیم، بدون تردید، در حوزه داستان کوتاه بسیار موفق تر بوده ایم. در عرصه رمان هنوز باید تکاپوهای بسیار داشت. در بین ۱۵۰ داور صاحب نظر که می توانند در آینده راهنمای خوبی برای نویسندگان جوان باشند، همین نظر را دارند که رمان فارسی در مقایسه با رمان های اروپایی هنوز راه درازی در پیش دارد. ما معتقدیم باید میزگردها و نشست هایی با حضور داوران، منتقدان و صاحبان این آثار برگزار کنیم تا به نقد و بررسی این آثار بپردازیم و قبل از این که دیگران ما را نقد کنند ما به عنوان اهالی این خانه همدیگر را نقد کنیم. نقد به اعتلای ادبیات دفاع مقدس کمک می کند. در این نشست هاست که مشخص می شود چه باید کرد تا افق های دورتر و چشم انداز های وسیع تری را در آینده درک کنیم و آثار فاخر تر، عمیق تر و استوار تری خلق کنیم. ما امروز حدود نهصد نویسنده در زمینه ادبیات دفاع مقدس داریم که به طور فعال در این کشور مشغول خلق آثارند. عده ای هم در این بین گمنام مانده اند و کسی هم به آنها توجه نمی کند.

**آثاری که در این سال ها در حوزه ادبیات دفاع مقدس برنده جایزه کتاب سال می شوند، جوایز بخش خصوصی را هم می گیرند. یعنی این آثار به لحاظ زیبایی شناسی، مولفه های هنری را دارند و صرفاً معناگرا نیستند بلکه به صورت و فرم هم توجه دارند. نظر شما در این مورد چیست؟**

مفوله داستان یک وجه هنری بارز و شاخصی دارد که اگر آن جلوه هایش نباشد، هرگز به این مولفه ها نزدیک نخواهد شد که بتواند فاتح ذهن و ضمیر جامعه باشد، یا نقطه عطف بشود و جامعه

را تحت تاثیر قرار دهد. بزرگ ترین آثاری که در حوزه داستان می شناسیم اعم از رمان، داستان کوتاه و داستانک، همه وجه هنری شان غالب است تا محتوا و درونمایه ای که دارند. آن محتوا و درونمایه را ممکن است افراد دیگر هم با ابزار های دیگر و وسایل دیگر بیان و عرضه کنند اما از آن مانایی و تاثیر گذاری عمیق و طولانی برخوردار نیستند. خوشبختانه نویسندگان مادر حوزه داستان روز به روز پخته تر و ورزیده تر می شوند و آثار هنری تری عرضه می کنند و به حق این اعتبار که تجربه های بیشتری به دست می آورند و هم دنیای فکری و ذهنی خودشان را وسعت می بخشند. یعنی با مطالعه و تعمق در آثار والا و معتبر که در عرصه جهانی منتشر می شوند شناخت عمیق تر و دیدگاه های وسیع تری از مقوله رمان نویسی پیدا می کنند و در واقع هم از روش ها و تکنیک هایشان درس می گیرند و هم با خلق آثار هر چه بیشتر خودشان به پختگی بیشتر می رسند و تعالی پیدا می کنند. عده ای واقعا در ایران موفق شده اند. من باید این را به جرأت اعتراف کنم که نویسندگان امروز به ویژه در عرصه داستان کوتاه می توانند هم تراز و هم شأن و هم وزن داستان های کوتاه مطرح جهان ظاهر شوند. اما چون این آثار ترجمه نشده و در سطح جهانی به زبان های دیگر عرضه نشده، جایگاه خود را در بین داستان های مطرح جهان پیدا نکرده اند و خالقان این آثار هم حداقل در محافل ادبی جهان شناخته نشده اند. باید اذعان کرد که کوتاهی کرده ایم. آنها که باید رسالت عظیم فرهنگی خودشان را ایفا می کردند و ادبیات این نسل را به جهانیان می شناسانند تلاشی از خودشان نشان نداده اند. تاکنون هم به جز دو - سه اثر از دهقان، قیصری و ... اثر دیگری ترجمه نشده است. آثار فراوانی هست که استحقاق ترجمه شدن دارند. اتفاقاً یکی از دستاوردهای جشنواره ربع قرن ادبیات دفاع مقدس این است که ترجمه چند کتاب را قرار است شروع کنیم.

**در یک دوره ای فقط ناشران دولتی و معدود ناشران بخش خصوصی حاضر به سرمایه گذاری در زمینه چاپ کتاب های ادبیات دفاع مقدس بودند اما در سال های اخیر ناشران معتبر بخش خصوصی به چاپ این آثار روی آورده اند. شما این مسأله را چگونه ارزیابی می کنید؟**

همین رویکرد ناشران بخش خصوصی نشان می دهد که ادبیات دفاع مقدس توفیق پیدا کرده است که مخاطب عام پیدا کند. وقتی کتابی مثل «۱۵» در طول یک سال چهل - پنجاه چاپ می خورد، طبیعی است که ناشران بخش خصوصی برای سرمایه گذاری روی چنین آثاری ترغیب شوند. ناشران بخش خصوصی گوشه چشمی به مسائل اقتصادی دارند. از این رو کتابی که بازگشت سرمایه ناشر را تضمین کند و به لحاظ ارزش های ادبی هم در حد قابل قبولی باشد هر ناشری آن را چاپ می کند. وقتی اثری در جامعه پذیرفته نشود ناشر هم اقدام به سرمایه گذاری و چاپ آن نمی کند. این که ناشران معتبر بخش خصوصی به چاپ آثاری در زمینه ادبیات دفاع مقدس روی می آورند، نشان می دهد این نوع ادبیات مخاطبان خودش را پیدا کرده است و به لحاظ ارزش های ادبی و هنری در سطح قابل قبولی است. واقعیت این است که اقبال اجتماعی به این آثار سبب شده که ناشران بخش خصوصی به چاپ این آثار روی بیاورند.

**ادبیات دفاع مقدس در طول ربع قرن اخیر به چند دوره تقسیم شده است؟**

معمولاً عده ای در تقسیم بندی ادبیات دفاع مقدس نگاه دهه ای دارند و ادبیات دفاع مقدس را به دهه شصت، دهه هفتاد و دهه هشتاد تقسیم می کنند و برای هر دهه مشخصه ها و ویژگی هایی قائل اند. یک نگاه هم موضوعی است، اما من نگاه دیگری دارم. به گمان من دوره اول دوره تجربه ها و دوره احساس است. اگر دقیق تر به این دوره نگاه کنیم، باید بگوییم تقریباً در نیمه دهه شصت چنین موقعیتی داشتیم. بچه ها تازه در حال تمرین

کردن ادبیات دفاع مقدس بودند، تجربه اندوزی می کردند و الگوی مورد قبولی پیش روی خود نداشتند. فضای آن دوره هم فضای احساسی بود، یعنی فضای شعاری غالب بود که طبیعتاً در پی تخطئه آن هم نباید بود. آن زمان چنین اقتضاء می کرد و ادبیات احساسی و شعاری هم لازم بود. دوره بعد، دوره تکنیک است. یعنی نویسندگان ما روی تکنیک نوشتن تمرین کردند. آن هم از روی دست این و آن، از خواننده ها و آموخته ها الهام می گرفتند و تجربه اندوزی می کردند و پس از آن به صورت های جدیدی رسیدند و فرم های تازه ای کشف شد. در دوره اول سیرت برای آنها مهم بود؛ این که چه بگویند، در دوره بعد صورت در اولویت قرار گرفت؛ این که چگونه بگویند اما دوره اخیر خالقان ادبیات دفاع مقدس هم در حوزه شعر، هم در حوزه داستان و رمان، دوره پختگی و تعادل است. یعنی هم به صورت در آثارشان توجه دارند و هم به سیرت. یعنی هم شکل هم معنا مورد توجه قرار می گیرد و هم اندیشه جدی گرفته می شود و هم آثاری که خلق می شود به لحاظ فرم و معنی به مرحله تکامل رسیده است. در این مرحله به عبارت روشن تر یک امتزاج مبارک از صورت و سیرت پدید می آید که دوره تعالی و تعادل ادبیات دفاع مقدس است؛ البته این دوره با فراز و نشیب هایی هم همراه است. باز هم به اعتقاد من این دوره دوره گذار است و ما تجربه های موفقی را در انتهای دهه ۸۰ شاهد خواهیم بود.

**ادبیات دفاع مقدس در حوزه شعر را موفق ارزیابی می کنید یا در حوزه داستان؟**

واقعیت این است که اگر بیشترین توفیق را مدنظر داشته باشیم، من این را متوجه خاطره نویسی می دانم. در این حوزه خیلی موفق بودیم. در زمینه زندگی نامه نویسی هم چنین توفیقی را داشتیم. شعر فارسی به خاطر این موفق است که یک هزاره پشتوانه شعر کلاسیک فارسی را به همراه دارد. هر کس که امروز سرودن شعر را شروع می کند، ذخایر فراوانی از شعر شاعران بزرگ ایران در ذهن و ضمیر خود دارد و دست خالی به میدان نیامده است. راه های کوییده در مقابل او بسیار است. در حالی که این راه کوییده و این میراث کهن را در حوزه داستان و رمان نداریم. سابقه رمان نویسی در ایران به صد سال و در خوشبینانه ترین حالت به صد و سی سال می رسد. اما درخشش در حوزه داستان کوتاه غیر قابل انکار است. من اعتقاد دارم که در ایران نباید منتظر ظهور رمان های بزرگ باشیم چون جامعه ما جامعه رمان نیست. رمان یک پدیده غربی است که با صنعتی شدن غرب و در آن روابط فرهنگی زاده شد. به نظر نمی رسد که جامعه ما امروز در انتظار یک رمان بزرگ باشد. البته توفیق در عرصه رمان نویسی را در طول سال های گذشته نمی توان نادیده گرفت. ما در عرصه رمان آثار خوبی هم داریم. این که می گویم ما نباید در انتظار ظهور یک رمان خارق العاده و بزرگ باشیم معنایش این نیست که جامعه از خلق یک اثر بزرگ یا یک رمان درخشان مأیوس شود. فکر نمی کنید اطلاق صفت «مقدس» به ادبیات دفاع، مانع نقد و بررسی جدی این دسته از ادبیات باشد؟

واقعیت این است که این نوع ادبیات را

## در ایران نباید منتظر

## ظهور رمان های بزرگ

## باشیم چون جامعه ما

## جامعه رمان نیست.

## رمان یک پدیده غربی است

## که با صنعتی شدن غرب

## و در آن روابط فرهنگی

## زاده شد

نمی توانستیم با صفت ادبیات دفاع از ادبیات مقاومت و ادبیات مبارزه متمایز کنیم. ما اصطلاح ادبیات دفاع را از جامعه گرفته ایم. حدود سال های ۶۵ تا ۷۰ این اصطلاح وارد فرهنگ ما شد، البته موضوع ادبیات دفاع با ادبیات دفاع مقدس متفاوت است.

ادبیات دفاع و مقاومت می تواند مبتنی بر ایدئولوژی های مارکسیستی هم باشد و می تواند بدون باورهای دینی هم شکل بگیرد، چنان که در فلسطین بود. اما ادبیات مارشده در باورهای عمیق فرهنگ دینی مردم ما داشت. تمام نهادها این را می گویند، وصیت نامه های شهدا این را می گویند چرا که آن فضا، فضای دینی بود. رهبر جامعه یک رهبر معنوی و دینی بود. امام (ره) بود. و بیش از همه جامعه ریشه در تفکر شیعی و اندیشه های عاشورایی داشت. به همین سبب، دفاع ما در برابر دشمن از تقدس برخوردار است. ادبیات مقاومت و ادبیات پایداری، عموماً ادبیاتی بسیار گسترده است که توسط ملت هایی که با استبداد داخلی یا تجاوز بیگانه می جنگد، به وجود می آید. حالا ممکن است آن ادبیات مبتنی بر حس وطن خواهی باشد، دفاع از یک رژیم سیاسی باشد، دفاع از یک شخص یا یک خاندان باشد یا ... اما اگر دفاعی داشته باشیم که مبتنی بر آرمان الهی باشد و پشتوانه حرکت و مقاومت خود را از متن دین بیابیم به آن ادبیات می توانیم ادبیات دفاع مقدس بگوییم. دفاع مقدس متشکل از دو واژه است، یکی دفاع که ما در این جنگ متجاوز نبوده ایم و در مقابل حمله دشمن دفاع کرده ایم. ما از حریم ارزش های اسلامی، سرزمین خود، دین خود و مردم خود در مقابل هجوم دشمن دفاع کرده ایم و واژه مقدس که پشت سر دفاع می آید نشان می دهد که خاستگاه حرکت ما، تصمیمات ما و ایستادگی ما در برابر تجاوز دشمن مبتنی بر باور اعتقاد دینی است که نوع مقاومت ما در مقابل دشمن نیز چنین بوده است پس ادبیاتی که در این حوزه خلق می شود، طبیعتاً ادبیات دفاع مقدس است.

حالا اگر این آثار را نقد و بررسی کرده ایم آیا دین را نقد کرده ایم؟ خیر، اثر را نقد کرده ایم. البته در حوزه دین نقد هم وجود دارد. اجتهاد در فقه شیعی همان نقد است که همیشه هم بوده است. **مرز بین ادبیات دفاع مقدس و ادبیات ضد جنگ کجاست؟ چون گاهی نویسندگان ادبیات دفاع مقدس منتهم به نوشتن ادبیات ضد جنگ می شوند.**

ادبیات دفاع مقدس، خودش ادبیات ضد جنگ است. ما در دوران هشت ساله، دفاع کرده ایم. به کشوری حمله نکرده ایم. جنگی را به راه نینداخته ایم. بنابراین ما موضع ضد جنگ داریم. جنگ پدیده ای زشت و منفور است و روح و جان ادبیات دفاع مقدس هم ذاتاً ادبیات ضد جنگ است. اما آنچه معروف به ادبیات ضد جنگ است و ما هم گاهی از آن حرف می زنیم - اگر ادبیاتی ضد ادبیات دفاع مقدس باشد - یعنی دستاوردها و ارزش های دفاع مقدس را تخطئه بکند و نسبت به آن موضع بگیرد، این ادبیات ضد ادبیات دفاع مقدس است نه ضد جنگ. متاسفانه بعضی تصور می کنند اگر جریانی مخالف جریان رایج ایجاد کنند، تحت تاثیر این تفکر که «مخالفت کن تا شناخته شوی» کسی برخلاف جریان آب شنا کند و به گونه ای حرف بزند که ارزش های دینی و ارزش های دفاع مقدس را زیر سوال ببرد شناخته می شود که البته معتقدم این یک خیانت تاریخی به فرهنگ و ادبیات این ملت است. البته در جبهه هم مثل همه جا مشکلاتی بود و ضعف هایی وجود داشت از جنس ضعف هایی که در فیلم «لیلی یا من است» دیده ایم. پرداختن به این موارد در ادبیات رانمی توان تحت عنوان ادبیات ضد جنگ محکوم کرد. البته ما نباید این حساسیت ها را دامن بزنیم که هر نویسنده ای به اتفاقاتی از این دست اشاره کرد و به واقعیت های جنگ پرداخت، او را نویسنده ای ضد جنگ بشناسیم.

# گنج‌هایی که کمتر دیده می‌شوند



خبر ایران، علاقه‌مندان و... قرار گرفت. وی می‌افزاید: «در این نمایشگاه جدیدترین کتاب‌های هنر، باستان‌شناسی، تاریخ هنر، اسطوره‌های ایرانی و... نمایش داده شد، زیرا انتخاب جدیدترین کتاب‌ها، نیاز استقبال کنندگان کتابخانه تخصصی موزه ملی ایران و همکاران در بخش‌های مختلف به شمار می‌رفت.»

## تالار کتیبه‌های کهن موزه ملی ایران

تالار کتیبه‌های موزه ملی ایران مردامه سال ۱۳۷۷ با هدف گردآوری، حفظ و مرمت، شناسنامه دادن و سرانجام نسخه برداری و خواندن متن‌های خوانده نشده موجود در موزه، تاسیس شد. بسیاری از آجرنشته‌ها و گل‌نشته‌های یافت شده در شوش و تخت جمشید و نیز بیشتر گل‌نشته‌های خزانه و باروی تخت جمشید به این تالار منتقل شده و شناسنامه مقدماتی برای آنها فراهم آمده و نیز تعدادی خوانده و آراسته انتشار شده‌اند.

بخشی از کتیبه‌های خشایارشا به خط میخی فارسی باستان از تخت جمشید هخامنشی، آجرنشته شوش سومری حدود ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد، نیشه قلاب زده ایلامی میانه شوش حدود ۱۱۲۰ تا ۱۱۵۰ سال قبل از میلاد، آجرنشته ایلامی میانه شوش حدود ۱۱۰۰ تا ۱۱۲۰ سال پیش از میلاد، گل‌نشته شوش، گل‌نشته خزانه و باروی تخت جمشید خشایارشا، مشق شاگردان مدرسه شوش ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ قبل از میلاد، کتیبه سنگی جانشینی خشایارشا، گل‌نشته مربوط به حقوق کارگران تخت جمشید خشایارشا، گل‌نشته به زبان بابلی شوش و گل‌نشته حقوق کارگران داریوش در باروی تخت جمشید، از جمله کتیبه‌ها و گل‌نشته‌هایی‌اند که در موزه ملی ایران گردآمده و تعدادی از آنها خوانده (مرزگشایی) و منتشر شده‌اند و تعدادی دیگر بعد از خوانده شدن، ترجمه و منتشر خواهند شد.

## قرآن‌های نفیس

### گنجینه اسلامی موزه ملی ایران

نمونه‌های متنوعی از اشیا و آثار هنری دوران مختلف در موزه ملی ایران به نمایش درآمده است. این موزه در سه طبقه بنا شده؛ طبقه نخست تالار اجتماعات این موزه به حساب می‌آید و طبقه دوم آن به نمایش نسخه‌های نفیس از گنجینه قرآن، نسخه‌های خطی شامل کتاب‌های علمی، ادبی، تاریخی، خوشنویسی، ادوات و ابزار کتابت اختصاص یافته است. در طبقه سوم اشیا بر اساس سیر تاریخی و با تکیه بر تزیینات معماری ارائه شده‌اند؛ نظیر ابزار و جنگ افزارهای متعلق به دوره اسلامی، کاسه‌های سفالی دوره اسلامی و کتیبه‌های کوفی.

نسخه‌های قرآن گنجینه اسلامی موزه ملی ایران، تاریخ صدر اسلام تا اواخر دوره قاجاریه را دربرمی‌گیرند. این نسخه‌ها یا به موزه ملی انتقال، اهدا یا توسط موزه ملی خریداری شده‌اند.

بیشترین قرآن‌هایی که به موزه ملی ایران انتقال یافته‌اند، قرآن‌های نفیس بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی‌اند. قرآن به خط نسخ، صفحات مجداول با سرلوح مزدوج مذهب مرصع، جلد تیماج و با قطع رحلی متعلق به قرن ۱۱ هجری، قرآن به خط رقم احمدبن السهروردی، تذهیب محمدابیک قطع رحلی بزرگ، صفحه‌ای از قرآن مرقع خط شکسته به روش چلیپا با تذهیب اطراف سطور متعلق به قرن ۱۱ هجری، صفحه‌ای از قرآن به خط محقق، احتمالاً به خط بایسنقر با آیات ۴ تا ۷ و آیه سوره ۸ عنکبوت متعلق به قرن ۹ هجری از جمله قرآن‌های نفیس گنجینه اسلامی موزه ملی ایران‌اند.

این کتابخانه طی ۷۲ سال فعالیت، مکان مطالعه و بازدید بسیاری از شخصیت‌های فرهنگی، باستان‌شناسی و هنر ایران و جهان بوده و همواره مورد توجه فرهنگ‌دوستان قرار گرفته است. اکنون نیز منابع این کتابخانه بیش از ۳۰ هزار جلد کتاب و نشریه به زبان‌های گوناگون را دربرمی‌گیرد و مهم‌ترین کتابخانه تخصصی کشور از نظر تاریخ هنر و باستان‌شناسی در ایران و کشورهای همجوار به شمار می‌رود و از این رو اعتبار و منزلت جهانی دارد.

خدمات دهی به مراجع کنندگان با معرفی نامه و کارت دانشجویی امکان‌پذیر است. البته کتاب‌ها باید در سالن کتابخانه مطالعه شوند و تنها کارکنان موزه ایران باستان می‌توانند کتاب‌ها را امانت بگیرند و از کتابخانه خارج کنند.

طریقه جست‌وجو از منابع کتابخانه از طریق برگه‌دان و سامانه هوشمند امکان‌پذیر است و از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۵ هر روز به علاقه‌مندان به رشته‌های تاریخ ایران باستان و باستان‌شناسی خدمات ارائه می‌دهد.

فریده شیرخدایی، مسوول کتابخانه موزه ملی ایران، می‌گوید: «به‌تازگی بیش از ۸۰۰ عنوان کتاب به زبان‌های فارسی و لاتین در حوزه‌های باستان‌شناسی، تاریخ و تاریخ هنر، به منابع کتابی و نشریات تخصصی موزه ملی ایران اضافه شده است که بیشتر آنها منابع روز حوزه‌های مرتبط با موزه ملی ایران محسوب می‌شوند.»

وی می‌افزاید: «همچنین بیش از ۱۰۰ جلد کتاب لاتین و ۷۰۰ جلد کتاب فارسی در زمینه باستان‌شناسی، تاریخ و تاریخ هنر، عرضه شده است که این تعداد در کنار آثار قابل توجهی از نشریات تخصصی و کتاب‌های اهدایی قرار گرفته‌اند.

شیرخدایی یادآور می‌شود که در انتخاب و خریداری کتاب‌های این کتابخانه تخصصی، نیاز محققان، دانشجویان و نیز کمبودهای موجود، لحاظ شده تا با غنی شدن هر چه بیشتر کتابخانه، گامی در راستای همکاری علمی موزه ملی ایران با مراکز مختلف و نیز گسترش پژوهشی محوری برداشته شود.»

مسوول کتابخانه موزه ملی ایران در ادامه سخنانش می‌افزاید: «به‌تازگی، نمایشگاهی از کتاب‌های خریداری شده از بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران را برگزار کردیم که این نمایشگاه مورد استقبال دانشجویان رشته‌های باستان‌شناسی، تاریخ

رده‌بندی کنگره انجام گرفته است و استقبال از کتابخانه نیز توسط دانشجویان رشته باستان‌شناسی داخلی و خارجی صورت می‌گیرد.

کتاب‌های لاتین از موزه بریتانیا توسط وستا سرخوش، جان کورتیس و... به این کتابخانه اهدا می‌شوند. تامین تازه‌های کتاب نیز در ایران توسط مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد ایران‌شناسی، انتشارات سمت و سایر موسسات فرهنگی صورت می‌گیرد. بودجه کتابخانه نیز از طریق سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تامین می‌شود.

یکی از امتیازات کتابخانه موزه ایران باستان این است که گزارش‌های تخصصی در حوزه باستان‌شناسی را که در بازار موجود نیستند، به صورت کپی از کتابخانه دانشگاه‌ها تهیه می‌کند و در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد.

در این کتابخانه سفرنامه‌ها از جمله سفرنامه «هانری دالمانی» و گزارش‌های باستان‌شناسی، حفاری‌های مختلف تپه‌های باستانی مانند حصار، ترنگ تپه، حسن‌لو (دهی که جام معروف حسن‌لو از آن مکان به دست آمده است) و... از جمله گزارش‌های معتبر باستان‌شناسی در کتابخانه موزه ملی ایران‌اند.

از دیگر منابع ارزشمند و معتبر در کتابخانه دایره‌المعارف هنر در ۳۴ جلد و دایره‌المعارف مذهب در ۱۵ جلد به زبان انگلیسی است که دانشجویان بسیاری از این منابع استفاده می‌کنند. کتابخانه موزه ملی ایران دارای کتاب‌های خطی و چاپ سنگی نظیر «ناسخ‌التواریخ»، چاپ سنگی و قرآن مجیدند که متعلق به دوره قاجاریه‌اند. نشریات تخصصی خارجی و فارسی نیز در زمینه باستان‌شناسی و تاریخ هنر در کتابخانه موجود است و محققان و پژوهشگران از آنها بهره‌برداری می‌کنند.

همچنین «سیری در هنر ایران»، «اطلس باستان‌شناسی»، «اصول موزه‌داری باستان‌شناسی»، «دایره‌المعارف باستان‌شناسی»، «کتاب تاریخی ساسانیان»، «حفاری‌های باستان‌شناسی» شامل «تل‌ملیان»، «حسن‌لو»، «شوش» و... از جمله شاخص‌ترین کتاب‌های این کتابخانه محسوب می‌شوند. نشریات تخصصی این کتابخانه از معتبرترین و جدیدترین نسخه‌های انتخاب شده است.

همچنین، مینیاتوری از نسخه خطی شاهنامه اوایل مکتب مغول، متعلق به قرن ۱۰ هجری قمری، مینیاتور از نسخه خطی شاهنامه مجلس رزم رستم بادشمن؛ مکتب تبریز، متعلق به قرن ۹ هجری قمری، مینیاتوری از کتاب خمسه نظامی مکتب شیراز، مجلس شکار با اشعار به خط نستعلیق متعلق به قرن ۱۱ هجری قمری از جمله کتاب و شاهنامه‌های قدیمی موجود در موزه ملی ایران به حساب می‌آیند که فهرست میکروفیلم برخی از آنها نیز تهیه شده و در اختیار پژوهشگران و محققان قرار می‌گیرد.

## تبادل اطلاعات

### گامی مؤثر در گسترش فرهنگ

کتابخانه موزه ایران باستان گذشته از ارتباط و همکاری‌های فرهنگی با موسسات علمی و تحقیقات داخلی، با بسیاری از سازمان‌های مشابه در خارج از کشور نیز مبادله اطلاعات، کتاب و نشریات دارد. همچنین علاوه بر پاسخ‌گویی نیازهای تحقیقاتی کادر سازمان میراث فرهنگی کشور، روزانه به بسیاری از محققان، دانشجویان و علاقه‌مندان به رشته‌های باستان‌شناسی و تاریخ هنر خدمت‌رسانی می‌کند.

اگر در ابتدای خیابان امام خمینی تهران از میان هیاهو و سر و صدای اتومبیل‌ها و هیاهوی مسافران مترو و دستفروشان بگذریم، به میدان «مشق» می‌رسیم؛ میدانی تاریخی با تاریخچه‌ای غنی از رویدادهای سیاسی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی و هنری که از پس آن، سر در باغ ملی چشم‌ها را به خود خیره می‌کند؛ دره‌هایی بزرگ از جنس فلز آهن و آلیاژ برنج. این دروازه از سه در ورودی باطاق‌های هلالی زیبا، شکل گرفته که سر در وسطی، بزرگ‌تر از درهای طرفین با نقش و نگارهای زیبایی مزین شده است.

پس از خیابان ملل متحد آجرهای قرمز رنگ موزه ملی ایران نگاه‌ها را به خود جلب می‌کند؛ کتابخانه‌ای که از نظر منابع تاریخی ایران باستان، موقعیت ممتازی در کشور دارد و به سبک معماری ایرانی با سردر ورودی مشابه ایوان بلند طاق کسری متعلق به دوره ساسانی، بر اساس طرح «آندره گدار»؛ مهندس معمار فرانسوی و با معماری «حاج عباس قلی معمارباشی» در سال ۱۳۱۴ خورشیدی ساخته شد و پس از دو سال به بهره‌برداری رسید.

در بدو ورود به کتابخانه موزه ملی ایران، تابلوهای بی‌ظنیری از حسن علی وزیری شاگرد کمال‌الملک به چشم می‌خورد. یکی از تابلوها، آتلیه خود نقاش و بقیه تابلوها منظره‌ای از گلاب دره در بند است. کتابخانه در دو طبقه بنا شده که در طبقه زیرین، کتاب‌های مرجع و منبع وجود دارد و در طبقه بالا مکان مراجعه کنندگان کتابخانه است که می‌توانند در سالن مطالعه از کتاب‌های مورد نظر خود استفاده کنند.

## کتابخانه موزه ملی ایران در گذر تاریخ

اندیشه ایجاد کتابخانه موزه ملی ایران جدا از فکر تشکیل موزه ایران باستان نبود و همزمان با اجرای طرح ساختمان موزه در سال ۱۳۰۶ خورشیدی، مکانی به عنوان کتابخانه باستان‌شناسی نیز منظور شد.

پس از اتمام بنای موزه در سال ۱۳۱۶ کتابخانه آن نیز آماده شد و به این ترتیب کار خود را با هدف تامین نیازهای پژوهشی کادر موزه و اداره باستان‌شناسی با فراهم کردن یک هزار جلد کتاب فارسی و لاتین، که از کتابخانه معارف به عاریت گرفته بود، آغاز کرد. سرپرستی این کتابخانه را «آندره گدار» طرح و معمار فرانسوی موزه به عهده گرفت. از سال ۱۳۲۵ مدیران ایرانی مختلفی فعالیت این بخش را ادامه دادند تا این که در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ همزمان با تغییر نام اداره کل باستان‌شناسی به مرکز باستان‌شناسی ایران، این بخش نیز به کتابخانه مرکز باستان‌شناسی تغییر نام یافت.

سال ۱۳۶۰ همراهِ با دوره جدید فعالیت موزه ایران باستان، کتابخانه آن نیز احیا شد و با تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور و تغییر نام این مجموعه به موزه ملی ایران، به‌طور کامل تحت نظارت این موزه درآمد.

افراد گوناگونی از رجال علمی و فرهنگی کشور نظیر علی اصغر حکمت، علی فرهمندی، مهدی بهرامی، محمدتقی مصطفوی و سلما مقدم در توسعه و تکمیل این مجموعه کوشیده‌اند.

## روزگار کنونی کتابخانه موزه ملی ایران

اکنون، کتابخانه موزه ملی ایران با هدف نگهداری از کتاب‌های باستان‌شناسی و تاریخ هنر، نسخه‌های خطی و چاپی تاریخی، روش‌های موزه‌داری، دانشنامه‌ها، نشریات خارجی و داخلی به زبان فارسی و انگلیسی ایجاد شده است و پیوندی دیرینه و کهن با موزه ملی ایران دارد. رده‌بندی کتاب‌ها بر اساس سیستم LC و همچنین



# تخیل کودکان در هفت خوان نشر

استاندارد بودن کتاب را تایید کرده اند.»

## معیار انتخاب کتاب مناسب

این که کتاب مناسب برای کودکان چه معیاری می تواند داشته باشد، همیشه یکی از دغدغه های والدین در انتخاب کتاب برای فرزندانشان بوده است. البته در این باره معیارهایی نیز وجود دارد که گرچه رعایت آنها الزامی نیستند، اما برخی از ناشران معتبر آنها را در نظر می گیرند که از آن جمله می توان به معیارهای کتاب مناسب برای کودکان زیر سه سال که از سوی دفتر بین المللی کتاب برای نسل جوان IBBY اعلام شده است، اشاره کرد. معیارهایی نظیر سلامت و کیفیت موادی که برای تهیه کتاب ها به کار رفته اند، کیفیت تصویرها و متن برای داستان و غیرداستان، عنوان های مناسب برای انگیزه بخشی به کودک با موضوع هایی درباره تجربه های روزانه، دانسته ها و رشد عاطفی و شناختی او، معرفی کتاب های لمسی و پارچه ای مناسب برای نوزادان و کودکان با نیازهای ویژه، از مواردی اند که در گزینش این کتاب ها به آنها توجه می شود.

## ناشران کتاب کودک

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، غیر از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ناشر دیگری که برای کودکان و نوجوانان در سطحی گسترده کار کند، وجود نداشت و جای ناشران خصوصی در این عرصه کاملاً خالی بود، در حالی که پس از پیروزی انقلاب، در این عرصه فعالیت های زیادی صورت گرفته است.

نادردقادیانی، مدیر انتشارات قدیانی، که سال هاست در زمینه انتشار کتاب های حوزه کودک و نوجوان فعالیت دارد، معتقد است: «ادبیات کودک و نوجوان پدیده بعد از انقلاب است و در دهه اخیر گسترش فراوانی یافته است. بعد از انقلاب نویسندگان و تصویرگران زیادی وارد این حوزه شده اند که باید از این پتانسیل استفاده شود.»

وی می گوید: «ناشران معتبر برای انتشار کتاب هایشان استانداردهایی را در نظر دارند. باید با فرهنگسازی، مردم را به سمت خرید کتاب هایی راهنمایی کرد که از سطح کیفی مناسب برخوردارند، اما متأسفانه عده ای از نویسندگان و مترجمان با نگاهی ساده انگارانه وارد حوزه ادبیات کودک می شوند. نباید فراموش کرد که ممکن است کودک با خواندن یک کتاب، سرمشق زندگی اش را تعیین کند. مسلط نبودن بر زبان مبدأ و مقصد، ناآشنایی با زبان متناسب با گروه سنی مخاطبان کتاب، خطاهای نگارشی و رعایت نکردن بدیهی ترین اصول اولیه نگارش، گواه آن است که برخی مترجمان، باکم ترین تجربه عملی، به این حوزه وارد می شوند.»

وی ادامه می دهد: «ناشران غیر حرفه ای و نامعتبر نیز در ایجاد این اشتیاق در ذهن مترجمان تازه کار بی تاثیر نیستند. در حالی که ناشران معتبر ادبیات کودک شورای بررسی دارند و هر کتابی را در این حوزه نمی پذیرند، ناشرانی هم وجود دارند که کتاب های کودک را در سطحی نازل عرضه می کنند؛ از این قبیل کتاب ها در پیشخوان روزنامه فروشی ها هم دیده می شوند.»

ناپایداری فعالیت های نشر، ناآشنایی با مقوله کتاب و در نهایت عمر کوتاه فعالیت، از دیگر مشکلات ناشران غیر حرفه ای در عرصه ادبیات کودک است. درست است که افزایش رو به رشد تعداد ناشران کودک و نوجوان، تاثیر کمی در بازار نشر خواهد داشت، اما این تاثیر کمی لزوماً به تغییرات کیفی منجر نمی شود.



در حوزه تالیف و انتشار آثار تالیفی کودک و نوجوان وجود دارد، مردم گاهی مجبور می شوند نیاز بچه ها را با کتاب های بازاری تامین کنند، کتاب هایی که محتوایشان صفر است و معمولاً با شمارگان بالای ۱۰ هزار نسخه هم چاپ می شود، در حالی که این آثار کلاً ضد ادبیاتند.»

## توزیع نامناسب در شهرستان ما

به نظر می رسد سرعت کم روند توسعه مراکز فرهنگی در کل کشور و تمرکز امکانات چاپ و توزیع کتاب در تهران، باعث تک قطبی شدن تولید کتاب کودک و نوجوان شده است، چنان که توزیع کتاب کودک در شهرهای مختلف کشور وضعیت مناسبی ندارد.

نویسنده کتاب هایی نظیر «شب بخیر فرمانده»، «دنیای گوشه و کنار دفترم» و «دختری ساکت با پرنده های شلوغ» در این باره می گوید: «وضعیت توزیع کتاب کودک در شهرستان ما بسیار نامناسب است و حتی در شهرستان های بزرگ هم یک مرکز توزیع کتاب کودک وجود ندارد.»

به یقین باید فکری در این باره شود تا خیل عظیم مخاطبان کودک و نوجوان در شهرهای دور و نزدیک به پایتخت نیز از کتاب های مناسب این حوزه بهره مند شوند.

## تاثیر جشنواره ها

### بر رشد کتاب کودک و نوجوان

برگزاری جشنواره ها و جوایز مربوط به کتاب کودک از دیگر مواردی اند که در این آشفته بازار کتاب سبب می شوند کتاب های مناسب از کتاب های نامناسب تمیز داده شوند.

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران این حوزه، این جشنواره ها تا حد زیادی به روند رشد کتاب های کودک و نوجوان کمک می آکنند و به همین دلیل تعداد آنها باید بیشتر شود.

احمد اکبرپور جوایز مربوط به کتاب های حوزه کودک و نوجوان را اندک می داند و می گوید: «به طور مثال در مقایسه با کتاب بزرگسالان، تعداد جوایز مادی که به کتاب کودک تعلق می گیرد، خیلی کم است و در حالی که در حوزه ادبیات بزرگسالان ممکن است مخاطب غالباً خودش می فهمد که کتابی مناسب است یا خیر اما در حوزه ادبیات کودک و نوجوان، والدین، اغلب ترجیح می دهند سراغ کتاب هایی بروند که جایزه گرفته اند، چرا که به نظرشان گروهی کارشناس با اعطای این جایزه،

معتقد است ادبیات کودکان در سال های اخیر نسبت به گذشته وضع بهتری دارد، اما می گوید: «در ایران سازمان های مدعی تبلیغ برای ادبیات کودک، خودشان هم دچار تشتت اند و از سیاست واحدی پیروی نمی کنند.»

## نویسندگان حوزه کودک

### و تسلط بر ادبیات فارسی

یکی از مواردی که نویسندگان حوزه کودک و نوجوان به آن توجه دارند؛ اسطوره ها، حماسه های تاریخی و معاصر، آموزه های اخلاقی، دینی و میهنی و نمادهایی جاندار و بی جانند که در تفهیم مطالب به کودکان و جذب این گروه سنی بسیار اهمیت دارند. قلم زدن در این حوزه آشنایی کامل نویسنده این حوزه با کتاب ها و منابع غنی زبان و ادبیات فارسی را طلب می کند. در واقع نویسندگان حوزه کودک باید خودشان توان علمی استفاده از منابع و کتاب های قدیم ادبی را داشته باشند تا بتوانند آنها را با زبانی ساده و قابل فهم برای کودکان بنویسند.

اکبرپور معتقد است: «در این بخش ضعف هایی وجود دارد اما باز نویسی های خوب هم کم نیستند و نمی شود همه را به یک چوب راند.»

وی می گوید: «عده ای با باز نویسی های ضعیف از متون قدیمی، ضربه ای جدی بر پیکره ادبیات کودک وارد می کنند. مثلاً اگر متنی مثل شاهنامه که اوج خلاقیت ادبی است، توسط یک نویسنده غیر حرفه ای باز نویسی شود و نویسنده نتواند آن فضای لازم را درست منتقل کند، نباید انتظار داشته باشیم چنین اثری مخاطب کودک و نوجوان را جذب کند. البته در ایران کارهای باز نویسی خوبی هم مثل کارهای آتوسا صالحی صورت گرفته یا مهدی آذرزیدی که با باز نویسی های قوی اش، توانست آن همه کتابخوان تربیت کند.»

## کتاب های بازاری در حوزه کودک و نوجوان

هجوم کتاب های بازاری هم یکی از عوامل اصلی ضربه زنده به کتاب های جدی در زمینه کودک و نوجوان است.

بسیاری از خانواده ها کتاب های جدی را نمی شناسند و لذا این کتاب ها به نسبت کتاب های بازاری که اغلب در دکه های روزنامه فروشی به فروش می رسند، مشتری کمتری دارند.

دکتر سلاجقه در مورد فراوانی کتاب های بازاری در حوزه کودک و نوجوان و استقبال گسترده از این کتاب ها می گوید: «به دلیل کاستی های فراوانی که

«هنوز هم بزرگسالان زیادی، برخی از کتاب هایی را که در دوره کودکی و نوجوانی مطالعه کرده اند، به خاطر دارند. بسیاری از اشعار کودکانه را از بر می خوانند و گاهی ساعت ها درباره کتاب های مورد علاقه اشان در دوره کودکی صحبت می کنند. اما این خاطرات تنها شامل بعضی از کتاب هایی می شوند که به نوعی کتاب های ماندگاری در حوزه کودک و نوجوان به شمار می آیند، کتاب هایی که نویسندگان شان زبان کودکانه را خوب می دانستند، تصاویر چشمگیر و به یادماندنی داشتند و تاثیر روانی شگرفی بر ذهن جست و جوگر کودکان می گذاشتند. سوالی که مطرح است این که آیا فرزندان ما هم از این گونه کتاب های به یادماندنی که متعلق به زمان خودشان باشد، خواهند داشت؟»

اگر تولید کتاب مناسب برای کودکان و نوجوانان را هدف اصلی دست انداران کتاب کودک و نوجوان در ایران به حساب بیاوریم، مهم ترین وظیفه نقد این حوزه، بررسی عوامل تاثیر گذار بر کمیت و کیفیت تولید کتاب است؛ عواملی نظیر زیبایی شکل ظاهری اثر اعم از اندازه، تصاویر و عنوان روی جلد کتاب، کوتاهی و بلند بودن متن با توجه به گروه سنی کودکان، توجه به تقویت تخیل و ذوق و قریحه و پرورش خلاقیت و ابتکار کودکان و نوجوانان و... که هر یک تاثیر قابل توجهی در ارائه آثار مربوط به آنها دارند.

این فرآیند پیچیده ارائه کتاب برای مخاطب کودک، موجب شده است تفاوت زیادی بین زنجیره تولید کتاب برای بزرگسالان و کودکان وجود داشته باشد، تفاوتی که سبب می شود افرادی در عرصه کتاب کودک فعال شوند.

از تولیدکننده کتاب و موزع کتاب، در این زنجیره نقش مهمی دارند. سر حلقه فرآیند تولید کتاب کودک و نوجوان، پدید آورندگان آنند. پدید آورندگان طیف متنوعی از فعالان این عرصه نظیر نویسندگان، مترجمان، تصویرگران کتاب کودک و غیره را شامل می شوند.

البته تعداد نویسندگانی که کار اصلی آنان نوشتن برای کودکان است، اندک است، در حالی که حضور نویسندگان حرفه ای در تولیدات کمی و کیفی ادبیات کودک و نوجوان بسیار تاثیر گذار است.

برخی از نویسندگان این حوزه نیز از برخی مشکلات عمومی که در تولید کتاب کودک و نوجوان وجود دارد، گله مندند.

احمد اکبرپور از نویسندگان حوزه کودک و نوجوان است و جوایز متعددی از جمله کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را کسب کرده است. وی در این باره معتقد است: «اصولی ترین مشکل در این حوزه، ظاهر سهل و ممتنع نوشتن برای بچه هاست. این باور ناصواب که نوشتن برای کودکان و نوجوان راحت تر از عرصه های دیگر است باعث شده بسیاری از نویسندگان با اندک تجربه و تخصص در این حوزه، ذوق آزمایی کنند. در بخش ترجمه وضعیت به مراتب بدتر از تالیف است. ترجمه کتاب کودک و نوجوان به دلیل حجم کم متن، سادگی زبان و ساخت متن، اشتیاق بسیاری را برای آزمودن بخت در افراط تحریک می کند. با این حال در نشر کتاب های کودک بیش از تالیف به ترجمه مترجمی بها داده می شود و گاه بیش از ۸۰ درصد کتاب هایی که چاپ می شوند، ترجمه اند چرا که این کتاب ها دارای تصاویر رنگی و چشمگیرند.»

دکتر پروین سلاجقه، از منتقدان، کارشناسان و نویسندگان مطرح در عرصه ادبیات کودک، با این که



ابراهیم فروزین

گفت و گو با پیمان خاکسار به مناسبت انتشار رمان «عامه پسند»

# بوکفسکی، نویسنده انجمن های ادبی نیست

دیوانگی و توحش را تصویر کرده است. به نظر تان وی به عمد سراغ یک ژانر پرطرفدار رفته تا آن ژانر را هجو کند؟

یکی از کاربردهای کلمه «Pulp» که عنوان اصلی این کتاب است مربوط به مجله های زردی است که پاورقی های سرگرم کننده پلیسی چاپ می کنند؛ پاورقی هایی از نوع داستان های پلیسی «میکی اسپیلین» که زمانی در ایران هم خیلی طرفدار داشت. بوکفسکی در این رمان در واقع از پاورقی هایی از این دست ساختار شکنی کرده و حرف خودش را در قالب این داستان ها و هجو آنها زده است. برای همین حالا خواننده آن گونه داستان ها از رمان خوشش نخواهد آمد. بوکفسکی برخی گره های پلیسی کارش را اصلا باز نمی کند و ژانر پلیسی برای او بیشتر محملی است برای بیان دغدغه های خودش.

ظاهرا در ایران هم از «عامه پسند» و هم از مجموعه داستان هایی که قبلا از بوکفسکی ترجمه شده، استقبال خوبی به عمل آمده. آیا در جاهای دیگر از جمله خود آمریکا هم بوکفسکی همین قدر محبوب است؟

بله. مثلا نسخه ای که خود من از «عامه پسند» داشتم، چاپ بیست و نهم این کتاب بود که نشان می داد آثار بوکفسکی در آمریکا هم پر فروش هستند. ضمن این که بوکفسکی در اروپا هم نویسنده پرطرفداری است. در آلمان تاکنون پنج میلیون نسخه از آثارش به فروش رفته. فرانسوی ها هم خیلی به او علاقه دارند که بخشی از محبوبیتش در فرانسه برمی گردد به تعریفی که ژان پل سارتر از او کرده است. البته بوکفسکی بیشتر نویسنده مورد علاقه مردم است تا نویسنده مورد علاقه منتقدان آکادمیک و انجمن های ادبی. یکی از دلایل هم موضوع تند و تیز او در برابر روشنفکران و نویسندگان مشهور است. به همین دلیل، من هیچ وقت ندیده ام پشت جلد کتاب های بوکفسکی آن طور که در مورد کتاب های دیگر رایج است، معرفی ای از جانب یک منتقد یا نویسنده مشهور آمده باشد.



به نظرم این حضور پررنگ مرگ در «عامه پسند» که آخرین رمان بوکفسکی است. به این مسأله برمی گردد که وی هنگام نوشتن این رمان سرطان خون داشت و می دانست که مرگش نزدیک است. حضور فیزیکی و دراماتیک مرگ به همین پیش آگاهی او از مرگ خودش برمی گردد. «عامه پسند» به نظر من یک رمان آخرالزمانی عجیب و غریب است که بوکفسکی در آن لس آنجلس را به صورت برزخی عجیب و غریب تصویر کرده است؛ برزخی که راوی با مرگ از آن نجات یافته و حتی از کسی که او را می کشد تشکر می کند. به همین دلیل است که مرگ در این رمان گاهی در هیأت نجات دهنده ظاهر می شود.

عنوان داستان، خیلی باسبک و شیوه داستان پردازی و همچنین محتوای آن همخوان است. بوکفسکی در این رمان یک جهان مبتدل، میان مایه و غرق در

«هالیوود» به همه نویسندگان و هنرمندان بزرگ از چخوف گرفته تا ژان پل سارتر، ورنر هرتزوگ و ... بد و بیراه گفته است. تنها نویسنده مورد علاقه اش لویی فردینان سلین بوده، چنان که من کمتر کتابی از بوکفسکی خوانده ام که در آن از سلین اسمی نیاورده باشد. از آثار سلین هم مخصوصا به «سفر به انتهای شب» و «مرگ قسطی» اش خیلی علاقه مند است و گاهی به بعضی کتاب های دیگرش بد و بیراه می گوید. بین نویسندگان آمریکایی هم جان فانتنه را خیلی قبول داشته است.

رمان «عامه پسند» را می توان به نوعی پارودی و هجو رمان های پلیسی و کارآگاهی به شمار آورد. این ویژگی «عامه پسند» مرا یاد «در روای بابل» ریچارد براتیگان انداخت که ظاهرا سال ها قبل از «عامه پسند» منتشر شده و قهرمان آن هم یک کارآگاه دست و پا چلفتی و بی عرضه است. نظر شما در این مورد چیست؟

اتفاقا من «در روای بابل» را بعد از چاپ «عامه پسند» خواندم و همان طور که می گوید این دو رمان از لحاظ ساختن فضای پارودیک در بستر آثار کارآگاهی شبیه به هم هستند. اما در رمان «در روای بابل» معلوم نیست شخصیت رمان واقعا کارآگاه است یا در توهماتش خود را کارآگاه می بیند، در حالی که نیک بلان در رمان «عامه پسند» واقعا کارآگاه است و در واقع او را می توان آنتی تز «فیلیپ مارلو». کارآگاه معروف رمان های چندلر. به حساب آورد. برخلاف مارلو، نیک بلان یک کارآگاه دست و پاچلفتی است. پایان های «در روای بابل» و «عامه پسند» هم خیلی با هم متفاوتند. «عامه پسند» پایان عجیبی دارد، مخصوصا از این نظر که راوی اول شخص رمان در پایان کتاب می میرد و در واقع مردن خودش را هم روایت می کند.

نکته جالب دیگر در «عامه پسند»، جنس حضور مرگ و نقش پررنگ او در این کتاب است. مرگ در این رمان خیلی ترسناک نیست و حتی یک جورهایی نجات بخش است.

با آن که سال ها قبل محمد علی سپانلو داستانی از بوکفسکی را به فارسی ترجمه کرده بود اما خواننده فارسی زبان، شناخت اصلی اش از بوکفسکی را مدیون ترجمه بهمن کیارستمی از کتاب «موسیقی آب گرم» است. «عامه پسند» اولین رمانی است که از بوکفسکی با ترجمه پیمان خاکسار از سوی نشر چشمه منتشر شده است. خاکسار که پیش از این گزیده ای از اشعار بوکفسکی را با عنوان «سوختن در آب، غرق شدن در آتش» ترجمه کرده بود، این روزها مشغول ترجمه رمان «هالیوود» این نویسنده است. با او به مناسبت انتشار «عامه پسند» گفت و گویی انجام داده ایم که می خوانید.

برخی منتقدان بوکفسکی را تحت تاثیر نویسندگان و شاعران «نسل بیت» و دنباله روی آنها به حساب آورده اند. به نظر تان با توجه به سبک بوکفسکی و موقعیت و جایگاهش در ادبیات آمریکا، می توان او را صرفا دنبال روی «بیت» ها دانست؟

راستش را بخواهید من زیاد به این که بوکفسکی را یک نویسنده «پست بیت» به حساب بیاوریم، اعتقادی ندارم و به نظر من بوکفسکی در ادبیات آمریکا یک نویسنده تک است و نمی شود با کسی مقایسه اش کرد. البته جلسات شعرخوانی ای بوده که بوکفسکی و الن گینز برگ. شاعر بزرگ نسل بیت. در آنها شرکت داشته اند و با هم در آن جلسات شعر خوانده اند اما بوکفسکی را به صرف حضورش در کنار این شاعر، نمی توان جزو بیت ها به حساب آورد، چون شیوه نگارش بوکفسکی، شیوه ای منحصر به فرد است. او نویسنده ای است که خیلی رک و بی پرده می نویسد و نثر افسانگسیخته ای دارد. بیشتر داستان های او پیرنگ مشخصی ندارند و به نظر می رسد داستان را بدون پیرنگ شروع می کرده و جلو می رفته تا ببیند آخرش به کجا می رسد. این خصلت تک و منحصر به فرد بودن را در شیوه خاص زندگی او هم می توان دید. می دانید که بسیاری از نویسندگان بزرگ را هم اصلا قبول نداشته و در رمان

«عامه پسند» آخرین رمان چارلز بوکفسکی است؛ رمانی که نویسنده در آن روایتگر جنون به نهایت رسیده زندگی آمریکایی است؛ جنونی که دیگر نه امری استثنایی که جزئی از قواعد عادی و مثل هر چیز قاعده شده، ملال انگیز زندگی روزمره را به نمایش می گذارد. این ملال انگیزی آنچنان عادی است که روایتش نه مثل آثار نویسندگانی چون باروز و کرواک و وونه گات و براتیگان از هذیان نگاری و هجو نشانی ندارند. «عامه پسند» در دهه نود نوشته شده است؛ دهه ای که در آن با تمام شدن جنگ سرد و ادامه روند سیاست زدایی از جهان و تبلیغ هر چه بیشتر ایدئولوژی «آسوده بخوابید و برقراری عدالت را به سازمان ها و نهادهایی که برای این کار تدارک دیده شده اند بسپارید» رقم هرگونه اعتراض سیاسی از نوع اعتراض های دهه شصت میلادی تحلیل رفته است. دهه شصت، دهه اعتراض بود؛ اعتراضی که جرعه های آن در دهه پنجاه زده شده و در سال های آغازین دهه هفتاد به اوج رسید. اعتراض به جنگ، به کارخانه های سرگرمی سازی، به مک دونالد و انواع بامبول هایی که فرهنگ را به سمت صنعتی و کالایی شدن می کشاندند؛ بامبول هایی که البته بعدها همان اعتراض ها را به کالاها و ماشین های پولساز تبدیل کرد و کارکرد سیاسی شان را به کارکردی صرفا فرهنگی و زیبایی شناسانه تقلیل داد. رمان «عامه پسند» بوکفسکی که اخیرا با ترجمه

درباره رمان «عامه پسند» نوشته چارلز بوکفسکی

## هجو دنیای آمریکایی

نموده باشد. او از نیک بلان می خواهد که تحقیق کند و ببیند کسی که در کتابفروشی پرسه می زند خود لویی فردینان سلین است یا نه. بانوی مرگ اولین شخصیتی است که در هیأت یک زن وارد رمان می شود و اگر بپذیریم که نحوه آغاز رمان استراتژی کلی و قدرت های اصلی پیش برنده ماجرا را تعیین می کند، در مورد «عامه پسند» می توان گفت که مرگ قدرت اصلی است و این حقیقتی است که سطر به سطر و صفحه به صفحه آشکار تر می شود. در یک کلام می توان گفت «عامه پسند» به نحوی، روایت نزدیک شدن زمان مرگ نیک بلان است و شاید پیشگویی مرگ خود بوکفسکی است که کمی بعد از انتشار این رمان روی داد.

### پرونده دوم: گنجشک قرمز

همزمان با جست و جو برای کشف هویت واقعی مرد شبیه سلین - که در پایان معلوم می شود واقعا خود سلین است - مردی به نام جان بارتون از نیک بلان می خواهد که گنجشک قرمز (ترکیبی که ما به ازای واقعی و عینی ندارد و قابل ارجاع به هیچ امر

پیمان خاکسار و از طرف نشر چشمه منتشر شده، روایتگر عصری است که در آن همه چیز دست آموز و مبتدل شده است. این رمان، همان طور که از اسمش برمی آید تقلیدی است هجو آمیز از رمان های عامه پسند دست چندم. بیشتر شخصیت های این رمان به عروسک های سخنگوی اسقاطی شبیه اند که از اعماق انباری متروک و ادبار گرفته بیرون کشیده شده اند. این عروسکی بودن شخصیت ها، بیش از هر چیز یادآور «دسته دلقک ها» ی سلین است. نیک بلان، کارآگاه مفلوک و بی عرضه این رمان همزمان با چهار پرونده عجیب و غریب درگیر است:

**پرونده اول: بانوی مرگ سلین را می خواهد**  
رمان با تماس تلفنی زنی که خود را «بانوی مرگ» معرفی می کند، آغاز می شود. در یک کتابفروشی سروکله مردی پیدا شده که بسیار شبیه لویی فردینان سلین است؛ آنقدر شبیه که بانوی مرگ، شک می کند که مبادا آن کسی که سی و دو سال پیش جانش را به عنوان لویی فردینان سلین گرفته، سلین واقعی

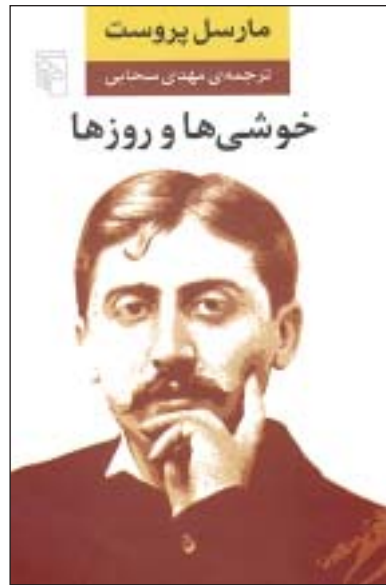
مادی نیست) را برایش پیدا کند. مکافات اصلی همین یافتن گنجشک قرمز است. جان بارتون همان کسی است که نیک بلان را به بانوی مرگ معرفی کرده و در واقع مرگ را سراغ نیک بلان فرستاده است. او را در هیچ کجای رمان نمی بینیم و تنها صدایش را از پشت تلفن می شنویم. او مهربان، مرموز و ظاهرا دست نیافتنی است و خودش را ناشری معرفی می کند که می خواهد از گنجشک قرمزی به عنوان نشانه انتشاراتی اش استفاده کند. او ناجی نیک بلان و در عین حال مرگ اوست، چرا که جست و جوی نیک بلان برای یافتن گنجشک قرمز به مرگش می انجامد و تنها در لحظه مرگ است که «گنجشک قرمز» حقیقی، گنجشکی که در واقع یک «پرونده غول آسای درخشان» است، پیدا می شود.

### پرونده سوم: مچ سیندی را بگیر

به موازات پرونده های سلین و گنجشک قرمز، نیک بلان درگیر پرونده مردی می شود که از او خواسته مچ زنش را در لحظه ارتکاب جرم بگیرد. نام زن سیندی است. این پرونده در دو جا با دو پرونده دیگر گره می خورد و این گره خوردگی نوعی شوخی با ماجراهای موازی ای است که در داستان های عامه پسند مرسوم به هم ربط پیدا می کنند. پرونده سیندی یکی از مضحک ترین پرونده های نیک بلان و بیشتر یک چاشنی بامزه و قدری کلیشه ای برای رمان «عامه پسند» است.

درباره «خوشی‌ها و روزها» نوشته مارسل پروست

# پراکنده‌های منسجم



خود بر این کتاب نوشته است: «تا پیش از انتشار این کتاب، پروست اگر نه میان توده کتابخوانان، دست کم در محافل ادبی و حرفه‌ای شهرتی به هم زده بود تا آنجا که شارل موراس، یکی از اولین منتقدان طرفدار پروست (چه منتقدان مخالف او کم نبودند!) ابایی نداشت از اینکه او را، به خاطر همین کتاب - همین یک کتاب - از کلاسیک‌های زبان فرانسه بداند و از سبک شیوایش ستایش کند.» (ص ۱)

«خوشی‌ها و روزها» نه مجموعه داستان است، نه رمان، نه شعر و نه مقاله و نه حتی کشکولی از همه این‌ها که با ترتیبی خطی و تاریخی کنار هم چیده شده باشد.

این کتاب مارسل پروست را می‌توان نمونه‌ای از تکه تکه نویسی در دورانی به شمار آورد که این شکل نوشتاری هنوز تجربه نشده بود. هر چند رمان از بنیاد یک شکل نوشتاری تکه تکه و به قول «باختین» یک شکل ادبی ناتمام است و تفاوت شاید تنها در شیوه تکه تکه کردن باشد و در شکل نقصان و ناتمامی. شیوه مارسل پروست در این کتاب شیوه‌ای است که علیه انسجام ساختاری رمان کلاسیک عمل می‌کند. پروست منتقد «سنت بو» بود و طبیعتاً منتقد آنها که در رمان به دنبال ردپای زندگی شخصی نویسنده بودند. چاپ مقاله «علیه سنت بو» را می‌توان مانیفست مارسل پروست درباره رمان به شمار آورد.

پروست در این مقاله علناً به طرفداران نقد مبتنی بر زندگینامه نویسنده حمله کرده است. در راستای همین نگاه است که پروست در آثارش روایت و ذهن خود را می‌تکه تکه کرده است. راوی آثار پروست اول شخصی است که از قواعد دست و

**«خوشی‌ها و روزها»  
نه مجموعه داستان است  
نه رمان، نه شعر و نه مقاله  
و نه حتی کشکولی از  
همه این‌ها که با ترتیبی  
خطی و تاریخی کنار هم  
چیده شده باشد**

امسال دور از هیاهوی انتشار ترجمه‌هایی از آثار داستانی نویسندگان معاصر آمریکا و اروپا، کتابی از طرف نشر مرکز منتشر شد که هم بی‌اعتنایی هوشیارانه‌ای به همه رمان‌های کلاسیک به مد روز و هم درد حاصل از حساسیت بیش از حد و آمیخته به طنز آن آثار نسبت به وجه پنهان و پرتناقض واقعیت را یکجا در خود پنهان داشت: «خوشی‌ها و روزها» نخستین کتاب مارسل پروست، نویسنده فرانسوی. کتابی که ترجمه فارسی‌اش پس از سال‌ها تجدید چاپ شد و نیاز طرفداران پروست را از پرسه زدن در کهنه فروشی‌ها برای پیدا کردن نسخه‌ای از چاپ نخست این کتاب تا چندی پیش نایاب، برطرف کرد. «خوشی‌ها و روزها» هر چند همانطور که در یادداشت ناشر بر ترجمه فارسی‌اش آمده «جزئی از سابقه و باستان‌شناسی» رمان «در جستجوی زمان از دست رفته»، دیگر اثر پروست، است، اما در عین حال می‌توان به عنوان اثری مستقل هم به آن نگاه کرد. مارسل پروست «خوشی‌ها و روزها» را در ۲۵ سالگی نوشت. تکه‌های این کتاب پیش از انتشارشان در کنار هم در نشریاتی که پروست در آن‌ها می‌نوشت، پراکنده بودند. داستان‌های این کتاب قابل تعریف و خلاصه کردن نیستند و این بر خلاف تصور رایج، خصلت اصلی تمام آثار کلاسیک است. جالب‌تر این که نمی‌توان برخی از قطعه‌های «خوشی‌ها و روزها» را در معنای متعارف، داستان به شمار آورد. از جمله قطعه‌هایی که با عنوان «پراکنده‌ها» آمده‌اند. برای نمونه، این بخش که تکه‌ای است از «هلدمونه، آدلجیزه، ارکوله»: «ارکوله، شاهد صحنه کمابیش جلفی بوده است، جرات نمی‌کند آن را برای دوشس آدلجیزه تعریف کند، اما با هلدمونه ... این ملاحظه را نشان نمی‌دهد. آدلجیزه به اعتراض می‌گوید: «ارکوله، به نظر شما من نباید این قضیه را بشنوم؟ ها، مطمئنم که رفتارشان با هلدمونه طور دیگری است؛ به من احترام می‌گذارید؛ پس دوستم ندارید.»

هلدمونه به اعتراض می‌گوید: «ارکوله، آن قدر ملاحظه ندارید که همچو قضیه‌ای را برای من تعریف نکنید؟ از خودتان می‌پرسم این کار را با دوشس آدلجیزه می‌کردید؟ به من احترام نمی‌گذارید یعنی که دوستم ندارید.» (ص ۵۷)

نوشته‌هایی از این دست به یادداشت‌های ناتمام و سردستی شبیه‌اند که انگار قرار است مقدمه رمانی باشند، اما از طرف دیگر همین پراکندگی خامدستانه «خوشی‌ها و روزها» آن را به برخی نوشته‌های مدرن و پست مدرن قرن بیستم شبیه می‌کند و همچنین به آثاری نظیر «حکایت‌های آقای کوینر» اثر برتولت برشت که البته درونمایه‌ای متفاوت با قطعه‌های پراکنده پروست داشتند؛ اما در هر دو کتاب، نویسندگان حالت‌هایی از اندیشه و احساس را به نمایش گذاشته‌اند. این گونه است که پروست با انتخاب فرمی این چنین برای «خوشی‌ها و روزها» همزمان با فراهم آوردن مقدمه‌ای برای نوشتن «در جستجوی زمان از دست رفته» از آن فراتر می‌رود. چنانکه نویسنده‌ای، قدیمی‌ترین رمانش را پس از مرگ بنویسد. این یکی از دلایلی است که با استناد به آن پروست مدرن و سنت شکن نه فقط با «در جستجوی زمان از دست رفته» که حتی با همین کتاب که با همه قوت‌هایش مهر جوانی پروست را هم‌پیشانی دارد، در کنار نویسندگان بزرگ کلاسیک قرار داده می‌شود.

بیهوده نیست که مهدی سحابی، در یادداشت

## مارسل پروست

### پیرترین نویسنده جوان

در سال ۱۹۱۳ مارسل پروست، جلد اول رمان «در جست و جوی زمان از دست رفته» اش را که بخش‌هایی از آن در روزنامه فیگارو منتشر شده بود، نزد چند ناشر برد، اما هیچ‌یک از آن ناشران حاضر نشدند رمانی را چاپ کنند که هیچ شباهتی به شکل‌های تثبیت شده رمان نویسی آن روزگار نداشت. آندره ژید که آن زمان جایگاهی پدر سالارانه در ادبیات فرانسه داشت، به شدت با انتشار «طرف خانه سوان» که نام جلد اول این رمان است، مخالفت کرد. پروست، مجبور شد کتابش را به خرج خودش منتشر کند، اما او خود در آن زمان نمی‌دانست که شیوه‌ای جدید در رمان نویسی بنیان نهاده است.

تاریخ ادبیات بی آنکه خود پروست در آغاز دریابد، با انتشار جلد اول «در جست و جوی زمان از دست رفته» در حال تجربه یک دگرگونی بنیادین بود. شاید هم خود پروست این را به شهود دریافته بود که اصرار داشت رمانش به هر قیمتی ولو به قیمت هزینه کردن از جیب منتشر شود. حدود پنج سال بعد از این ماجرا در سال ۱۹۱۸ جلد دوم این کتاب به نام «در سایه دوشیزگان شکوفا» یکی از معتبرترین جوایز ادبی فرانسه یعنی جایزه «گنکور» را برای نویسنده به ارمغان آورد تا این حقیقت اثبات شود که همواره مسیر تاریخ ادبیات را نویسندگانی تعیین می‌کنند که از عرصه ادبیات رسمی و جا افتاده روزگار خود طرد می‌شوند. امروزه پروست یکی از بزرگترین نویسندگان تاریخ ادبیات دنیاست. نویسنده‌ای که خواننده فارسی زبان نا آشنا به زبان‌های دیگر برای نخستین بار در سال ۱۳۶۹، با انتشار ترجمه مهدی سحابی از «طرف خانه سوان» توانست اولین جلد شاهکار پروست و بعدها جلدهای بعدی آن را بخواند.

سحابی همزمان با ترجمه «در جست و جوی زمان از دست رفته» کتاب «خوشی‌ها و روزها» پروست را هم ترجمه کرد. این ترجمه نخستین بار در سال ۷۴ توسط نشر مرکز منتشر شد و چاپ اول آن سال‌ها نایاب بود، تا اینکه امسال بار دیگر منتشر شد. «خوشی‌ها و روزها» کتابی بود که ستایش آناتول فرانس - نویسنده‌ای که در «جست و جوی زمان از دست رفته» در قالب شخصیتی به نام برگوت بازنمایی شده - را برانگیخت. چنانکه آناتول فرانس در دیباچه‌اش بر آن کتاب، «خوشی‌ها و روزها» را «کتاب جوانی» که هم «جوانی مولف جوانش را دارد» و هم «به پیری جهان پیر» است، خواند. علاوه بر این دو کتاب، در ایران چندین کتاب در معرفی و نقد و تفسیر پروست و آثارش ترجمه و منتشر شده که یکی از خواندنی‌ترین آنها کتابی است با ترجمه احمد اخوت که شامل نوشته‌های رولان بارت درباره پروست است. این کتاب در سال ۸۳ با عنوان «پروست و من» از طرف نشر افق منتشر شد. اخوت در مقدمه خواندنی خود بر این کتاب، نوشته است که نخستین بار چگونه سر کلاس ادبیات دبیرستان از طریق محمد حقوقی که معلم‌شان بوده با مارسل پروست آشنا شده است.

با گیر حاکم بر روایت اول شخص عدول می‌کند. فصل «عشق سوان» در جلد اول «در جستجوی زمان از دست رفته» نمونه‌ای است آشکار از عدول از این قاعده. راوی خود را در دیگرانی که روایتش می‌کند تکه تکه کرده است، به نحوی که فراموش می‌کنیم راوی رمان پروست اول شخص است. اما این تکه تکه شدن در سطحی دیگر نیز رخ می‌دهد، یعنی آنجایی که پروست می‌کوشد طبق آنچه خود در مورد رمان به آن معتقد است، خود بیرونی‌اش را از راوی رمان جدا و در واقع آن خود بیرونی را در وجود نه تنها راوی که دیگر شخصیت‌های آثارش تکه تکه کند. هر چند باز زندگی شخصی پروست از دید منتقد پنهان نمی‌ماند، اما هنر پروست در این است که در حالی از راوی رمان خود فاصله می‌گیرد که رمانش به شدت از فرم خاطره گویی متأثر است. سخت است فاصله گرفتن از راوی اول شخص و برای این کار شاید اول لازم باشد که پیش از بر هم زدن قانون این راوی، قانون خاطره را بر هم بزنی و در عین خاطره گویی از این ژانر فاصله بگیری و به جای حاکم کردن منطق خاطره بر ساخت روایی رمان، آن را به جزئی از نوشتار رمان تبدیل کرده و منطق رمان را بر آن سوار کنی.

اما درباره راوی اول شخص و توانایی شگرف پروست در فاصله گرفتن از آن، پروست راوی دانای کل را در «خوشی‌ها و روزها» تجربه کرده است، چنانکه بسیاری از داستان‌های این کتاب از این زاویه دید روایت شده‌اند. به همین دلیل در رمان بزرگش - در جستجوی زمان از دست رفته - با توجه به این سابقه، به راحتی توانسته است راوی اول شخص و دانای کل را با هم ترکیب کند و شکلی منحصر به فرد از روایت به دست دهد؛ شکلی که به هیچ آیینی جز آیین خود پایبند نیست.

«خوشی‌ها و روزها» با فرم تکه تکه‌اش تمرینی است برای رسیدن به این شکل. «در خوشی‌ها و روزها» همان دغدغه‌های «در جستجوی زمان از دست رفته» وجود دارد، منتها در هیاتی فشرده‌تر و کلی‌تر. زندگی محفلی و ویژگی‌ها و فرهنگ برآمده از دل آن، همانطور که در «در جستجوی زمان از دست رفته» یکی از پایه‌های اصلی رمان را تشکیل داده است، در شکل‌گیری داستان‌های «خوشی‌ها و روزها» هم نقش پررنگی ایفا کرده است. مثلاً نمی‌توان با خواندن این بخش از کتاب به یاد سطرهای درخشان «در جستجوی زمان از دست رفته» نیافتاد: «عنوان‌های اشرافی را باید چه طور گفت؟ به بارون و ویکننت و کنت باید گفت جناب. اما سلام جناب مارکی به نظرشان پیش پا افتاده می‌آمد، و سلام، مارکی هم، به خاطر سن شان، زیادی گستاخانه بود، بالاخره به پرنس و جناب دوک رضا دادند، هر چند که استفاده از این عنوان آخری به نظرشان ناشایست می‌آمد. به والا حضرت و علیا حضرت‌ها که می‌رسیدند گیج می‌شدند.» (ص ۶۴)

بیهوده نیست که مهدی سحابی در پایان مقدمه خود نوشته است: «این گونه کاوش در سرچشمه‌های «جستجو...» انگیزه آغازین مترجم در ترجمه کتاب حاضر بوده است. درک کامل اثر عظیمی چون «جستجو...»، هم مطالعه برخی تفسیرهای مهم کلاسیک آن و هم آشنایی با پیشینه‌هایی چون خوشی‌ها و روزها را ایجاب می‌کند.»

خوشی‌ها و روزها اثر مارسل پروست، با ترجمه مهدی سحابی از سوی نشر مرکز و با قیمت ۴۶۰۰ تومان منتشر شده است.



بنفشه محمودی

دانشجویان دانشگاه متروپلیتن لندن در سال ۱۳۸۶ در یک مسابقه، به طراحی شهری برای مرکز شهر قزوین پرداختند که حاصل آن در کتاب «یک تجربه جدی در طراحی شهری» توسط انتشارات یادآور منتشر شده است. این کتاب که توسط ترنج خوانساری استاد دانشگاه متروپلیتن گردآوری شده به همت مرکز بین المللی پژوهش هنر و معماری به انتشار رسیده است. درباره این کتاب و مقوله طراحی شهری در ایران، با مهندس رضا پوروزیری رییس این مرکز و دبیر کل المپیاد جهانی طراحی شهری برنامه اسکان بشر ملل متحد، گفت و گویی انجام داده ایم. او معتقد است فضای کتاب های معماری و طراحی شهری در کشور ما به تحولاتی نیاز دارد که بتواند دانش این حوزه ها را به درستی به مخاطبان آن منتقل کند.

رضا پوروزیری، رییس مرکز بین المللی پژوهش هنر و معماری:

## مکتوب شدن دانش طراحی شهری به معماری کمک می کند

شده و کتاب حاضر است و استفاده از آن به عهده مدیریت شهری است.

با توجه به این که مقوله طراحی شهری در ایران چندان شناخته شده نیست، وضعیت کتاب های این حوزه را چگونه ارزیابی می کنید؟

متأسفانه کتاب های زیادی در این حوزه منتشر نشده اند. ۲۰ سال پیش ۵ کتاب ترجمه ای در این حوزه منتشر شده بود و امروز هم به جز ۱۰ کتابی که توسط مرکز ما در مجموعه دانش مکتوب طراحی شهری منتشر شده، تقریباً منبع دیگری در این زمینه وجود ندارد. برای ارتقای این دانش در حال تعریف پروژه ای با یاری سازمان ملل متحد هستیم و طرح های مشابهی در شهرهای خمین و زرند خواهیم داشت. مکتوب شدن و انتشار چنین تجربه هایی می تواند به ارتقای کتاب های این حوزه بینجامد.

به عنوان رئیس مرکز بین المللی پژوهش هنر و معماری، وضعیت کلی کتاب های رشته معماری را چگونه ارزیابی می کنید؟

مجموعه مجلات و دانش مکتوب تولیدی ما در این زمینه زیاد نیست و آنچه هست، بیشتر جنبه ژورنالیستی دارد تا محتوای گرا. در حوزه کتاب معمولاً شاهد انتشار ترجمه های سطحی هستیم و کمتر کتاب تالیفی در این حوزه وجود دارد. بیشتر کتاب هایی که در زمینه معماری منتشر می شود، کتاب های رنگی عکس دارند که با معماری حاوی راه حل های زندگی بهتر، فاصله زیادی دارند.

معماری یک هنر - فن است و روش انتقال آن خیلی اهمیت دارد. بنابراین دقت در انتشار کتاب های تالیفی و ترجمه این حوزه، مقوله ای است که نباید آن را از یاد ببریم.



گلزاری استاد دانشگاه وست مینستر و مهندس محمدنادر محمدزاده رئیس سازمان مسکن و شهرسازی استان قزوین داوری شد، ۳ طرح برنده شدند و یک طرح مورد تقدیر ویژه قرار گرفت که حاصل آنها در این کتاب منتشر شده است.

برای به اجرا درآوردن این پروژه های طراحی شهری، چه کارهایی انجام شده است؟

فعلاً هیچ کاری و تصور هم نمی کنم به زودی این اتفاق بیفتد؛ چون هنوز زیرساخت های لازم اجرایی شدن این دانش در ایران وجود ندارد. وظیفه ما به وجود آوردن این دانش در قالب پروژه اجرا

صفوی در مرکز فعلی شهر قزوین است که در دوره صفویه پایتخت ایران بوده است. متأسفانه امروز مرکز قدیمی این منطقه که سبزه میدان نام دارد، فراموش شده است و این شهر محل بروز و نقطه ثقل خود را از دست داده است. اجرای برنامه هایی از این دست می تواند به احیای فضاهای شهری بینجامد و قلب تپنده ای برای شهرها ایجاد کند.

ویژگی های کاربردی کتاب «یک تجربه جدید در طراحی شهری» چیست؟

این کتاب روش های جدید معماری شهری را به دانشجویان معرفی می کند. همان طور که گفتیم طراحی شهری در معماری امروز مقوله مهمی است که کمتر در فضای دانشگاهی رشته معماری و شهرسازی به آن توجه می شود. معماری، پیدا کردن راه حل هایی برای زندگی بهتر است. امروزه در کشور ما صرفاً به جنبه های رسمی معماری توجه می شود در حالی که شهرهای ایران قدیم، همه چیز در جای خود قرار داشت و مسائل فضای زندگی شهری برای مردم حل شده بود. اما معماری امروز در کشور ما بیشتر از پوسته ها و دکورهای صحبت می کند که مردم پشت آنها جور دیگری زندگی می کنند.

دانش طراحی شهری در کشور انگلستان بسیار محتواگرا تر است و سعی می کند فضاهای شهری متناسب با زندگی مردم ایجاد کند. به همین دلیل فکر می کنم این کتاب با وارد کردن این دیدگاه مدرن می تواند راه را برای پیاده کردن روش های جدید طراحی شهری باز کند.

در مسابقه ای که برای این پروژه برگزار شد ۶ طراح شرکت داشتند که توسط من، دکتر ناصر

مسابقه دانشجویی که حاصل آن کتاب «یک تجربه جدید در طراحی شهری» است، با چه هدفی و در چه زمانی برگزار شد؟

این مسابقه در سال ۱۳۸۶ به همت مرکز بین المللی پژوهش هنر و معماری برگزار شد و هدفش این بود که دانش طراحی شهری را که در ایران کمتر مهارتی در آن وجود دارد، وارد فضای معماری و شهرسازی کشور کنیم. به همین دلیل از دانشجویان دانشگاه متروپلیتن لندن دعوت کردیم این پروژه را به عنوان یک پروژه طراحی شهری ارائه دهند تا از کنار آن به طراحی برای ساماندهی فضایی و کالبدی مرکز شهر قزوین دست پیدا کنیم.

این دانشجویان، همراه استادشان «ترنج خوانساری» پس از بررسی اطلاعاتی که درباره مرکز شهر قزوین نیاز داشتند، سفر ده روزه ای به این شهر داشتند و مطالعات میدانی طرح را نیز به انجام رساندند لازم است بگویم که مرکز بین المللی پژوهش هنر و معماری در سال ۲۰۰۳ یک تفاهنامه آموزشی با دانشگاه مذکور منعقد کرده بود و این پروژه در راستای همان تفاهم اجرا شد. البته خانم خوانساری گردآورنده این مجموعه هم هست که توسط انتشارات «یادآور» منتشر شده است.

چرا شهر قزوین برای این طرح انتخاب شد؟ دیدگاه غالب در مقوله طراحی شهری این است که چگونه می شود کیفیت زندگی در هر شهر را افزایش داد. مشکل بی روحی و یکنواختی و نبود فضاهای شهری، در بیشتر شهرهای ایران وجود دارد اما در شهرهایی که پتانسیل های تاریخی دارند، مهم تر جلوه می کند. مراد ما از مرکز شهر قزوین در این طرح، ساماندهی محدوده سایت «دولتخانه»

مهندس حمید نوحی، مولف «تأملات در هنر و معماری»:

## طرح مباحث فلسفه هنر در معماری به رشد این حوزه می انجامد

در صندوقخانه نگه دارد. آنها علاقه مند هستند آثارشان را به مخاطبان ارائه دهند تا دیگران نیز از دانش او استفاده کنند. این مسأله مسلمانان و بررسی به همراه خواهد داشت که باعث تکمیل شدن دانش نویسنده می شود. من هم با همین هدف مقالات جدید خود را به این مجموعه افزودم.

به اعتقاد من کار هنری به همین شکل پراکنده می شود، رشد می کند و بده بستان های بین مولف و مخاطبان به رشد آن می انجامد. در این کتاب ۱۲ مقاله تازه وجود دارد که در چاپ نخست که توسط انتشارات گام نو منتشر شده بود، وجود نداشتند.

به عنوان کسی که در رشته معماری تدریس می کند، وضعیت کتاب های رشته معماری را چگونه ارزیابی می کنید؟

در حال حاضر نسبت به دوران دانشجویی من، انتشار کتاب های ترجمه و تالیفی و مجلات تخصصی این رشته شکل گسترده تری به خود گرفته است. فضای ادبیات معماری از دهه ۵۰ به این سو رو به رشد بوده است. رشد کمی این کتاب ها حاکی از پتانسیل جامعه تحصیلکرده ما است. اما نمی توان گفت که تلاش های انجام شده در این حوزه کافی بوده است. ادبیات معماری هم، همچنان نیازمند انتشار نشریات و کتاب های تازه است.

تالیفات این حوزه خواهد گذاشت؟ مادر تمامی رشته ها با کمبود نگاه فلسفی مواجهیم. به عقیده من مهم ترین نتیجه طرح مباحث هنری، به وجود آمدن پرسش و نپذیرفتن ساده مسائل است. کل جامعه ما نگاه موشکافانه را کم

دارد و این مسأله به دانشجویان معماری و شهرسازی هم تسری پیدا کرده است. معماری در گذشته هم با فلسفه عجین بوده و دوشادوش آن حرکت می کرده است. در دوره پست مدرن نگاه فلسفی به معماری قوی تر شده است به نحوی که کم کم معماری به یک شیوه بیان فلسفی تبدیل شده است که متأسفانه جامعه و معماری ما با آن

فاصله زیادی دارد. طرح مباحث فلسفی در کتاب های این حوزه شاید مقدمه ای برای موشکافی بیشتر تحصیلکردگان این رشته فراهم کند و در نهایت به تالیفات تازه ای در این حوزه بینجامد.

مجموعه مقالات شما پیش از این توسط ناشر دیگری منتشر شده بود و اکنون با افزودن تعداد زیادی مقاله، توسط گنج دانش منتشر شده است. چرا به تکمیل مجموعه مقالات خود دست زدید؟ هر نویسنده و هنرمندی دوست ندارد آثارش را

می شوند. با توجه به این که مبانی نظری رشته معماری را تدریس می کنم، از کمبودهایی که در حوزه مباحث نظری معماری و فلسفه آن وجود دارد، آگاهم و فکر می کنم انتشار مجموعه ای از مقالات در کنار هم که

به این مقوله می پردازد، برای دانشجویان معماری و شهرسازی مفید است و هدف من از انتشار چاپ دوم این مجموعه، همین بود.

آیا مخاطبان این کتاب فقط دانشجویان معماری هستند؟

خیر. غیر از آنها، این کتاب می تواند برای مهندسان معماری و شهرسازی و دانشجویان دیگر رشته های هنری نیز کاربردی باشد. چون در برخی از

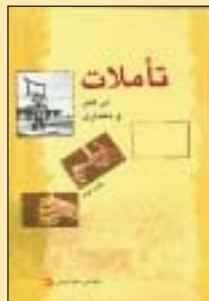
این مقالات به مقوله فلسفه هنر نیز پرداخته شده است که حوزه کاربرد آن را از سطح دانشجویان معماری و شهرسازی وسیع تر می کند. برخی از مباحث مطرح شده در این کتاب دانش مقدماتی بیشتری می طلبد و حتی برخی از مقالات آن مانند «گفتن دینی، شهر ربانی» برای دین پژوهان نیز کاربرد دارد.

به نظر شما طرح مباحث فلسفه هنر در کتاب های حوزه معماری و شهرسازی چه اثری بر رشد

مطالعات بین رشته ای در فضای دانش امروز، اهمیت زیادی یافته است و در رشته هایی مانند معماری، شهرسازی و محیط زیست که با زندگی روزمره انسان ها سروکار دارند، اهمیت این نوع مطالعات برجسته تر است. پیوند میان فلسفه و دین با این رشته ها نیز در مقوله مطالعات بین رشته ای می انجامد. انتشارات گنج هنر به تازگی مجموعه مقالات، سخنرانی ها و گفت و گوهای مهندس حمید نوحی عضو هیأت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت را در کتابی با عنوان «تأملات در هنر و معماری» منتشر کرده است. درباره این کتاب با مولف آن گفت و گویی انجام داده ایم. این استاد دانشگاه که حاصل سه دهه فعالیت او در این مجموعه مقالات گرد آمده، می گوید: «در دوره پست مدرن نگاه فلسفی به معماری قوی تر شده است به نحوی که کم کم معماری به شیوه بیان فلسفی تبدیل شده.»

با چه هدفی مقالات خود را در قالب کتاب منتشر کردید؟

این مقالات حاصل سال ها تدریس و همکاری با نشریات حوزه معماری و سمینار های این رشته است که برخی از آنها برای نخستین بار منتشر





از چهارشنبه تا سه شنبه با برنامه های سرای اهل قلم

# نقد پادشاه و کنیزک همراه با تجلیل بیدل



سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند.

در نشست هایی که طی هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های مولوی پژوهی، باستان شناسی و شعر در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

## ارتباط باستان شناسی و تاریخ

نشست تخصصی کتاب ماه تاریخ و جغرافیا که به «باستان شناسی و کاربرد آن در تاریخ» اختصاص داشت، در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد. بررسی ارتباط باستان شناسی و تاریخ و فصل مشترک آنها یعنی پژوهش، در این جلسه بررسی شد.

**دکتر کامیار عبیدی، باستان شناس:** باستان شناسی و تاریخ، ارتباط بسیاری با هم دارند؛ زیرا موضوع پژوهش هر دو رشته، گذشته انسان است که می خواهند اتفاقات و رویدادها را تجزیه و تحلیل کنند. تفاوت عمده باستان شناسی و تاریخ در بعد زمانی شکل می گیرد. اگر بخواهیم بر اساس سنگواره ها به تاریخ و باستان شناسی بنگریم، قدمت موجوداتی را می بینیم که به نوعی با گونه انسان امروزی ارتباط دارند.

**دکتر حکمت الله ملاصالحی، استادیار گروه باستان شناسی:** انسان موجودی است که می تواند با مساله ای، مساله دیگری را بشناسد یا بفهمد و نظامی از نشانه ها را به وجود آورد تا تولید معرفت کند.

باستان شناسی را از لحاظ زمانی نمی توان محدود کرد و به لحاظ فلسفی، تاریخ دارای دو مفهوم متفاوت است. یک مفهوم تاریخ این است که این رشته را به عنوان واقعیت و رویداد بشری می پذیریم و تعریف دیگر این که، بین فیلسوفان و تاریخ اتفاق نظر نیست.

## رونمایی دیوان «بیدل دهلوی»

دیوان دو جلدی «بیدل دهلوی» که به انتخاب علیرضا قزوه منتشر شده است، طی مراسمی در سرای اهل قلم، با حضور دکتر محسن پرویز، یوسفعلی میرشکاک، سیدعلی موسوی گرمارودی، حسین آهی و جمعی از بیدل پژوهان و اهالی قلم رونمایی شد.

**سید علی موسوی گرمارودی، الکساندر بوزانی، شعر بیدل را** رنالیسمی سحرآمیز می داند. برای بیدل زمین، زمین است و بس، نه رمز و سبمل اما او در همین زمین خواب آسمانی می بیند.

بیدل از ۳۰ سال پیش تاکنون در ایران شناخته شده و می توان گفت شاعری نابغه و تواناست، اما نمی توان او را به جای مولانا، سعدی و فردوسی نشاناد.

اشعار بیدل را می توان در پنج دسته طبقه بندی کرد. دسته ای که تلگراف هایی رمزی دارند و گویی کلید رمزگشایی آنها را بیدل با خود به دنیایی دیگر برده است. اینها اشعاری اند که به سختی می توان با آنها ارتباط برقرار کرد. دسته دوم اشعار بیدل، اشعاری اند که در آغاز معنایی روشن و ساده ندارند و با اندکی توضیح و تعامل می توان به معنا دست یافت. دسته سوم اشعار بیدل را همگان می توانند به سهولت درک کنند اما پرواز اندیشه بیدل در حدی که از او انتظار می رود، در این سروده ها دیده نمی شود. دسته چهارم اشعار بیدل نیز به لحاظ زبان و معناروشن و دلنشین است، اما این دسته اشعار معمولی و به تعبیر بیدل، بی پهلویند و در دیوان هر شاعری اشعاری این چنین یافت می شود.

**علیرضا قزوه:** زمانی که به دهلوی رفتم، نخستین فعالیت من تاسیس انجمن ادبی بیدل بود که جلسات آن به صورت ماهانه برگزار می شود. تاکنون ۱۵ جلسه با حضور منتقدان و بیدل پژوهان برگزار شده است.

«نی نامه» معنادار به نظر می رسد. مثنوی محصول زمانی ثابت نیست؛ بلکه فرا زمان است. بنابراین این داستان، داستانی رمزی است درباره تقید روح به عالم بالا و رهایی از بندهای مادی، که برای دریافتن این هدف، به طیب الهی نیازمند است.

عناصر اصلی داستان، پادشاه، زرگر و کنیزک اند که بسیاری پادشاه را نماد عشق حقیقی، زرگر، عشق مجازی و کنیزک را روح جست و جوگر انسانی گفته اند. نکته مهم، پابرهنه رفتن شاه و خلع نعلین شدن اوست. او در این حال می فهمد برخی دردها را باید با علم طبیبان الهی درمان کرد و در این بخش از داستان، نوعی سیر و سلوک آموزش داده می شود. نکته دیگر این داستان، ارتباط مجاز با حقیقت است.

**پرویز عباسی داکانی:** «مولوی در داستان «بشنو از نی» می گوید ما از خودمان دور افتاده ایم. «بشنو از نی» روح پنهان همه آثار مولاناست و به هبوط انسان اشاره دارد. انسان شناسی مولانا را از «بشنو از نی» او می توان دریافت. انسان نزد مولانا از فراتاریخ می آید و بذر فطرت را در نهادش به ودیعه دارد. وظیفه و احیای این فطرت است که ثمره آن شهود و تجلی است.

داستان «پادشاه و کنیزک»، داستان پادشاهی است که عاشق کنیزک خود شد. از این عشق بیماری به سراغ او آمد چون طبیبان در درمان او ناتوان ماندند. با درخواست از خدا، طبیبی الهی در مان او همت گماشت. او در نهایت دریافت کنیزک عاشق یک زرگر است. به فرمان طبیب، کنیزک را به عقد زرگر در آوردند و سپس

با کشتن تدریجی زرگر، از طریق زهر، نظر کنیزک به طرف پادشاه جلب شد.

ما می توانیم شاه را کنایه از روح بشری بدانیم؛ چراکه روح بشری، بلندمرتبه است و کنیزک را نماد تن یا نفس در نظر بگیریم. طبیب نیز می تواند نماد عارفانی باشد که بی عرفاند و طبیب الهی و نماد اولیایی که بشر بدون استمداد از آنان نمی تواند مسائلش را حل کند. مولوی در این باره گفته: «بی عنایت حق و خاصان حق / اگر ملک باشد سیاه استش ورق.»

روح این داستان، عشق است و مولانا از عشق سخن می گوید. به قول او در این بیت عاشقی گر زین سر و گر ز آن سر است / عاقبت ما را بدان شه رهبر است. منظور او این است که عشق برای عارف مقصد است و بدون عشق نمی توان عارف شد. عرفان به ما می گوید نهاد عارفی عشق است و خدا عاشق انسان است و در قرآن «نفخ فیه من روحی» را برای همین گفته.

چنین متونی لایه لایه است و عشق در آنها علاوه بر آن که حرف اول را می زند، با مثلث به میان می آید. در جامعه شناختی مراتب این داستان، شاه، بالاترین طبقه و پایین ترین آن کنیزک است. مولوی می خواهد بگوید در عشق، پادشاه و کنیز مفهومی ندارد. پادشاه به کنیز نیازمند است و ابایی ندارد از این که در مقابل کنیز زانو بزند. این عشق، معادلات اجتماعی را بر هم می زند. اتفاقا پادشاه، نماد نیاز و کنیزک، نماد ناز است و در مقام بی نیازی است. در جهان عشق، پادشاه پایین می آید و کنیزک بالا می رود.

**خانه کتاب**

**فراخوان**

**بیست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران**

بیست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بین ماه ۱۳۸۸ برگزار می شود. بر این اساس دبیرخانه «کتاب سال» از کلیه پدیدآورندگان، مترجمان، مصححان و ناشران دعوت می کند، آثار خود را برای شرکت در مسابقه کتاب سال ۱۳۸۸ تا شهریور ۱۳۸۸ به نشانی دبیرخانه ارسال کنند.

**اهداف کتاب سال:**

« ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی  
« حمایت و تشویق مؤلفان، مترجمان و مصححان و ناشران متعهد کشور

**شرایط شرکت در کتاب سال:**

« آثار ارسالی برای اولین بار در سال ۱۳۸۷ منتشر شده باشند.  
« کتاب های درسی و کمک درسی نباشند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان صبا و فلسطین جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲-  
دبیرخانه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران  
تلفن: ۶۶۹۶۶۱۲۹، دورنگار: ۶۶۹۶۶۲۱۸  
www.ketabsal.ir



سجاد صاحبان زند

وودی آلن، یکی از نویسندگان و کارگردان‌های مطرح سینمای آمریکاست. با این همه می‌توان او را یکی از منتقدان جدی هالیوود دانست. به عقیده آلن، هالیوود سینما را وارد ابتذال کرده است. از همین روست که این فیلمساز چند فیلم آخر خود را در کشورهای اروپایی ساخته است. وی کار در عرصه هنر را با نوشتن نمایشنامه آغاز کرد و بعد از ایفای نقش در یکی از نمایشنامه‌هایش، در نسخه سینمایی این اثر نیز به عنوان بازیگر حضور یافت و این زمینه‌ای برای حضورش در سینما شد. با این همه، وودی آلن هیچ‌گاه نوشتن متون ادبی را کنار نگذاشت. «قابل توجه نوابغ: فقط پول نقد» یکی از داستان‌های کوتاه وی است که به تازگی با ترجمه مصطفی احمدی توسط نشر نیلا منتشر شده است. به بهانه این کتاب با این مترجم به گفت‌وگو نشستیم. وی علاوه بر ترجمه‌هایش در نشریات معتبر سینمایی، کتاب «اعتراف» نوشته اینگمار برگمن را هم در دست انتشار دارد.

گفت و گو با مصطفی احمدی به بهانه انتشار «قابل توجه نوابغ: فقط پول نقد»

# وودی آلن سبک ندارد



دنیای فیلمسازی اش دارد؟

برای کسی که ریشه‌های خلق آثار هنری را پیگیری می‌کند، خواندن این آثار بسیار مفید است. خواندن این آثار زوایای تاریک ذهن فیلمساز را روشن می‌کند و سبب می‌شود تا ما با نگاه بازتری سراغ آثار دیگرش برویم. من به عنوان یکی از خوانندگان آثار او، همیشه تلاش کرده‌ام جنبه‌های مختلف کارش را مورد توجه قرار بدهم. او فیلمساز صاحب سبکی است و جهانی عجیب و غریب برای ما ترسیم می‌کند. شناخت جنبه‌های مختلف کاری آلن به ما کمک می‌کند تا راحت‌تر با مفاهیم ذهنی او آشنا شویم.

خاص و جملات بلندش (به ویژه در این کتاب) چه می‌دانید؟

نمی‌توانیم در آثار آلن دنبال ویژگی‌ای عجیب و غریب باشیم. ویژگی او را به عنوان یک نویسنده باید در موضوعاتی دانست که انتخاب می‌کند یا شخصیت‌هایی که سراغشان می‌رود. اما ما نمی‌توانیم به دنبال موتیف یا عناصری تکرار شونده در آثار او باشیم که بتوان آن را شاخصه سبکی دانست. آلن برای خود من نیز هیچ‌گاه نویسنده یا ادیبی جدی نبوده است که بخواهم به بررسی شاخصه‌های نویسندگی‌اش بپردازم. با این همه نمی‌توانم نگاه خاص او را به جامعه‌اش نادیده بگیرم. او به موضوعات طبقه فرودست جامعه‌اش نگاهی دقیق دارد و البته این نگاه را می‌توان به طور کلی در نگاهش به جامعه دید. طنز ویژه او نیز برآمده از همین نگاه است. نوع نگاه آلن بخش جدانشدنی او از آثارش است. اما نمی‌توان گفت که او همچون نیل سایمون دارای سبک است. اسم این نویسنده را در دهه ۱۹۶۰ در کنار هم و به عنوان نویسندگانی که شاخصه‌های سبکی مشابهی دارند می‌آورند؛ در حالی که آنها هیچ شباهتی از لحاظ فنی با هم ندارند.

آشنایی با آثار وودی آلن چه تاثیری در شناخت

خواننده و متن را می‌تواند کم‌رنگ کند. من این کتاب را از آن رو ترجمه کردم که از جمله محدود قصه‌های وودی آلن است و شباهت قریبی نیز با فیلم‌هایش دارد. به همین دلیل چاره‌ای نداشتم جز آن که این ارجاعات را در پاورقی توضیح بدهم.

با آن که ما وودی آلن را به عنوان یک فیلمساز می‌شناسیم، او کارش را با نویسندگی آغاز کرده است. آیا او را در کشورش به عنوان یک نویسنده می‌شناسند؟ جایگاهش در ادبیات آمریکا کجاست؟ او در کشور خودش نیز بیشتر به عنوان فیلمساز شناخته شده است. حتی چهره او به عنوان یک هنرپیشه کم‌دی شناخته شده‌تر است. البته او در چند سال اخیر با ساختن فیلم‌های جدی‌اش، نقشی پررنگ‌تر در عرصه کارگردانی داشته است. با این همه آلن در جامعه روشنفکری و دانشگاهی، همواره به عنوان یک نویسنده مورد توجه قرار گرفته است، هر چند که شاخصه سبکی‌اش در کارگردانی در این طیف نیز بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. او در سال‌های اخیر داستان‌هایش را با فاصله زمانی بیشتری در نشریاتی همچون نیویورکر منتشر می‌کند و این سبب شده تا وجوه سینمایی‌اش بر وجوه ادبی‌اش غلبه داشته باشد.

شما شاخصه سبکی وودی آلن را علاوه بر طنز

وودی آلن در این داستان کوتاه ارجاعات بسیاری به اسامی و مکان‌های خاص داشته است. شما این ارجاعات را با آوردن پاورقی نشان داده‌اید. به نظر شما مخاطب تا چه اندازه می‌تواند با این ارجاعات فرامتنی ارتباط برقرار کند؟

وودی آلن آثارش را با توجه به مسائل بومی کشورش می‌نویسد، البته نه به این معنی که این ارجاعات واقع‌گرایانه‌اند، بلکه می‌توان گفت که او آثارش را با استفاده از فرهنگی می‌نویسد که در کشورش جریان دارد. البته او حتی در نقد این فرهنگ می‌نویسد، اما به هر حال کسی که اثری از وودی آلن را برای ترجمه انتخاب می‌کند، می‌داند که باید با این مسائل کنار بیاید. در کتاب‌های دیگر او نیز می‌توان توجه ویژه نویسنده را به اطرافش دید. مترجمان با شیوه‌های مختلفی با این مسأله کنار آمده‌اند. برخی از کنارش گذشته‌اند و برخی توانسته‌اند با توانایی منحصر به فردشان به گونه‌ای توضیحات را در متن بگنجانند. عده‌ای هم، چنان که در این کتاب آمده، به آوردن پاورقی‌ها اقدام کرده‌اند اما در این کتاب، به دلیل اوضاع ویژه‌ای که بر آن حاکم است، آوردن این ارجاعات اجتناب‌ناپذیر بود و با آن که خیلی علاقه‌مند به آوردن این ارجاعات نبودم، ملزم به استفاده از آنها شدم. معتقدم که پانویس رابطه

نمایشنامه «دکتر خی‌ئل» در گفت‌وگو با بابک تبرایی

## نمایشنامه یک ژانر ادبی است

توصیه شده که از این موارد پیش‌بینی ناپذیر در متن استفاده نشود. اما به نظر من، این نکته درست نیست. من به عنوان یک نمایشنامه‌نویس، که قرار است یک متن ادبی بنویسد، خود را از آزادی‌بینم که کل نمایشنامه‌ام را برای بچه‌ها بنویسم تا آنها اجرایش کنند. اما این که شمای کارگردان با چه تمهیدی این نمایشنامه را اجرا می‌کنید، به من ربطی ندارد. اگر کارگردانان نامی می‌توانند برخی از متن‌ها را اجرا کنند به ضعف مطلق خود آنها برمی‌گردد که باید تقویت شود و به نمایشنامه‌نویس ربطی ندارد.

اما به هر حال، همه مدرسان فیلمنامه‌نویسی به این نکته اشاره می‌کنند...

بله. اما هر نکته‌ای که توسط همه گفته می‌شود، لزوماً درست نیست. من معتقدم که فیلمنامه‌نویس می‌تواند ژانر ادبی باشد، اما نه الزاماً. ولی نمایشنامه ضرورتاً یک متن ادبی است.

در مورد کتاب «دکتر خی‌ئل» می‌گفتید...

بله. در مورد این کار خاص، از آنجایی که متعلق به بخش مستقل تئاتر برادوی و متفاوت با آثار متعارف است، احتمالاً خوانندش نسبت به هر اجرایی از آن، لذت بخش‌تر خواهد بود.

اشاره کردید به مهاجر بودن خانم ایرنه فورنس. او همچنین مدتی در پاریس زندگی کرده و در پیدایی یک سبک خاص نویسندگی، سهیم بوده است. از همین روست که احتمالاً زبان و لحن او خاص است. برای ترجمه این زبان چه دشواری‌هایی داشتید؟

ترجمه این متن به دلیل کوتاهی آن، چندان دشوار

قرار دادیم. یکی از همین نمایشنامه‌ها، همین کتاب بود که آقای حمید امجد آن را برای ترجمه به من داد. این نمایشنامه که توسط ماریا ایرنه فورنس نوشته شده به بخش متفاوت نمایش برادوی متعلق است. این نمایشنامه انتزاعی توسط یک نویسنده، مهاجر کوبایی نوشته شده بود و به همین دلیل با ساختار رایج نمایش برادوی متفاوت بود. به همین دلیل من آن را ترجمه کردم. از سویی من معتقدم که یک نمایشنامه متنی نیست که در صحنه نمایش به بلوغ و کمال می‌رسد. من کاملاً با این ایده مخالفم و معتقدم که نمایشنامه یک متن ادبی مستقل است که هیچ ربطی به اجرا شدن یا نشدن ندارد.

کنش و واکنش خاصی در این نمایشنامه اتفاق نمی‌افتد. به همین دلیل است که شما آن را برای اجرا مناسب نمی‌دانید؟

من نگفتم که برای اجرا مناسب نیست، بلکه تصورم این است که اجرای این کار خصوصیات خود را دارد. یعنی تصویری از اجرا شدن این نمایشنامه ندارم. من به عنوان یک نویسنده هم معتقدم که وظیفه نمایشنامه این نیست که تصویری از اجرای نمایشنامه‌اش داشته باشد، در حالی که بسیاری بر این عقیده نیستند. به عنوان مثال شما اگر کتاب‌های نمایشنامه‌نویسی‌ای را که در ایران نوشته می‌شود ببینید، اجرا شدن نمایشنامه را یک اصل می‌دانید. به عنوان نمونه ابراهیم مکی در کتابش درباره نمایشنامه‌نویسی، به نویسندگان توصیه کرده است تا از قراردادن بچه‌ها و حیوانات روی صحنه خودداری کنند، چرا که نمی‌توان حرکات آنها را پیش‌بینی کرد. در کتاب‌های پایه نمایشنامه‌نویسی،

انتشارات نیلا جندی است که آثاری کوتاه در عرصه هنر و ادبیات را با عنوان «کتاب کوچک» منتشر می‌کند و «دکتر خی‌ئل» یکی از آثاری است که به تازگی توسط این انتشارات و در این سری از آثار به بازار کتاب عرضه شده است. این کتاب توسط یک نویسنده کوبایی مهاجر به آمریکا نوشته شده و در بردارنده فضایی متفاوت از نمایشنامه‌نویسی متعارف است. در ادامه این متن، گفت‌وگویی با بابک تبرایی، مترجم این نمایشنامه تک‌پرده‌ای انجام شده است. وی که از جمله برگزیدگان نخستین دوره کتاب سال سینماست، آثاری چون «دم را دریاب»، «هنر پانتومیم»، «هنر در حرکت»، «تصویر کودکان در فیلم‌های هالیوودی»، «چگونه از هر چیزی فیلمنامه اقتباس کنیم»، «پلیس» و «زندگی خصوصی شرلوک هولمز» را ترجمه کرده است.

«دکتر خی‌ئل» نمایشنامه‌ای است با ساختاری متفاوت، چطور شد که این نمایشنامه را ترجمه کردید؟

ترجمه این نمایشنامه به چند سال قبل برمی‌گردد، به زمانی که من دانشجوی تئاتر بودم. در دانشگاه‌هایی که تئاتر در آنها تدریس می‌شود، به دلیل درس‌هایی چون مبانی نمایش، کارگردانی و نمایشنامه‌نویسی، دانشجویان باید متن‌هایی را برای تمرین انتخاب کنند. به همین دلیل، بازار نمایشنامه‌های تک‌پرده‌ای و کوتاه بسیار داغ است. اما با این همه، از میان نمایشنامه‌هایی که منتشر شده‌اند، تعداد بسیار کمی از آنها مورد توجه قرار گرفته‌اند. به همین دلیل موجهی میان دانشجویان تئاتر ایجاد شد که نمایشنامه‌های تک‌پرده‌ای جدید را عرضه کنند که به طور کلی با آنچه پیش از این منتشر شده بود، متفاوت باشد. بیشتر نمایشنامه‌های تک‌پرده‌ای که در ایران منتشر می‌شوند، ساختاری واقع‌گرایانه دارند، به همین دلیل، ما نمایشنامه‌های غیرواقع‌گرایانه را بیشتر مورد توجه

نبود اما زبان آن به هر حال خصوصیاتی دارد که کمی کار را دشوار می‌کند. شما اگر نمایشنامه‌نویس معاصر آمریکا (به معنای نمایشنامه‌نویسی بعد از دهه ۱۹۶۰) را در نظر بگیرید، نوعی از زبان‌مورد استفاده نویسندگان قرار گرفته که به نظر من در ترجمه از دست می‌رود. این ویژگی نیز سهل و ممتنع به نظر رسیدن زبانی است که نویسندگان به کار می‌برند. این زبان به شدت آسان است و از همین روست که برخی از این نمایشنامه‌ها به شدت مورد استقبال قرار می‌گیرند و حتی چند ترجمه از آنها منتشر می‌شود. اما این زبان به ظاهر ساده، زیر متن‌ها و تلوئیحاتی دارد که برگرداندن آنها دشوار است. استاد به کارگیری این تلوئیحات نیز دیوید ممت است. با توجه به همین مسائل، ترجمه این متون دشواری خاص خود را دارد. البته این موارد شاید کمتر در مورد نمایشنامه «دکتر خی‌ئل» به چشم بیاید، چون این متن بسیار کوتاه است.

کتابی هم در دست چاپ دارید؟

بله، یک کتاب با عنوان «کمدی» نوشته اندرو استات. این کتاب درباره نظراتی است که درباره کمدی عنوان شده از گفتمان‌های فلسفی نیچه و هابز گرفته تا گفتمان‌های روانکاوانه برگسون و لاکان. در این کتاب سعی شده تا برابندی از این آرا در نظر گرفته شود. حسن این کتاب آن است که فقط به نمونه‌های قدیمی و تاریخی اشاره نکرده است و در آن حتی مجموعه‌های تلویزیونی معاصر چون «دوستان» نیز مورد توجه قرار گرفته شده‌اند. این کتابی معتبر است که توسط انتشارات راتلیج چاپ شده. شش ماه پیش اصلاحیه‌ای در مورد چند نقل قول از دو نمایشنامه طرح شد که ما آن را ظرف دو روز انجام دادیم. امیدوارم که این کتاب زودتر مراحل اداری انتشار را طی کند. یک رمان نیز با عنوان «از غبار بیرس» نوشته جان فانته را در دست دارم که مراحل چاپ را طی می‌کند. نویسنده مقدمه‌ای اختصاصی برای چاپ کتابش در ایران نوشته است.



«نشانه گمشده» در گفت و گو با دن براون

# برای پول نمی نویسم



این سمی مهلک است که یک نویسنده باید از آن فرار کند. فضای مکتوب، نیازی به سرعت ندارد. به عنوان آخرین سوال، به چه علت شما این همه به فضای سمبل ها و نشانه ها علاقه مندید و آن را در کارهایتان به کار می برید؟

به یک دلیل ساده، یک نویسنده در همه عمرش یک رمان می نویسد. ممکن است او فضاهای مختلفی را مورد توجه قرار داده باشد، ممکن است شخصیت های مختلفی را وارد آثارش کرده باشد و به طور خلاصه ممکن است که او تجربه های مختلفی را از سر گذرانده باشد. اما او همیشه یک ایده را دنبال می کند من نیز در کارهایم چنین کرده ام. به عنوان مثال من در رمان «رمز داوینچی» نه تنها به سمبل ها و نمادها پرداخته ام که حتی قهرمان آثار پیشینم را نیز زنده کرده ام. این بار نیز یک تاریخدان در اعماق تاریخ در جست و جوی وسایل تازه است. این بار نیز ما در اعماق اسنادی که بارها دیده ایم به دنبال مسائل تازه ایم. در کتاب «نشانه گمشده» نیز چنین کرده ام.

بدترین چیز آن است که نویسنده برای پول بنویسد یا در خود این اجبار را حس کند که می خواهد یا باید برای پول بنویسد. حتی نوشتن آگهی های تجاری و دعوی نامه هانیز به این اندازه خطرناک نیستند. از سویی دیگر، نویسنده باید بداند که می خواهد در چه موردی بنویسد و براساس قواعد بازی پیش رود. مثلاً ممکن است شما بخواهید در مورد یک مدرسه خصوصی بنویسد، اما فرآیند تفاوت یک مدرسه خصوصی و یک مدرسه دولتی چیست؟ در مقابل، اگر شما بیش از حد نیز به اطلاعاتی که درباره مدارس خصوصی استفاده کنید، کارتان کسل کننده خواهد بود.

**ویلاگ در زندگی یک نویسنده چه جایگاهی دارد؟**  
جنس نوشتن در ویلاگ، با جنس نوشتن یک اثر مکتوب فرق می کند. به طور حتم، فضای وب، فضای متفاوتی است و من نیز در رمان «قلعه دیجیتال» این فضا را تجربه کرده ام. با این همه معتقدم که نویسنده در فضای وب نیز باید مسؤو لانه بنویسد. فضای وب به من به عنوان کسی که مرتباً با کلمه و جمله سرو و کار دارد، ایده می دهد. به این فضا به چشم یک ابزار نگاه می کنم و معتقدم که می توان از آن برای خلق آثار خلاقه بهره گرفت. البته این فضا آسیب های خود را نیز دارد. به طور مثال، شما ممکن است بعد از کار در فضای وب، بدعادت شوید و این حس در درون شما ایجاد شود که به سرعت در انتشار آثارتان فکر کنید،

اطلاعاتی را که برای نوشتن ده رمان نیاز داریم، به کار تزریق کرده ام.

**شما پژوهش های خود را چگونه انجام می دهید؟ چگونه متوجه درستی یا نادرستی مسأله ای می شوید؟**

پژوهش هایم را طبقه بندی می کنم و در تلاشم که صحت و سقم آنها را در مراحل مختلف کار بیابم. یعنی برای آن که درستی منابع مورد یقین قرار بگیرند آنها را با سه منبع مختلف می سنجم تا به درستی شان ایمان بیاورم. بارها اتفاق افتاده که حتی در بار اول و دوم، درستی مسأله ای برایم ثابت شده، اما جست و جوی بیشتر نشان داده است که حقیقت چیز دیگری است و دلیل این مسأله را جزئیات بسیار کار می دانم که هر بار بیشتر آشکار می شوند. از سوی دیگر از چند مشاوره بهره می گیرم تا درستی اطلاعاتم اثبات شوند. اما با این همه معتقدم که جذابیت داستانی نباید در سایه اطلاعات و تحلیل ها قرار گیرند.

**ثروتی که از راه نوشتن کتاب نصیبتان شده تغییری در شیوه زندگی تان نداده است؟**

هنوز مثل گذشته، صبح زود از خواب بیدار می شوم و صفحات سفیدی را پیش روی خود دارم که باید با کلمات آنها را پر کنم. شخصیت های داستانی من اهمیتی نمی دهند که چقدر پولدارم. آنها به من درست مثل نویسنده ای نگاه می کنند که به تازگی کارش را آغاز کرده است. دوستان من همان هایی هستند که قبل از رسیدنم به ثروت با من دوست بودند. باهمسری زندگی می کنم که سال ها قبل با او ازدواج کردم و همواره به خوبی و خوشی در کنارش زیسته ام. به هیچ وجه پول را عاملی برای تغییر نمی دانم. لباس های گران قیمت نمی خرم، مهمانی های آنچنانی ترتیب نمی دهم و قایق تفریحی ندارم. یک ماشین معمولی سوار می شوم که خیلی های دیگر از مردم جامعه مشابهش را دارند.

**حس شما از این که کتابتان روی تلفن های همراه خوانده شود، چیست؟**

انطباق این کتاب با سیستم های الکترونیکی، کار دشواری است اما همواره از این نکته استقبال کرده ام که کتاب وارد متن زندگی مردم شود. به هر حال از این که زندگی ما در حال تغییر است، نگران نیستم. کتاب و زندگی، آدم ها را تغییر می دهند پس می توانند نقاط مشترکی داشته باشند.

**کمی به عقب تر برویم. آیا شما دوست داشتید که نویسنده شوید؟**

برای پاسخ دقیق به پرسش شما باید بگویم که هنوز مطمئن نیستم می خواهم نویسنده باشم. زمانی که از دانشگاه فارغ التحصیل شدم به دو مسأله علاقه داشتم: نوشتن رمان و سرودن ترانه. یک روز صبح بیدار شدم و تصمیم گرفتم که بنویسم. موفقیت رمان «قلعه دیجیتال» من را در کارم مصمم کرد با این همه گاهی هوس نوشتن ترانه می کنم.

**آیا برای نویسندگی دوره خاصی را گذرانده اید؟**  
کتاب های کلاسیک بسیاری را خوانده ام که بیشتر از هر کلاس و کارگاهی به آدم می آموزد که چگونه به دنیا نگاه کند و چگونه بنویسد. به نظر من تجزیه و تحلیل داستان های کلاسیک به نویسنده کمک می کند که راه های نرفته را دوباره نرود. البته از نقشی که کلاس های نویسندگی در زندگی ام داشته اند نمی توانم به سادگی بگذرم.

**چه چیزی شما را در نویسندگی می ترساند؟ یعنی چه چیز شما را نگران می کند؟**

کتاب «نشانه گمشده» نوشته دن براون به تازگی وارد بازار کتاب جهانی شده است. این نویسنده که شهرتش را مدیون کتاب «رمز داوینچی» و حواشی آن است، بعد از شش سال رمان بعدی خود را منتشر کرد. او در این کتاب نیز چون آثار پیشین اش سراغ نمادها و نشانه ها رفته است، نمادهایی که در آثاری چون «نقطه فریب»، «قلعه دیجیتال» و «فرشتگان و شیاطین» نیز وجود داشتند. در ادامه متن، گفت و گوی براون را با روزنامه وال استریت ژورنال خواهیم خواند. این گفت و گو هفته گذشته با این نویسنده انجام شده است. به نوشته این روزنامه، تاکنون بیش از ۸۰ میلیون نسخه از «رمز داوینچی» در دنیا به فروش رسیده است. در مقدمه این گفت و گو همچنین به فروش یک میلیارد دلاری فیلمی اشاره شده که براساس رمان «رمز داوینچی» ساخته شده.

**رمان «رمز داوینچی» در سال ۲۰۰۳، یعنی شش سال قبل منتشر شد. چرا در این مدت کتابی منتشر نکردید؟ درست از روزی که آخرین نقطه کتاب «رمز داوینچی» روی کاغذ آمد، من به فکر نوشتن کتابی دیگر بودم، اما مواد خام و ایده هایی که داشتم آن قدر پیچیده بودند که کارم طول کشید. باید در عین آن که از این مصالح به نحو موثر در داستانم استفاده می کردم از سویی نیز باید به جذابیت های داستانی فکر می کردم و این کارم را دشوار کرد.**

**پس دغدغه شما، دغدغه نویسنده ای نبود که از شکست بعد از یک موفقیت می ترسید؟**

نه. برای انتشار این کتاب عجله چندانی نداشتم، اما این نکته به آن دلیل نیست که نگران موفقیتم نباشم. بهترین کاری که می توانم انجام دهم و همیشه هم در صدمم تا آن را به بهترین وجهی انجام دهم، نوشتن کتاب است. من همیشه به این نکته فکر می کنم که هر کتاب، می تواند عامل موثری برای خرید کتاب دیگر باشد. یعنی به این نکته می اندیشم که کتابم چنان سرگرم کننده باشد که مردم برای خریدن کتاب بعدی، که ممکن است کتاب من نباشد از خانه شان خارج شوند. به طور قطع کتاب های خوب دیگر نیز در خرید شدن کتاب من، نقش موثری دارند.

**با ناشر آثارتان مشکلی نداشتید؟**

واقعا کار کردن با این ناشر احساس غرور می کنم. زمانی که «رمز داوینچی» توسط این ناشر منتشر شد، به گمان من اعتبار آن در معرفی اش به مخاطبان نقش مهمی داشت. وقتی هم که کتاب پرفروش شد و مردم از ناشر کتاب های بیشتری از من می خواستند، آنها به هیچ وجه من را تحت فشار قرار ندادند تا کتاب بعدی خود را منتشر کنم. از ناشرم به دلیل فرصتی که به من داد تا بتوانم با حوصله کتاب اخیرم را بنویسم، سپاسگزارم.

**موفقیت این کتاب را چطور ارزیابی می کنید؟**

بعد از انتشار کتاب «رمز داوینچی» یکی از مخاطبان به ملاقاتم آمد و از کتاب کلی تعریف کرد. او گفت که به جز کتاب های دانشگاهی کتاب دیگری نمی خواند و فرصت آن را هم ندارد. اما کتاب من را با علاقه خوانده و از آن بسیار آموخته است. امیدوارم که این اتفاق بار دیگر بیفتد.

**نوشتن این کتاب چقدر از شما انرژی گرفت؟**

بسیار. پیش از این چهار رمان منتشر کرده بودم که هر یک شرایط و ویژگی های خودش را داشت. اما نوشتن این کتاب انرژی مضاعفی از من گرفت. شاید به جرأت بتوانم بگویم که برای نوشتن این رمان،



باسمه تعالی

فراخوان دهمین دوره جایزه کتاب فصل

دیرینه خانه جایزه کتاب فصل به منظور حمایت از کتاب های برتر و تشویق محققان، مؤلفان، مترجمان و مصححان متعهد و شایسته کشور و برای ارتقای فرهنگ، دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی در کشور، دهمین دوره جایزه کتاب فصل (تابستان ۱۳۸۸) را برگزار می کند. از ناشران، مؤلفان، مترجمان و مصححان محترم دعوت می شود آثار خود را که برای نخستین بار در تابستان ۱۳۸۸ منتشر شده است، به دبیرخانه این جایزه ارسال نمایند.

مهلت ارسال آثار: پانزدهم مهر ماه ۱۳۸۸

نشانی دبیرخانه: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان برادران مظفر و فلسطین جنوبی، شماره ۲۸۰، مؤسسه خانه کتاب، طبقه ۲، دبیرخانه جایزه کتاب فصل

تلفن: ۹۹۶۶۲۱۹

تلفن: ۶۶۶۶۲۱۸



سیمیندخت گودرزی

در آغاز کلام، باید پرسید چرا ایرانیان، زمان اندکی را در روز به خواندن و اندیشیدن اختصاص می دهند؛ آن هم وقتی آموزه های دینی مان تا این اندازه ما را به تفکر و تأمل فراخوانده است؟ چرا جدی ترین کتابی که در اختیار دانش آموزان ما قرار می گیرد، کتاب درسی است؟ هنوز بسیاری خانواده ها فکر می کنند اگر کودکانشان به خواندن داستان بپردازند، نقاشی کنند، وقت خود را تلف می کنند و از درس و مشق باز می مانند. چند درصد مدرسه های ما، فضای مناسبی را به کتابخانه اختصاص داده اند و از وجود کتابداری آشنا با ذهن و زبان کودکان بهره می برند؟ کتابداری، که هم بچه ها را بشناسد و هم کتاب ها را؟ این که نقش کتابخانه ها چگونه است و مسابقه های کتابخوانی تا چه اندازه موجب کتابخوان شدن بچه ها می شود، موضوعی است که کتاب هفته به مناسبت شروع سال تحصیلی، به آن پرداخته است.

## مسابقه های کتابخوانی و تأثیر آن بر دانش آموزان

# پسندیم آنچه را او می پسندد!

### محبوبه نجف خانی:

#### نخستین قدم؛ انتخاب کتاب خوب



محبوبه نجف خانی، مترجم و کتابدار است و ۱۰ سالگی می شود که در یکی از مدارس منطقه یک تهران، دانش آموزان دوره راهنمایی را با کتاب های خوب آشنا می کند. او همچنین کتاب هایی را برای نوجوانان ترجمه کرده که از آن میان می توان به «مجموعه جودی»، زیر درخت زالزالک»، آثار رولدالدال و... اشاره کرد. گفت و گو با نجف خانی درباره کتابخانه های مدارس و مسابقه های کتابخوانی را بخوانید.

#### مسابقه های کتابخوانی تا چه اندازه در گسترش فرهنگ کتابخوانی در بین کودکان و نوجوانان موثرند؟

اگر کتابی که انتخاب می شود، مورد علاقه دانش آموزان باشد، مسابقه ها تأثیر گذارند و موجب رشد و گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی در بین آنها می شوند. اما اگر کتابی را بدون در نظر گرفتن علائق و روحیات بچه ها انتخاب کنند و به اجبار از آنها بخواهند کتاب بخوانند و مسابقه بدهند، قطعاً نمی توانند انتظار تأثیر مثبت داشته باشند.

#### پس انتخاب کتاب، یکی از مهم ترین مراحل است؟

قطعاً همین طور است. کسی که کتابی را انتخاب می کند باید آن را بشناسد به عبارتی هم باید با کتاب هایی که برای هر گروه سنی منتشر می شود و با دنیای دانش آموزان، ذهن و زبان آنها آشنا باشد، وگرنه نمی تواند درست انتخاب کند.

#### به نظر شما تا چه اندازه در مدارس ما این شناخت وجود دارد؟

تعداد مربیان و کتابداران آشنا با این دو مقوله (هم کتاب و هم دنیای دانش آموزان) بسیار کم است. از طرف دیگر بهتر است بچه ها را محدود نکنیم و به آنها نگوئیم چه بخوانند و چه بنویسند. بلکه آنها را با کتاب آشنا کنیم و اجازه دهیم کتاب مورد نظر را خودشان انتخاب کنند.

#### شناخت مخاطب به کمک کتابدار می آید. اما مخاطبی که در منطقه

#### یک تهران زندگی می کند با آن که در منطقه ۲۲ است یکی است؟

سلیقه هر کس، متفاوت با دیگری است؛ اما خواسته ها و نیازهای بشری شبیه هم هستند. کتاب به نیاز بشر پاسخ می دهد. من این را تجربه کرده و از دوستانی که مروج کتابند و در «خانه کتابدار» کار می کنند این نکته را پرسیده ام و آنها به درستی به نیازهای مشابه بشری اشاره کرده اند.

#### شما کتاب ها را بر چه اساسی انتخاب می کنید؟

استقبال از کتاب، یکی از ملاک های انتخاب است.

#### کتاب هایی که برای مسابقه های کتابخوانی انتخاب می شوند، بیشتر ترجمه اند تا تالیف؟

تعداد نویسندگان ما محدود است و از کتاب های ترجمه به خاطر تنوعی که دارند، بیشتر استقبال می شود.

#### جنسیت دانش آموزان تا چه اندازه در انتخاب کتاب تأثیر می گذارد؟

خیلی. مثلاً مخاطبان مجموعه «ماتیلدا» در همه جای دنیا، بیشتر دخترانند تا پسران و این به خاطر دختر بودن شخصیت اصلی داستان است.

#### زمان برگزاری مسابقه ها تا چه اندازه در استقبال بچه ها تأثیر می گذارد؟

خود من همیشه، بعد از عید و پیش از شروع امتحانات، مسابقه های نقد و کتابخوانی را برگزار می کنم. عید، زمان خوبی است تا بچه ها کتاب بخوانند اما همیشه به این فکر کرده ام که نمایشگاه کتاب، زمان خوبی برای دانش آموزان نیست، چون درگیر امتحانات هستند.

#### شما کتاب واحدی را انتخاب و بر مبنای آن، پرسش هایی را مطرح

#### می کنید یا این که از بچه ها می خواهید به نقد کتاب بپردازند؟

هر دو روش را می توان به کار برد. بهتر این است که از بچه ها بخواهیم، جنبه های مختلف یک کتاب را ببینند و درباره زاویه دید، شخصیت پردازی

و اوج و فرود داستان برای ما بنویسند.

#### البته همه این موارد نیازمند شناخت است؟

بله ابتدا باید آنها را با عناصر داستانی آشنا کرد. حتی بعد از آن هم تا مدتی، گویچند اما پس از مدتی، سوال مطرح می کنند و می دانند که چه باید بگویند.

#### زمانی از ما می خواستند خلاصه یک داستان یا کتاب را بنویسیم.

خلاصه نویسی، هنر است و در همه جای دنیا از این روش استفاده می کنند. از سوی دیگر می توان از بچه ها خواست تا پایان داستان را به میل خود تغییر دهند.

#### طرح کانون مدرسه تا چه اندازه در مجهز کردن کتابخانه ها موثر بوده است؟

این طرح، بیشتر به دبستانی ها اختصاص داشت. استقبال از آن هم، استقبال خوبی بود. اما کانون پرورش فکری کودکان، می خواست کتاب های خود را در اختیار مدارس بگذارد و این مساله موجب محدود شدن مخاطب می شد.

#### چقدر بودجه در اختیار مدارس قرار می گیرد تا برای خرید کتاب، هزینه شود؟

درواقع هیچ. باید وزارت ارشاد، شهرداری، آموزش و پرورش و دیگر نهادهای مرتبط بودجه ای را به طور مرتب در اختیار مدارس بگذارند تا به خرید کتاب اختصاص یابد.

### افسانه رحیمی:

#### در کار فرهنگی تداوم داشته باشیم



افسانه رحیمی، تصویرگر و کتابدار یکی از مدارس دولتی تهران است. او و همسرش، سال هاست که به شهرها و مناطق مختلف ایران سفر می کنند، در تجهیز و به روز کردن کتابخانه ها می کوشند و دلشان می خواهد روزی فرا برسد که در همه مدارس ایران، یک کتابخانه و یک کتابدار خوب وجود داشته باشند. رحیمی بر این عقیده است که تنها وظیفه کتابخانه ها، امانت دادن کتاب به مخاطبان نیست، بلکه با استفاده از روش های گوناگون می توان بچه ها را به خواندن علاقه مند کرد.

#### از چه روش هایی می توان برای گسترش فرهنگ کتابخوانی در بین دانش آموزان استفاده کرد؟

خواندن کتاب برای بچه ها یکی از روش های خوب و کارآمد است. من سال هاست که برای آنها کتاب می خوانم.

#### قاعدتاً باید کتابی که انتخاب می شود، قابلیت خوانده شدن در یک جلسه را داشته باشد.

بله. می توان داستان های کوتاه و جذاب را برای بچه ها انتخاب کرد. اصلاً مخاطبان امروز، حوصله چندانی به خواندن داستان های بلند ندارند و داستان کوتاه، این امکان را به آنها می دهد تا با کتاب ها و نظرات مختلف آشنا شوند، اعتماد به نفسشان تقویت شود و ترس آنها از در جمع بودن بریزد.

#### در حقیقت با این کار زمینه های لازم نقد را هم در بین آنها پدید می آورید؟

بله. از دانش آموزان می خواهیم داستان ها را هم نقد کنند و این نقد، عیب جویی کردن از یکدیگر نیست. ما از بچه ها می خواهیم به نکات مثبت و منفی کارهایشان اشاره کنند تا به نقطه مطلوب نزدیک تر شوند. در حقیقت آنها را به این باور می رسانیم که تو را نقد کنند تا به تو برای بهتر شدن، یاری برسانند.

#### شناخت، لازمه نقد است؛ بچه ها تا چه اندازه عناصر داستانی یا

شاکله شعر را می شناسند؟

ما ابتدا از نویسندگان و مترجمان می خواهیم تا درباره کارهای خود

با بچه ها صحبت کنند. کسانی که علاقه مند باشند، بیشتر درباره ترجمه و داستان بدانند و زمینه های لازم برای سرودن شعر یا نوشتن داستان را هم داشته باشند، می توانند در دوره های تخصصی که در مدرسه برگزار می شود شرکت کنند.

#### به عبارتی کتابداران می توانند بین بچه ها و نویسندگان ارتباط برقرار کنند؟

بله. کتابخانه های آموزشی، یکی از بهترین مکان ها برای برقراری این ارتباطند. ارتباطی که به نویسندگان کمک می کند تا دغدغه و نیاز بچه ها را بشناسند، با علاقشان آشنا شوند و برای آنان بنویسند.

#### تا چه اندازه در مدارس ما از این روش استفاده می شود؟

کم. در آموزش و پرورش، کتابداری را جدی نمی گیرند و فکر می کنند هر کس باهر تخصصی می تواند مربی ورزش، نقاشی یا کتابدار باشد. کتابداری که نمی داند کتاب ها را طوری انتخاب کند که به یک ابزار آموزشی تبدیل شوند.

#### پس به باور شما کتاب کتابخانه ها باید مکمل های آموزشی باشند؟

یکی از اهداف این است که دانش آموزان، با کتاب های مرجع ارتباط بگیرند و روش استفاده از آن را بدانند و این در حالی است که بچه های ما در شرایطی از دبیرستان یا دانشگاه فارغ التحصیل می شوند که نمی دانند با این گونه کتاب ها، چطور برخورد کنند. یک کتابدار خوب روش بهره گیری از کتابخانه ها را به بچه ها یاد می دهد.

#### پس داستان، کجای این کتابخانه قرار می گیرد؟ داستان که حداقل به شکل مستقیم جنبه آموزشی ندارد.

داستان به تخیل بچه ها کمک و به روش های گوناگون، تخیل بچه ها را بارور می کند. یکی از کارهای جالب برای بچه ها این است که از آنها بخواهیم داستان بخوانند و خود به دلخواه، ادامه دهند.

#### بهره برداری درست از یک کتابخانه تا چه اندازه در تقویت روحیه پژوهش موثر است؟

یک پژوهشگر خوب، در درجه اول باید بداند چگونه از یک کتابخانه به درستی استفاده کند و از کتاب های مرجع موجود در آن بهره برد. اما مساله این است که ما حتی اگر ابزار استفاده را داشته باشیم، بهره بردن درست از منابع را نمی دانیم.

#### ملاک های شما برای انتخاب کتاب چیست؟

اول نیاز خود بچه هاست. بچه ها به ما مراجعه می کنند و از ما کتاب های مورد علاقه شان را می خواهند. از سوی دیگر، کتابداران باید کتاب های خوب را بشناسند و با مراکزی چون ارشاد، کانون و... که به معرفی کتاب های برگزیده و مناسب می پردازند، آشنا باشند.

#### اما ظاهر کتاب های برگزیده، آن چنان که باید و شاید به مردم معرفی نمی شوند یا مورد استقبال قرار نمی گیرند.

خود کتابداران، بهترین کسانی اند که می توانند نیاز بچه ها و سلیقه آنها را بشناسند و متناسب با آن، کتاب در اختیارشان بگذارند. از طرفی، «خانه کتابدار» از جمله مراکزی است که می تواند به کتابداران و آموزش و پرورش در انتخاب کتاب، یاری رساند.

#### به نظر شما مسابقه های کتابخوانی تا چه اندازه در کتابخوان کردن بچه ها تأثیر گذارند؟

ببینید، هر کاری زمانی تأثیر گذار است که به طور دائم انجام شود. نمی توان با فرهنگ، به طور مقطعی برخورد کرد. اگر بخواهیم مسابقه ها تأثیر گذار باشند باید مداومت داشته باشند.

#### با توجه به این که تصویرگری هم می کنید؛ تصاویر تا چه اندازه در جذب مخاطب و علاقه مند کردن بچه ها به مطالعه تأثیر می گذارد؟

تصویر، دنیای متفاوتی است. برای بچه ها در یک مقطع سنی، تصویردار بودن کتاب بسیار مهم است. تصویر روی جلد به ویرترین یک مغازه می ماند و مخاطب را جلب می کند. من، هرگز کتاب های تصویری را فراموش نمی کنم؛ هنوز «قصه های من و بابام» را به خاطر تصاویر زیبایی که داشت فراموش نمی کنم و خوب است کتابداران ما، این دنیای متفاوت را هم بشناسند.





زهره نیلی

کتاب‌های درسی، نخستین و جدی‌ترین کتاب‌هایی هستند که کودکان با آن سروکار دارند، به همین دلیل این آثار نقش بسیار مهمی در گسترش فرهنگ کتابخوانی و علاقه‌مند کردن بچه‌ها به مطالعه دارند. همچنین لازم است که این کتاب‌ها هر چند سال یک بار مورد بازبینی و ویرایش قرار بگیرند و با شرایط زمانه همگام شوند. از سوی دیگر دنیای امروز با شتاب جلو می‌رود و اوضاع زندگی و مناسبات آن به سرعت تغییر می‌کند و در اینجا است که اهمیت کار مولفان و تصویرگران کتاب‌های درسی، دو چندان می‌شود چرا که هم باید روحیه و ذهنیت کودک امروز را بشناسند که با ماهواره، اینترنت و رایانه آشناست و هم هماهنگ با ماشین زمان به جلو بروند. اما تصویرگری کتاب‌های درسی ما چگونه است و چه تفاوتی با شعر و داستان دارد؟! تصویری که در کتاب‌های درسی کودکان آمده با ذوق و روحیه آنان از یک سو و مناسبات زندگی امروز از سوی دیگر هماهنگی دارد. این پرسشی است که هم‌زمان با فرارسیدن ماه مهر و بازگشایی مدارس با چند تصویرگر در میان گذاشته شد.

## درباره تصویرگری کتاب‌های درسی

# لذت؛ اصل فراموش شده کتاب‌های درسی

حمیدرضا اکرم:

### به همه مسائل می‌شود فانتزی نگاه کرد



حمیدرضا اکرم از جمله هنرمندانی است که به تصویرگری کتاب‌های درسی برای کودکان هم پرداخته و کتاب‌های پایه چهارم دبستان را تصویر کرده است. «افسانه چشمه لاغر مردنی»، نخستین کتابی است که او تصویرگری اش را بر عهده داشته که داستانی از نرگس آبیبار است. «روبان قرمز به دور کره زمین» از ناصر یوسفی و «ماهی نقره‌ای، ماهی طلایی» نوشته ابراهیم حسن بیگی از دیگر داستان‌هایی هستند که اکرم تصویر کرده است. او شیفته دنیای فانتزی است و فکر می‌کند تنها با خیال‌پردازی و شناخت دنیای فانتزی می‌توان، قالب‌های خشک آموزشی را نرم‌تر و انعطاف‌پذیرتر کرد. اکرم به گروه سنی اعتقاد ندارد و فکر می‌کند، تصویر اگر درست ترسیم شده باشد، با هر مخاطبی در هر سن و سالی ارتباط برقرار می‌کند. گفت‌وگوی کتاب هفته با این تصویرگر کودک و نوجوان در ادامه می‌آید.

**آیا پناه بردن به دنیای فانتزی موجب می‌شود تا مخاطبان با هر سن و سالی با تصویر ارتباط برقرار کنند؟**

کسی که دنیای فانتزی را درک کرده، خیلی راحت تر و صمیمی‌تر کار می‌کند و به خود حقیقی‌اش نزدیک‌تر است، اما آن‌که با دنیای فانتزی فاصله دارد ناچار می‌شود کار دیگران را تقلید کند و با احساس ناب خود بیگانه است.

**اما هر تصویرگری از سبک و سیاق خود پیروی می‌کند و دلیل ندارد که همه تصویرگران در قالب فانتزی کار کنند. درست است؟**

قطعا همین‌طور است. هر کس از روش خاص خود پیروی می‌کند و متناسب با روحیات خود، به روش ویژه‌ای گرایش پیدا می‌کند. من عاشق فانتزی هستم و خیال‌پردازی را دوست دارم اما دیگران هم حق دارند سبک خاص خود را در تصویرگری داشته باشند؛ از واقعیت تا رویا.

**اما همه متن‌های داستانی، تخیلی و فانتزی نیستند و باید ارتباطی بین متن و تصویر وجود داشته باشد.**

نویسنده و تصویرگر به موازات یکدیگر حرکت می‌کنند. به باور من حتی برای داستان‌های کاملا واقع‌گرایانه هم می‌توان تصویری تخیلی خلق کرد. در هر حال من دنیای خاص خودم را دارم؛ دنیایی که با همه خیالی بودنش برایم بسیار واقعی است و تا آنجا که اعتراض ناشر و نویسنده بلند نشود آن‌گونه که دوست دارم رفتار می‌کنم و کودکان هم مرا همین‌گونه که هستم پذیرفته‌اند و با کارهایم ارتباط می‌گیرند. انگار آنها هم متوجه شده‌اند که حمیدرضا اکرم با دلش برای آنها تصویرگری می‌کند.

**حمیدرضا اکرم، تصویرگر کتاب‌های درسی هم هست. کتاب‌هایی چون ریاضی و علوم، مبتنی بر واقعیت‌های علمی هستند نه تخیل... اینجا هم تا این اندازه به خیال خود مجال پرواز می‌دهید؟**

البته. چرا که نه. من دوست دارم تصویرهای من، راه‌فرآگیری کودکان را آسان‌تر کند. وقتی کتاب‌های چهارم دبستان را برای بچه‌ها تصویر می‌کردم یاد دوران درس و مدرسه خودم می‌افتادم و دلم برایشان می‌سوخت. در مدرسه تنها به بچه‌ها تئوری یاد می‌دهند؛ تئوری‌هایی که شاید چندان مبتنی بر تجربه نباشند و به کار آنها نیایند. این همه سال عربی و انگلیسی خواندیم، کدام یک از ما می‌توانیم به یکی از این دو زبان صحبت کنیم؟ صحبت که نه که حتی فقط بتوانیم گلیم خود را از آب بیرون بکشیم؟!

**اما تصویرگران به تنهایی نمی‌توانند مشکل سیستم آموزشی و کتاب‌های درسی را برطرف کنند. درست است؟**

من هم چنین ادعایی نکردم. من فقط دلم می‌خواهد کودک از دیدن

تصاویری که در کتاب درسی‌اش آمده، لذت ببرد. قوانین خشک و سیستم آموزشی بی‌روح، به استعداد و قدرت خلاقه بچه‌ها آسیب می‌زند. چه اشکالی دارد دانش‌آموزی که ناچار است از صبح تا ظهر پشت نیمکت‌های سخت و خشک مدارس بنشیند و کتاب درسی بخواند، چون انتخاب دیگری ندارد، تصویری را ببیند که تخیل او را شکوفا می‌کند.

**اما کتاب‌های درسی با یکدیگر متفاوتند. شاید شعر را بتوان این‌گونه تصویرگری کرد اما در مورد کتاب علوم یا ریاضی، شرایط به گونه دیگری است؟**

«هیچ آدابی و ترتیبی مجو...» دلیلی وجود ندارد که تصویر علوم واقع‌گرایانه‌تر از فارسی باشد. به گمان من می‌توان از رنگ‌های مختلف و شخصیت‌های گوناگون استفاده کرد. چه اشکالی دارد که تصاویر کارتونی وارد کتاب‌های درسی شوند.

**پس تلاش کرده‌ای تا فانتزی را وارد کتاب‌های درسی کنی؟**

من کوشیده‌ام تا کاستی‌ها را به اندازه توان خود جبران کنم چون معتقدم اصلی که در کتاب‌های درسی ما نادیده گرفته می‌شود، لذت است. من دلم می‌خواهد بچه‌ها با تمام وجود از کتاب و درس و مدرسه لذت ببرند.

**فکر می‌کنید این مشکل به سیستم آموزشی ما برمی‌گردد و این‌که بعضی کارشناسان آموزش و پرورش روحیه بچه‌ها را آن‌گونه که باید و شاید نمی‌شناسند؟**

مشکل ما ریشه‌دارتر و جدی‌تر از این است. خانواده‌های ما فکر می‌کنند بچه‌ها را باید در یک اتاق زندانی کنند و بگویند درس بخوان تا برای خودت کسی شوی، بازی نکن و گرنه بدبخت می‌شوی... در صورتی که بازی کردن روح و روان او را می‌سازد. ما باید به بچه‌ها مجال بدهیم تا بازی کنند و اجازه بدهیم ذهن و مغزشان استراحت کند و گرنه با اطلاعاتی که به صورت خشک به آنها می‌دهیم، مثل زیاله برخورد می‌کنند.

**تصاویر موجود در کتاب‌های درسی هر چند سال یک بار به روز می‌شوند؟**

اگر به ساختمان آموزش و پرورش در خیابان ایرانشهر بروید و ببینید در ساختمان به آن بزرگی تنها یک فضای ۱۵ متری را به تصویرسازی کتاب‌های درسی اختصاص داده‌اند، دیگر این سوال را مطرح نمی‌کنید. از سوی دیگر شما با محدودیت‌های آموزش و پرورش آشنا نیستید. برای مثال اگر در تصویری پدر خانواده را در حال روزنامه خواندن و مادر را مشغول ظرف شستن نشان بدهیم، صدها نامه از گوشه و کنار ایران نوشته و فرستاده می‌شود که چرا به مقام زن بی‌توجهی کردید، اینها سبب می‌شود که حساسیت برای تصاویر کتاب‌های درسی بالا برود.

### لیدا معتمد:

### مرز واقعیت کجاست؟



لیدا معتمد تصویرگری را ۱۰ سال پیش با کار در نشریه «کبهان بچه‌ها» و شعری از افسانه شعبان‌نژاد آغاز کرد. او تاکنون در چهار نمایشگاه گروهی شرکت کرده و «دنیای عجیب» عنوان تازه‌ترین نمایشگاه تصویرگری گروهی است که معتمد سرپرستی آن را بر عهده دارد. این تصویرگر بر این گمان است که تخیل تصویرگر و خیالی بودن کارهایش نباید موجب منطبق گریز شدن کتاب‌های درسی شود. گفت‌وگو با این تصویرگر کودک و نوجوان را بخوانید.

**شما از جمله تصویرگرانی هستید که از یک سو فانتزی را بسیار دوست دارید و از طرف دیگر فکر می‌کنید کتاب‌های درسی باید از**

منطق خاصی پیروی کنند. جمع این دو چگونه ممکن است.

متن و تصویر ارتباطی مستقیم با یکدیگر دارند و تصویرگر هم می‌تواند متنی تازه و با زبانی متفاوت برای خود بیافریند. به این معنی که نویسنده از کلمه‌ها استفاده می‌کند و منظور خود را می‌رساند، اما تصویرگر از رنگ و تخیل خود بهره می‌برد و موازی با نوشته حرکت می‌کند. بنابراین در کتاب‌های درسی هم می‌توان ناگفتنی‌های متن را تصویر کرد و به تخیل خود امکان ظهور و بروز داد. البته از منطق حاکم بر ریاضی یا علوم هم نمی‌توان غافل شد.

**بنابراین کتاب‌های درسی را از هم جدا می‌کنید و نوع برخورد با هر کدام را متفاوت با دیگری می‌دانید؟**

بله. دقیقا. برای تصویر کردن شعر و کتاب فارسی می‌توان از تصاویر فانتزی استفاده کرد اما برای آموزش علوم و ریاضی بهتر است کمتر به تصاویر فانتزی پناه ببریم.

**بعضی منتقدان کتاب کودک و نوجوان بر این باورند که فاصله زیادی میان متن و تصویر و اثر و مخاطب ایجاد شده... علت پدیده آمدن این شکاف چیست؟**

ضعف متن یکی از علت‌هایی است که موجب می‌شود تصویرگر راه خود را برود و به داستان، کاری نداشته باشد. از سوی دیگر در جشنواره‌های خارجی برخلاف ناشران ایرانی که تصاویر تخیلی را نمی‌پسندند و دوست دارند که تصویرها، واقع‌گرایانه باشند از این‌گونه کارها استقبال می‌کنند و تصویرگرانی که چنین آثاری را دارند، تشویق می‌کنند. به خاطر همین است که بسیاری از هنرمندان ایرانی بهترین جوایز تصویرگری را به خود اختصاص می‌دهند؛ بدون آن‌که تصاویرشان در ایران با مخاطب کودک و نوجوان ارتباط برقرار کند.

**یعنی تصویرگران ملاک‌های هر جشنواره را درک کرده و براساس آن حرکت می‌کنند؟**

بله. همین‌طور است. متأسفانه ناشران و نویسندگان دلشان می‌خواهد تصویرگر همان‌گونه فکر کند که آنها دوست دارند. از سوی دیگر مسائل اقتصادی موجب می‌شود تا تصویرگران مطابق معیارهای هر جشنواره حرکت کنند در صورتی که اگر از تصویرگران حمایت شود، چه به لحاظ مالی و چه معنوی، نیاز چندانی به این کار باقی نمی‌ماند. مسلما هر تصویرگر ایرانی دوست دارد در درجه اول کودک هموطنش با کار او ارتباط برقرار کند.

**البته خیال‌پردازی موجب بروز و رشد خلاقیت در انسان می‌شود. چه اشکالی دارد که حتی در کتاب‌های درسی هم از تصاویر تخیلی استفاده شود؟**

کتاب‌های درسی در اختیار همه بچه‌ها - کتابخوان و غیر کتابخوان - قرار می‌گیرند و جدی‌ترین کتاب‌هایی هستند که کودکان با آن سرو کار دارند. قطعا اگر این کتاب‌ها از فضایی رنگی و فانتزی بهره ببرند، بچه‌ها را به مطالعه علاقه‌مند می‌کنند و ذوق بصری آنها را بالا می‌برند. چه اشکالی دارد بچه‌ها تصویری ببینند که میزان درک تصویری آنها را بالا می‌برد و بر خلاقیت آنها می‌افزاید؟ ممکن است بعضی بگویند بچه‌های ما با این تصاویر نا آشنا هستند. بهتر است راه را بر تخیل کودکان نبندیم و بگذاریم ذهن کودکان آنها به جریان سیال خود ادامه دهد. پس فانتزی را وارد کتاب‌های درسی و دنیای کودکان دانش‌آموزان کنیم.

**گرایشی که طی سال‌های اخیر به سمت فانتزی وجود آمده تا چه اندازه نتیجه‌گرایان انسان از دنیای واقعیت است؟**

چرا گریز از واقعیت؟ شما از کجا می‌دانید که دنیایی که در آن به سر می‌برید واقعی است و آنچه در ذهن و خیالتان می‌گذرد، دروغین؟ واقعیت این است که اجازه بدهیم بچه‌ها بچگی کنند. چه اشکالی دارد در کتاب‌های درسی شان جایی برای برش بگذاریم تا ماسک و موشک درست کنند و لذت ببرند؟ اگر لذت بردن گریز از واقعیت و خیال است من به خیال قانع شده‌ام و به آن خشنودم. بگذارید به آن پناه ببرم.



لعیا درفشه

«جهان‌شناسی سنتی و علم جدید» عنوان کتابی است از تیتوس بورکهارت، اندیشمند سوئیسی قرن بیستم که به قلم سیدحسن آذرکار به فارسی برگردانده شده است. بورکهارت که در سال ۱۹۳۵ به اسلام گرویده، پیش از این آثاری در زمینه مابعدالطبیعه، علوم سنتی و علوم متجدد، هنر مقدس، تاریخ و دیگر جنبه‌های گوناگون تمدن‌های سنتی را به نگارش درآورده و همچنین از پیشگامان ترجمه آثار عرفانی به زبان‌های اروپایی است. آذرکار نخستین فارغ‌التحصیل رشته فلسفه علم از دانشگاه شریف در مقطع کارشناسی ارشد است و پیش از این مقالاتی در این زمینه ترجمه و در نشریات مختلف به چاپ رسانده است. وی همچنین مسوولیت گردآوری مقالات و ویراستاری کتاب «نظم و راز» به قلم دکتر محمود بینای مطلق را برعهده داشته و کتاب «جهان‌شناسی سنتی و علم جدید» نیز نخستین اثر ترجمه‌ای او در قالب کتاب است که چندی پیش از سوی انتشارات حکمت روانه بازار شده است. آنچه در پی می‌آید، حاصل گفت‌وگوی ما با او درباره کتاب «جهان‌شناسی سنتی و علم جدید» است.

مترجم «جهان‌شناسی سنتی و علم جدید»:

# بورکهارت خطاهای نظریه یونگ را آشکار کرد

اعماق اعصار فرورفته است و بعد می‌گوید این نکته تناظر روانی ما با حیوانات را توجیه می‌کند. یعنی این روح به زعم یونگ خاستگاه تکاملی دارد و در یک خط مادی واقع شده تا به اینجا رسیده است. نهایتاً باید بگویم درست است که یونگ بنای نظریات فروید را فرومی‌ریزد ولی نتیجه‌ای که می‌گیرد باز اشتباه است. لاقط سودی به نفع دینداران ندارد. یونگ جمله‌ای دارد که بورکهارت هم در این کتاب در ابتدای مقاله اش نقل کرده، با این مضمون که «موضوع علم روان‌شناسی، روان است و متأسفانه همین روان مدرک این علم نیز هست.» بورکهارت در آخر این مقاله مثالی زده و گفته این حرف مثل رفتار احمقانه آدمی است که می‌خواهد با گرفتن موهایش خود را از مرداب بیرون بکشد. یعنی ما اگر بخواهیم چیزی را بررسی کنیم باید از یک مرتبه بالاتر به آن نظر کنیم. یونگ می‌خواهد این روح را با خود همان روح بشناسد و این اشتباه است و در واقع به نسبی‌گرایی منتهی می‌شود.

به این ترتیب بورکهارت روان‌شناسی را به طور کلی مردود می‌داند؟

روان‌شناسی جدید را بله. او معتقد است اگر ما می‌خواهیم روان را بشناسیم باید با یک ابزار بالاتر از روان به سراغش برویم، یعنی با عقل کلی و روح مطلق آن را بشناسیم. با خود نفس نمی‌توانیم سراغ نفس برویم و آن را بشناسیم.

از دیدگاه سنتی میان جسم، نفس، روان و روح تفاوت وجود دارد و ساحت‌هایشان از نظر دینی فرق می‌کند. ما یک جسم داریم که این جسم فردی است، یک نفس هم داریم که در مرتبه بالاتری از جسم قرار دارد. نفس مادی نیست ولی فردیت دارد. در مرتبه بعد چیزی داریم به نام روح که ساحت روح ساحت فردیت نیست. روح یک حقیقت متعالی فوق فردی و فوق صوری است و یکی از مشکلات روان‌شناسی جدید این است که بین اینها تمایزی نمی‌گذارد. بعد از دکارت آنچه مطرح شد این بود که ذهن را در مقابل جسم قرار دادند و قراردادن این دو در مقابل هم، انعکاسش در حوزه معرفت‌شناسی شد قرار گرفتن سوژه در مقابل ایزه. اما از نظرگاه سنتی با نظرگاه‌های ادیان، عوالم جسم، نفس و روح از نظر علت و معلولی ارتباط طولی دارند و در عرض همدیگر نیستند در حالی که در روان‌شناسی جدید به این موضوع قائل نیستند.

در مجموع آیا می‌توان این طور نتیجه گرفت که کتاب بورکهارت خوانشی از تفکر سنتی با ادبیات امروز است؟

بله، او با زبان امروزی صحبت می‌کند و حقیقتی را بیان می‌کند که ازلی و ابدی است. خدمتی که امثال بورکهارت کردند همین است که مفاهیمی را که طی سیصد-چهارصد سال به فراموشی سپرده شده بازگو می‌کنند. البته این اثر، رساله خیلی کوتاهی است، که محتاج شرح و بسط است. درست مثل «گلشن راز» شیخ محمود شبستری که تمام عرفان اسلامی را در هزار بیت خلاصه کرده است. این کتاب نه تنها در مبحث روان‌شناسی بلکه راجع به فیزیک و نظریه تکامل هم حاوی مطالب پرمغزی است که شبایسته است برایش شرح نوشته شود و مباحثش تفصیل پیدا کند.



آن را آشکار کرده‌اند، این است که یونگ می‌گوید این سمبل‌ها در ناخودآگاه ما از زمانی که آمیب‌ها شروع به تکامل کرده‌رسوب کرده‌اند و به مارسیده‌اند، در واقع او به جای این که حقایق معنوی را به خاستگاهی فوق بشری و مافوق طبیعت (که همان نظرگاه دینی است) منتسب کند در توجیه آنها به یک نظرگاه تکاملی مادی متوسل می‌شود که لاقط از دیدگاه دینی مردود است.

اما خود یونگ به صراحت به مسئله روح اذعان دارد و حتی در جایی می‌گوید: «هن روح را وارد روان‌شناسی جدید کردم و به همین دلیل هم مغضوب غربی‌ها شدم!»

بله، اما روح به زعم یونگ یک خاستگاه مادی دارد؛ یعنی در یک خط تکاملی مادی واقع شده تا به اینجا رسیده است اما روحی که مورد اشاره دین است از عالم بالا است. یونگ حداقل در حوزه پژوهش‌های خود کاری به عالم بالا ندارد و چنان که خودش هم می‌گوید کار علمی و تجربی می‌کند. بد نیست این نکته را هم یادآوری کنم که بورکهارت در این کتاب نقل قول مستقیمی از یونگ به این مضمون دارد که: «وجود ناخودآگاه جمعی صرفاً عبارت است از تجلی روانی یکسانی ساختارهای مغزی که ورای تفاوت‌های نژادی است؛ یعنی تمام بشر یک ساختار روانی ثابت دارند.»

اما این ساختار روانی ثابت در نظر یونگ به تجربه‌های مشترک نظر دارد نه به ساختار مشترک! یونگ در این باره مثالی هم می‌زند: این که کسی در خواب از یک حیوان درنده مثل شیر می‌ترسد، بدون آن که هرگز در واقعیت با هیچ شیری روبه‌رو شده باشد این ترس دلالت بر همان ترس نیاکان ما در مواجهه با نپیره‌های طبیعی دارد که در ناخودآگاه جمعی ما ثبت شده است. درست است؟

از نظر یونگ همین ساختار روانی مشترک باعث تجربه‌های روانی مشترک است. اما مشکل یونگ این است که این ساختار روانی مشترک به اصطلاح خودش را می‌خواهد به یک منشأ مادی پیوند بزند. یونگ می‌گوید شاخه‌های مختلف تکامل روانی از تنه واحدی آغاز شده است که ریشه‌های آن در

مگر نه این است که رابطه ما با حقیقت به واسطه همین شناخت ایجاد می‌شود؟ اگر این مسأله را نسبی کنیم، یعنی اگر شناخت را نسبی بدانیم دیگر منطقاً نمی‌توان حرفی را زد که راه به حقیقت برد. چرا که اصولاً نسبی‌گرایی در حالت رادیکال، ناقض خود است. یکی از تناقضات دنیای جدید که گنون هم به آن اشاره کرده، همین است. او در کتاب «سیطره کمیت» یکی از خصوصیات دنیای جدید را تناقض‌گویی‌هایی می‌داند که در آن وجود دارد. دیدگاه اصحاب جاودان خرد نیز بر این مبنا پایه‌ریزی شده که حقیقت مطلق است و چیزی غیر از حقیقت نیست و درک این حقیقت نیز برای بشر امکان‌پذیر است اما در معرفت‌شناسی جدید بعد از کانت اصلاً راه رسیدن به حاق امور برای بشر سد شده است. اساساً اختلاف بین دو دیدگاه قدیم و جدید بر سر این نکته است که دیدگاه جدید تمام عوالم وجود را به عالم مادی تقلیل می‌دهد و در ورای آن به چیز دیگری معتقد نیست و اشکال دیگر این است که «عقل (Intellect)» را محدود به همین عقل جزئی (Reason) یا عقل استدلالی می‌کند در حالی که در دیدگاه سنتی، عقل جزئی، بخشی و سایه‌ای از عقل کلی است. با عقل جزئی نمی‌شود به حقایق امور رسید، ولی با عقل کلی می‌توان و این همان چیزی است که در دنیای متجدد فراموش شده است.

بخش عمده‌ای از این کتاب به نقد روان‌شناسی جدید اختصاص دارد. سوال این است که چرا بورکهارت سراغ یونگ رفته، در حالی که به نظر می‌رسد فروید به دلیل قائل بودن به خاستگاه زیستی در روان‌شناسی، تضاد بیشتری با تفکر سنتی بورکهارت دارد؟

تضاد فروید با دین، تضادی آشکار بود اما تضادی که آرای یونگ با تفکر دینی داشت به نوعی پشت یک نقاب پنهان شده است. آنچه یونگ درباره نمادها و سمبل‌های دینی می‌گوید - و معتقد است که این نمادها یونیورسال و جهانی هستند - تا سازوکار روانی انسان را از این طریق تحلیل کند، حرفی است درست. اما خطای یونگ که افرادی مثل بورکهارت

سوال اولم درباره عنوان این کتاب است. عبارت «جهان‌شناسی» که برای عنوان کتاب به کار رفته مترادف همان جهان‌بینی است یا در اینجا معنای دیگری دارد؟

این دو واژه به رغم این که در برخی از متون به یک معنا به کار برده شده‌اند، دو معنای متفاوت دارند. جهان‌بینی، ترجمه عبارت «worldview» به معنای مجموعه عقاید، باورها و نظرگاهی است که هر کس نسبت به عالم هستی دارد اما جهان‌شناسی ترجمه‌ای است از واژه یونانی (cosmology) اما کوسمولوژی به معنای امروزی آن شاخه‌ای از علم فیزیک جدید و یکی از متفرعات آن است و علمی تجربی است که به مسائلی از این دست می‌پردازد که منشأ جهان کجاست، این عالم چگونه تکوین پیدا کرده و به این شکل درآمده و نهایتاً تئوری‌هایی را ارائه می‌دهد، اما این تئوری‌ها بر مبانی مادی و تجربی استوار است ولی کوسمولوژی (جهان‌شناسی) معنای دیگری در نزد قدما داشته و برای این که این معنا با معنای رایج در فیزیک جدید اشتباه نشود، عنوان کتاب «جهان‌شناسی سنتی» قید شده است.

در دیباچه‌ای که بر این کتاب نوشته‌اید به این نکته اشاره کرده‌اید که آنچه این رساله را از دیگر آثار احیاناً مشابه ممتاز می‌کند، نقدی است که بورکهارت بر سه شاخه اصلی علوم جدید، یعنی فیزیک، زیست‌شناسی و روان‌شناسی دارد. این نقد مشخصاً با چه رویکردی صورت گرفته است؟ بورکهارت از دیدگاه یک حکیم سنتی، علم جدید را نقد می‌کند و مواجهه او به گونه‌ای است که مثلاً اگر ملاصدرا امروز زنده بود و می‌خواست چنین کاری کند، به همین نحو با علم جدید روبه‌رو می‌شد. یعنی بورکهارت نیامده از دید یک فیلسوف علم امروزی علم جدید را بررسی کند، بلکه خودش را در جایگاه یک حکیم سنتی قرار داده و از آن زاویه به سنجش و داوری علم جدید پرداخته است، نه با ابزارهای فلسفی مدرن مثل فلسفه تحلیلی یا هر فلسفه دیگری که امروز در دست داریم. کسانی که در این زمینه کار کرده‌اند مثل رنه گنون (که پیشقراول این قافله است) و فریتهوف شوان با بورکهارت یا دکتر سید حسین نصر، همگی همین دیدگاه را داشته‌اند.

چه ضرورتی برای این گونه مواجهه وجود دارد؛ یعنی این که ما بخواهیم از دید حکمای سنتی جهان امروز را نقد و چند قرن تجربه تاریخی را از آن حذف کنیم؟

اتفاقاً تفاوت دیدگاه اصحاب حکمت خالده و جاودان خرد با فیلسوفان مدرن هم همین است، یعنی آنها معتقدند که حقیقت همیشه هست، بوده و خواهد بود. حقیقت یک امر تاریخی و زمانمند نیست که مثلاً زمان این سینا صحت داشته و امروز باطل شده باشد و بورکهارت هم معتقد است که تفکر و نگاه متجدد و جهان‌بینی که علم جدید ایجاد کرده، دچار چنین اشتباهی شده است.

یعنی معتقد است که تفکر جدید می‌خواهد نگاه نسبی به حقیقت داشته باشد؟

بله، دقیقاً. اما وجه غالب تفکر مدرن این است که خود حقیقت را امری مطلق و معرفت به آن را نسبی می‌داند.

# انسان چگونه برای خودش مساله شد

گابریل مارسل، اندیشمند فرانسوی، از آن دست فیلسوفانی است که در ایران بسیار کم شناخته شده. همچنین از مارسل تاکنون دو کتاب به زبان فارسی به نام‌های تئاتر و دین به ترجمه جلال ستاری توسط انتشارات نمایش در سال ۱۳۸۶ و فلسفه اگزیستانسیالیسم به ترجمه شهلا اسلامی توسط انتشارات نگاه معاصر در سال ۱۳۸۶ چاپ شده است.

کتابی نیز به نام گابریل مارسل درباره وی توسط سم کین نوشته شده که مصطفی ملکیان آن را ترجمه کرده و در سال ۱۳۷۵ توسط انتشارات گروس در مجموعه آشنایی با کلام جدید به چاپ رسیده است. اما اخیراً کتاب «انسان مساله گون» به همت انتشارات ققنوس و برگردان بیتا شمسینی به بازار عرضه شد. این کتاب ترجمه‌ای از متن فرانسه یک مجموعه سخنرانی مارسل است که نسخه فرانسوی آن در سال ۱۹۵۵ میلادی چاپ شد و ترجمه انگلیسی آن ۱۲ سال بعد در ۱۹۶۷.

این کتاب دو بخش عمده دارد، یکی به مفهوم «انسان مسئله گون» پرداخته و دیگری به مفهوم تشویش و دلهره انسان نزد فیلسوفان، شاعران و کتاب مقدس. در بخش نخست بنا بر روال همیشگی مارسل، بحث از یک موقعیت کاملاً انضمامی آغاز می‌شود. انسانی را در نظر بگیرید که همه چیز از مال و مقام و خانواده داشته اما به ناگهان همه آنها را از دست می‌دهد، به نابودی کشیده می‌شود و ناگهان مکان خواب خود را در خوابگاهی عمومی می‌یابد. به نظر مارسل در چنین شرایطی است که یک انسان برای خود تبدیل به مساله می‌شود و از خود می‌پرسد که من کیستم و زندگی ام چه معنایی دارد؟ جالب این که به چنین انسانی نمی‌توان پاسخی درخور داد مگر آن که موقعیت ویژه وی را تجربه کرد و چنین چیزی هم برای هر انسان دیگری ناشدنی است. درست به همین خاطر است که دیگر پاسخ‌های کلیشه‌ای مانند این که «انسان حیوان ناطق است» پاسخگوی پرسش این فرد نیست؛ چرا که پرسش وی کاملاً برآمده از نحوه خاص بودنش یا همان حالات اگزیستانسیال او است و در نتیجه هر پاسخی به پرسش وی باید این حالات خاص را در نظر گرفته باشد. این فرد در گذشته می‌دانست که کیست و چرا هست، اما اکنون خلأ مطلق در برابرش قدر برافراشته و او را مبهوت کرده است، چنین فردی در آستانه گسترش بی‌معنایی‌ای آهسته و پیوسته است و تمام اموری که تا پیش از این به‌هنگامی دیده، از این پس در برابر دیدگانش صرفاً هنجارهایی اند که به لطف برقراری شرایطی بسیار خاص این گونه‌اند و در واقع می‌توان گفت خود واژه به‌هنگام برای وی از معنا تهی شده است.

مارسل با استفاده از این مثال ما را به وضعیت کنونی انسان معاصر رهنمون می‌شود. یعنی به انسانی که دیگر خود را در آینه درونش نمی‌تواند ببیند و سردرگم شده است. البته باید در نظر داشت که این سطح از بینش که وی آن را سطح تفکر پرسشگرانه و متأملانه می‌نامد امری نیست که همگان آن را تجربه کنند ولی گرچه تنها عده اندکی آن را تجربه می‌کنند، نمی‌توان دیگران را از تاثیر آن بی‌بهره دانست. مارسل برای ریشه‌یابی علل پیش آمدن چنین وضعیتی، به ناچار به تاریخ‌نق می‌زند و در نهایت با یاری گرفتن از اندیشه نیچه به این نتیجه می‌رسد که اساس این وضعیت، ریشه در متافیزیک و جداشدن انسان از مرجعیت الهی‌اش دارد؛ نتیجه نهایی آن نیز جدایی او از مرجع الهی خویش و رسیدن به گمگشتگی است. اما راهکاری که وی ارائه می‌دهد، جدای از راهکاری است که نیچه، سارتر یا حتی هایدگر ارائه می‌دهند. فرمالیسم در اخلاق کانتی و نیز رها کردن خود از مفهوم خدایی، که علت است از مبادی عزیمت این فیلسوف برای رسیدن به راهکار خود است که در

آن، انسان با پرسش از خود به آگاهی دینی و فروتنی در برابر فیض الهی می‌رسد. در همین راستا بر خورد اندیشه‌های مارسل را با فیلسوفانی چون نیچه، سارتر، هایدگر، کانت و جریان‌های فکری‌ای چون مارکسیسم، پوزیتیویسم و ایده آلیسم نیز به نظاره می‌نشینیم. در این بخش، با محور قرار گرفتن مفهوم تشویش و دلهره در برابر هم، به تصویر آشکاری از مفهوم تشویش نزد مارسل و اهمیت آن در ساختار اندیشه وی می‌رسیم. در این بخش وی به ارزیابی مفهوم تشویش نزد کسانی چون رواقیون و به دنبال آنها اسپینوزا، سنت آگوستین، پاسکال، کی‌یرکگور، نیچه، هایدگر، سارتر، گوته، آندره ژید و همچنین کتاب مقدس می‌پردازد.

منظور مارسل از تشویش امری مثبت و فعال است، در حالی که برای وی دلهره امری منفی و منفعلانه است. به دیگر سخن، درست است که در هر دو حالت بانوعی اضطراب روحی و روانی روبرویم که در شخص، حالتی ناپایدار ایجاد می‌کند اما تشویش برخلاف دلهره راهی برای برون رفت از این وضعیت را می‌جوید و به ازای آن عمل می‌کند، در حالی که دلهره صرفاً باعث انفعال و ماندن در وضعیت موجود می‌شود.

در واقع تشویش می‌تواند به نوعی کیفیت نفسانی فعال که از ایمان بهره دارد تبدیل شود و حیات معنوی را در انسان زنده کند. حیاتی که از نگاه مارسل، ما را به وحدت و یکپارچگی‌ای می‌رساند که به واسطه دنیای کنونی آن را از دست داده‌ایم. لازم به ذکر است که مارسل مفهوم تشویش را درست در برابر مفهوم دلهره نزد کی‌یرکگور و حتی سارتر قرار می‌دهد و تقابل خود را با آن نشان می‌دهد. در پایان، او راه خود را بدین طریق باز می‌کند که نخست با معارضه با تصویر کارکردگرایانه از انسان، نشان می‌دهد که تشویش، بیماری یا نقصی در انسان نیست و از سوی دیگر می‌گوید گرچه تشویش فی نفسه امر خوبی نیست اما اگر نباشد نشانه امر خطرناکی است. چرا که انسان بدون تشویش انسانی است که به مقصد رسیده است در حالی که انسان همواره در راه است و این راه راهی است که او را به فیض الهی و ایمان می‌رساند. با نگاهی اجمالی به کل ترجمه بیتا شمسینی از «انسان مسئله گون» می‌توان فهمید که با ترجمه‌ای روان و خوش‌خوان روبرویم که در آن تلاش شده تا مفاهیم، هر چه بهتر و شفاف‌تر به خواننده منتقل شوند. از دیگر مزایای این ترجمه، برگردان آن از زبان اصلی متن یعنی زبان فرانسه است. ترجمه متون فلسفی از زبان اصلی - و نه زبان واسطه - یکی از مهم‌ترین عوامل در دریافت کامل‌تری از نظریات اندیشمندان تاثیرگذاری چون مارسل است. در کنار این مزایا، کاستی‌هایی هم به نظر می‌آید که با برطرف شدن‌شان در چاپ‌های بعدی کمک بسیاری به بالابردن ارزش کتاب در زبان فارسی می‌شود. نخست این که کتاب هیچ‌یک از فهرست‌های تکمیلی چون فهرست نام‌ها، کتاب‌ها و مکان‌ها را ندارد، آن هم در کتابی که نویسنده مبنای کار خود را تاریخی - تطبیقی قرار داده و در ارزیابی هر مفهومی به کتاب‌ها و نویسندگان مختلف اشاره کرده و ارجاع داده است.

دیگر این که با توجه به ناشناخته بودن اندیشه مارسل در میان ایرانیان، به نظر می‌رسد اضافه نمودن درآمدی آشناگر با اندیشه مارسل می‌تواند برای خوانندگان مفید باشد، چرا که وی مفاهیمی را ارائه کرده که خواننده فارسی‌زبان با آنها در کتاب‌های دیگر آشنا نشده است. نظیر این کار را می‌توان در بسیاری از ترجمه‌های انگلیسی‌زبان از زبان‌های دیگر مشاهده کرد که ابتدا مترجم، اطلاعاتی در مورد نحوه ترجمه و نیز برابر نهادها ارائه می‌کند و سپس در ادامه با آوردن مقدمه‌ای درباره اندیشه نویسنده، سعی در آشناسازی خواننده



خود با متن پیش رو می‌کند. همچنین آوردن اطلاعاتی مانند کتاب‌شناسی نویسنده و نیز کتاب‌های نگاشته شده درباره وی نیز می‌تواند مفید باشد. دیگر این که اطلاعات ارائه شده درباره متن اصلی نیز ناقص است و معلوم نیست متن اصلی در چه زمانی و توسط چه ناشری به چاپ رسیده و مبنای ترجمه کدام یک از ویراست‌های چندگانه کتاب بوده است. نکته دیگر این که در پایان کتاب، واژه نامه فارسی - فرانسه و بالعکس

نداریم تا بتوان مطالعه‌ای تطبیقی در اصطلاح‌شناسی اثر انجام داد گرچه بیشتر اصطلاحات به کار رفته در متن کتاب در پاورقی ذکر شده‌اند. امید است با از بین بردن کاستی‌های پیش گفته که هیچ‌یک از اصالت ترجمه مترجم کم نمی‌کند، شاهد ویرایش منقح‌تری از این اثر باشیم. گابریل مارسل (۱۸۸۹-۱۹۷۳) فیلسوف، نمایشنامه‌نویس، منتقد ادبی و آهنگساز فرانسوی، یکی از برجسته‌ترین کسانی بود که از خلال آثار نوشته‌هایش، گرایشی شکل گرفت که آن را اگزیستانسیالیسم خواندند. گرچه او هم مانند دیگر هم‌فکرانش این نام را به عنوان مکتب فکری خود نپذیرفت و همواره از آن دوری می‌گزید و اصرار داشت که به جای آن فیلسوفی نوسقراطی خوانده شود. البته امروزه بیشتر مر سوم است که وی را تحت نام اگزیستانسیالیسم مسیحی طبقه‌بندی کنند چرا که در برابر اگزیستانسیالیست‌های خداناباور چون سارتر و کامو، وی گرایشی آشکارا مسیحی، کاتولیک و خداپاورانه داشت. آثار باقی مانده از وی را می‌توان دربرگیرنده سخنرانی‌ها، نوشته‌هایی در مجلات و نشریات، حدود ۳۰ نمایشنامه و برخی تبعات فلسفی دانست. وی فیلسوفی سیستماتیک نبود، گرچه در دانشگاه به طور پراکنده درس می‌داد اما میل چندانی به آن نداشت و بیشتر عمر خود را به تجربه کردن و کار در مجلات به عنوان منتقد ادبی گذراند. از میان آثار مشهور وی می‌توان دو اثر «راز هستی» که مجموعه سخنرانی‌های وی در سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰ است و «هستی و داشتن وفاداری خلاق» را نام برد.

## کتاب هفته

### پست جواب قبول

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۹۵ - ۱۳۱۸۹ پرداخت شده است

خانه کتاب ایران  
نشریه کتاب هفته  
صندوق پستی: ۳۱۳ - ۱۳۱۴۵

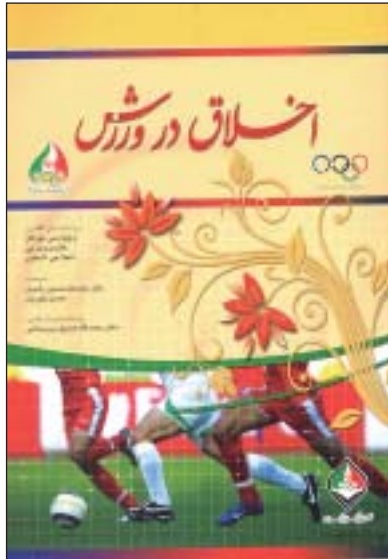
## نظرسنجی از خوانندگان

### محل چسباندن لبه کاغذ

کتاب هفته، با هدف رسیدن به انتظارات و کسب رضایت هر چه بیشتر شما مخاطبان و خوانندگان گرامی نیازمند آگاهی از نظرات شماست. لطفاً پس از تکمیل فرم نظرسنجی پشت صفحه، برگه را از نشریه جدا کرده و پس از تا کردن از محل نقطه چین، لبه‌های آن را بچسباندید و بدون تمبر در صندوق پستی ببندازید.



# تمرینی که پایان ندارد



به عقیده نویسندگان کتاب، پاسخ درست به ناتوانایی‌های اخلاقی فعلی ورزش، سپردن آن به دست تیغ جراحی و بازاندیشی اخلاقی است، نه حذف آن با حمله‌ای خشونت آمیز یا دفاع از آن و سر را به زیر برف کردن.

پاسخ به سه پرسش اساسی، در جریان بررسی اخلاقی ورزش در این کتاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، این که انسان‌ها در موقعیت‌های ورزشی چگونه باید با یکدیگر رفتار کنند، چگونه باید خود را از لحاظ انفرادی و جمعی برای رسیدن به برتری ورزشی هماهنگ سازند و دیگر این که چگونه می‌توان ورزش را با آن چشم انداز گسترده‌اش، از لحاظ اخلاقی ارزیابی کرد؟

ممکن است مخاطب هنگامی که خودش را با یک کتاب حجیم ۷۱۶ صفحه‌ای در حوزه اخلاق ورزشی روبه‌رو می‌بیند، این سوال به ذهنش بیاید که به احتمال زیاد بحث‌های کتاب باید از دایره ورزش فراتر رفته باشد و تا حدودی نویسندگان به عرصه اندیشه و جامعه‌شناسی پا گذاشته باشند، اما واقعیت این است که تنوع موضوعی در مبحث اخلاق در ورزش، مطالعه این کتاب را برای مخاطب جذاب کرده است.

به طور مثال، هنگامی که صحبت از «بازی جوانمردانه» به میان می‌آید، روحیه ورزشکاری به عنوان مقوله‌ای اخلاقی مطرح می‌شود، مطالبی درباره برنده شدن و برتری ورزشکارانه به رشته تحریر درمی‌آید یا تاملاتی درباره موفقیت و شکست در ورزش رقابتی صورت می‌گیرد، همچنان نویسندگان مبحث کلامی اخلاق را با بیانی ساده و شیوا دنبال می‌کنند و آنگاه است که ورود به مبانی علمی نظیر «گوش فرادادن به استرویدها» و «رقابت خوب و اجرای برتر با مصرف مواد نیروزا را نوید می‌دهد و خواننده متوجه می‌شود که کسی یا کسانی قصد نصیحت بی پایه او را ندارند.

از جمله فصل‌های چالش برانگیز این کتاب، مبحث «برابری جنسی» در ورزش است. به عقیده نویسندگان، چگونگی تضمین برابری جنسی زنان در ورزش با در نظر گرفتن تفاوت‌های جسمانی، امری واقعاً پیچیده است.

آنها معتقدند حتی هویت جنسی به دلیل آن که تردیدهایی را درباره برابری جنسی به وجود می‌آورد، آزاردهنده است. زیرا اگر زنان گام‌های بلندتری را در شکستن موانع حضور آنها در ورزش بردارند،

برگردانده شده و از سوی انتشارات کمیته ملی المپیک ایران به چاپ رسیده است.

در نخستین نگاه می‌توان گفت ساده نویسی و پرهیز از شعارزدگی، ویژگی این اثر است.

به طور مثال، وقتی نویسندگان اثر قصد دارند مدخلی را برای ورود به مقوله اخلاق در ورزش ایجاد کنند، به راحتی به ذکر مثال‌هایی از معضلات اخلاقی در کشور آمریکا می‌پردازند، وقایعی که نواقص اخلاقی زندگی آمریکا را نشان می‌دهد؛ نظیر حادثه خفه کردن لاترل اسپریول رسوایی گاز گرفتن گوش در مسابقه مشتزنی تاپسون. هالی فیلد، حادثه بیسبال دانشگاه‌ها که در آن یک ضربه زننده از ایالت ویجیتا با اشاره آشکار مربی اش، توپی را به سمت زننده‌ای بی‌خبر از دانشگاه اونسویل که در ۹ متری ایستگاه خود در حال تمرین ضربه زدن بود، پرتاب کرد و به کاسه چشم او آسیب رساند. همچنین رسوایی رشوه خواری برای اعطای امتیاز برگزاری بازی‌های المپیک زمستانی سال ۲۰۰۲ به شهرسالت‌لیک ادر حقیقت نویسندگان با این کار به نوعی از برهان خلف برای ورود به مبحث ضرورت رعایت اخلاق در ورزش استفاده کرده‌اند و قلب و ذهن خواننده را از ابتدا با خود همراه ساخته و از این جهت نحوه نگارش آنها به شیوه نگارش فیلمنامه‌های روشن و شفاف شبیه شده است.

مک اینتایر در کتاب «در جست و جوی فضیلت» فعالیت را این گونه تعریف می‌کند: «هر شکل منسجم و پیچیده‌ای از تلاش همکاری انسانی و اجتماعی که از طریق آن خوبی‌های درونی آن شکل از تلاش، در دستیابی به معیارهای برتری محقق می‌شود. معیارهایی که با آن شکل از تلاش مناسب و تاحدودی تعریف شدنی‌اند و نتیجه آن این است که توانایی انسان در دستیابی به برتری و برداشت‌های انسانی از آرمان‌ها و خوبی‌های مرتبط، به طور منظم افزایش می‌یابند.»

این تعریف از سوی بسیاری از صاحب نظران تایید شده است. اندکی تامل و تعمق در این تعریف، روشن می‌کند استفاده از کلماتی نظیر «تلاش همکاری‌انسانه انسانی و اجتماعی» و همچنین «برداشت‌های انسانی از آرمان‌ها و خوبی‌های مرتبط» بر مقوله اخلاق گرای و رعایت موازین تعریف شده اخلاقی، ضرورتی آنکارناپذیر در یک فعالیت است. اگر مبحث فعالیت به گستره ورزش و تربیت بدنی بسط داده شود، بدون شک اخلاق گرای و اخلاق مند بودن، یکی از محورهای اصلی و اساسی ورزش است؛ موضوعی که در کتاب «اخلاق در ورزش» به آن پرداخته شده است.

این کتاب اثر ویلیام جی. مورگان، کلاس وی. میر و آنجلاجی. اشنایدر است که توسط دکتر سید محمدحسین رهبری و محسن بلوریان به زبان فارسی

## خواننده گرامی

با سلام

با دریافت نظرات شما در فرم زیر، بی‌تردید بر کیفیت نشریه خواهیم افزود. کتاب هفته را از برکت نظرات و پیشنهادات خود بهره‌مند کنید.

ردیف	عنوان	وضعیت			
		ضعیف	متوسط	خوب	عالی
		۵	۱۰	۱۵	۲۰
۱	شیوایی مطالب				
۲	جدید بودن مطالب				
۳	پرمحتوا بودن مقالات				
۴	نحوه اطلاع رسانی در مورد کتاب‌های جدید				
۵	نحوه اطلاع رسانی در حوزه کتاب				
۶	کیفیت طراحی و صفحه‌آرایی				
۷	کیفیت چاپ				
۸	قیمت				
۹	در دسترس بودن				

چنانچه شاهد برخی کمبودها در این رابطه بوده‌اید، لطفا موارد آن را بیان کنید:

نکات مثبت و ویژه‌ای که در این رابطه مورد توجه شما قرار گرفته و مایل به حفظ و تداوم آن هستید را بیان کنید:

سایر موارد:

تکمیل کننده:

تاریخ:

امضاء:

به سختی می‌توانند جهت گیری برتری فیزیکی مردانه در ورزش را بکاهند. زیرا این اعتقاد وجود دارد که ورزش همچنان به عنوان سنگری مردانه عمل می‌کند، سنگری که به نفع برتری جسمانی مردان و اشکال سنتی رفتار و برتری ورزشی مردان است.

یکی از مصداق‌هایی که همواره مقوله ورزش را در حوزه اخلاق با چالش‌هایی بزرگ روبرو کرده، رشته ورزشی مشتزنی (بوکس) است. این که آیا این ورزش به خودی خود غیر اخلاقی نیست یا اینکه اصول اخلاقی در آن تا چه حد و اندازه وجود دارد. اولین چالش مربوط به مشتزنی این است که آیا می‌توان آن را یک ورزش قلمداد کرد؟ آیا فعالیتی که هدفش ناتوان ساختن حریف است، می‌تواند یک ورزش به حساب بیاید؟

برای پاسخ دادن به این سوال در این کتاب، ابتدا توضیح داده می‌شود که مشتزنی به دلایل گوناگون یک رشته ورزشی محسوب می‌شود، اما در ارزیابی اخلاقی این ورزش باید به هر دو جنبه پرداخت؛ یعنی مخالفت‌های اخلاقی که با این رشته انجام می‌شود و هم چنین بیان استدلال‌هایی که برای مقبولیت این ورزش طراحی شده‌اند.

در بخشی از این فصل با عنوان (توحش مشتزنی) آمده است: گاهی استدلال می‌شود که دلایل اجتماعی محکمی برای ممنوع ساختن مشتزنی وجود دارد که حتی برخی از این دلایل ناشی از تأثیرات این ورزش بر مشتزن‌ها یا تماشاگران مستقل هستند. این استدلال ناشی از این ایده است که مشتزنی فی نفسه وحشیانه و دور از تمدن است. مشتزنی یادآور زمانی است که ارزش یک مرد بر حسب چالاک‌های فیزیکی و پرخاشگری او تعریف می‌شد، و زمانی که ممکن نبود این چالاک‌ها و شجاعت را در میدان نبرد نشان داد، میادین ورزشی به میان می‌آمد تا مردان برای نشان دادن نیروی خود از آن استفاده کنند.

مشتزنی وسایل ارضای امیال پست تر انسان برای نشان دادن ارزش خود از طریق پیروزی یا تخریب فیزیکی دیگری و برای لذت عارضی تماشاگری که چنان پرخاشگری و خشونت را بی‌پرده و حفاظ می‌بیند، فراهم می‌کند. در نتیجه حتی اگر واقعا هیچکس خشونت را در نتیجه تماشا و مشاهده مسابقه مشتزنی انجام ندهد، بازهم این ورزش می‌تواند احساسات و هیجاناتی را که بهتر است خفته بماند، بیدار کند.

از جمله فصل‌هایی که به نوعی خواننده را به خواندن ادامه کتاب ترغیب می‌کند، نگرش نویسندگان اثر به مسوولیت‌های اخلاقی انسان‌ها در قبال حیوانات است؛ به طور مثال آنان سعی می‌کنند به این پرسش اساسی پاسخ بدهند که آیا حیوانات از منافع اخلاقی (درد و رنج) یا حقوق (زیستن بدون محدود شدن توسط انسان‌ها) برخوردارند تا استفاده از آنها توسط انسان‌ها در ورزش محدود یا غیرقانونی شود.

از دیگر ویژگی‌های این اثر استحکام ویرایش علمی متن کتاب هنگام برگرداندن به زبان فارسی است که دکتر رحمت‌الله صدیق سروستانی از متخصصان حوزه تربیت بدنی و ورزش آن را به سرانجام رسانده است.

چاپ نخست کتاب «اخلاق در ورزش» با شمارگان ۲ هزار نسخه، ۷۱۶ صفحه و قیمت صد هزار ریال از سوی انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران منتشر و روانه بازار نشر شده است.



گزارشی از نرم افزارهای ارائه شده در هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم

# تکنولوژی برای بهره مندی از علوم دینی

دینی از طریق تلفن همراه آنچنان چشمگیر بود که شرکت همراه تهران، یکی از حاضران در نمایشگاه، اولین تلفن همراه اسلامی را عرضه کرد.

ایمان یوسفی کارشناس بخش نرم افزار و مسوول فروش این تلفن همراه در نمایشگاه، می گوید: «این تلفن همراه، نسل آخر تلفن همراه دنیاست که بالاترین درجه CPU را دارد. کسانی می توانند از چنین تلفنی که همانند یک کامپیوتر جیبی کوچک است، استفاده کنند که با رایانه، اینترنت و کمی هم زبان انگلیسی آشنا باشند»

وی با اشاره به آن که قبلا دستگاه های قرآن دیجیتال مثل Reader و Player ها را تولید می کردند، می گوید: «این دستگاه ها دیگر قدیمی شده اند و با پیشرفت تکنولوژی باید از تلفن همراه و پردازشگرهای قوی در آنها بهره گرفت. دیگر لازم نیست افراد یک دستگاه اضافی را علاوه بر تلفن همراه خود داشته باشند تا کتاب های الکترونیکی را مطالعه کنند. امروزه تلفن های همراه مانند یک رایانه کوچک برای کاربران امکان مطالعه و جست و جوی مفاهیم علمی مختلف از جمله علوم قرآنی را فراهم می کنند.»

یوسفی در پایان اظهار می دارد: «امردم در کلانشهرها از جمله تهران با مشکل کمبود وقت مواجهند و به همین علت دغدغه فراموشی برخی مسائل دینی وجود دارد، اما استفاده از تکنولوژی روز این امکان را به کاربران می دهد که بدون اتلاف وقت و در هر مکان، از علوم دینی بهره مند شوند.»

بین الملل این موسسه، می گوید: «سایت تیبان حدود ۱۸ علوم دینی و قرآنی را شامل می شود و به کاربران مشاوره می دهد. هر بازدیدکننده ای که در زمینه علوم دینی سوالی داشته باشد، پس از ۴۸ ساعت می تواند پاسخ خودش را دریافت کند.»

همچنین وی از کتابخانه دیجیتالی با ۶۰/۰۰۰ عنوان کتاب و مقاله به زبان های فارسی و انگلیسی در سایت تیبان سخن می گوید و می افزاید: «امکان فیش برداری شخصی در این کتابخانه مهیاست و کاربران می توانند از امکانات مختلف مثل جست و جوی کتاب ها بر اساس نام نویسنده و موضوع مطالب استفاده کنند.» روستایی با اشاره به آن که مخاطبان سایت تیبان فقط بزرگسالان نیستند، می گوید: «بخش مدرسه اینترنتی در سایت مطالبی برای دانش آموزان مقاطع پیش دبستانی تا پیش دانشگاهی فراهم آورده است که معلمان و خانواده هانیز می توانند از آنها استفاده کنند.» روستایی استفاده از مطالب علوم دینی در قالب نرم افزار و وب سایت را سهل الوصول تر می داند و اظهار می دارد: «با کمک فناوری اطلاعات و تکنولوژی روز می توان مطالب مورد نظر از جمله مفاهیم علوم دینی را به راحتی جست و جو کرد و در سریع ترین زمان ممکن به آنها دسترسی یافت. همچنین با ورود تلفن همراه به این عرصه، استفاده از IT (فناوری اطلاعات) فراگیرتر شده است و افراد در هر زمان و مکان می توانند کتاب های حوزه علوم اسلامی را مطالعه کنند.» در نمایشگاه امسال امکان بهره برداری از علوم



ما قرار داده شده که دسترسی به آنها از طریق اکسز «access»ی که از مرکز دریافت می شود، امکانپذیر است، اما کاربرانی که می خواهند به طور دائم از مجلات تخصصی استفاده کنند، باید عضو پایگاه های اینترنتی مربوطه شوند سپس با دریافت اکانت های ۳، ۶ یا ۱۲ ماهه از مطالب موجود بهره برداری کنند.»

سجادی نژاد با اشاره به تعدادی از نرم افزارهای قابل تصب روی تلفن همراه که در نمایشگاه قرآن امسال عرضه شدند، آنها را با لوح فشرده و وب سایت مقایسه می کند و می گوید: «نرم افزارهای رایانه ای با حجم بالایی که دارند، قابلیت های برنامه نویسی و پژوهشی خوبی را در اختیار محققان قرار می دهند در حالی که نرم افزارهای تلفن همراه این گستردگی را نداشته و کاربران را با محدودیت فضا و حجم مواجه خواهند کرد. از طرفی کار کردن با تلفن همراه و نرم افزارهای آن بسیار راحت تر است و همیشه می تواند در اختیار کاربران باشد. بنابراین محققان با توجه به نیازهای پژوهشی شان باید نوع نرم افزار مورد استفاده خود را مشخص کنند که اگر در سفر بودند از تلفن همراه و برای پژوهش های تخصصی از کامپیوتر استفاده کنند.»

وی به این پرسش که ارائه نرم افزارهای قرآنی تا چه اندازه به ایجاد فرهنگ دینی در جامعه کمک می کند، اینچنین پاسخ می گوید: «پیامبران الوالعظم و انبیای الهی با مردم هر قوم به زبان خودشان سخن می گفتند و با همان زبان رسالتشان را بیان می کردند. ما نیز امروز موظفیم دین و مسائل آن را با زبان علم روز که همان فناوری اطلاعات، رایانه و اینترنت است برای مردم بگویم تا در این امر موفق باشیم.»

سجادی نژاد در پایان افزود: «شرکت های تولیدکننده نرم افزارهای علوم قرآنی باید از طرف مسوولان و مردم حمایت شوند تا بتوانند محصولات الکترونیکی برتری که پاسخگوی نیازهای دینی مردم باشند را عرضه کنند. مسوولان با اجرای قوانین مالکیت معنوی نرم افزارها، در این امر سهیم خواهند بود و مردم هم با خرید این نوع نرم افزارها، شرکت ها را در تولید محصولات الکترونیکی نوین یاری می رسانند.»

موسسه فرهنگی - اطلاع رسانی تیبان از دیگر شرکت کنندگان در نمایشگاه قرآن امسال بود که بسیاری از فعالیتهای قرآنی خود را در سایت اینترنتی به آدرس [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net) عرضه کرد.

حمید روستایی، مدیر روابط عمومی و امور

اگرچه این روزها هر لحظه بر حجم اطلاعات افزوده می شود، اما دسترسی به آنها به مدد وجود رایانه و اینترنت کار مشکلی نیست. کافی است تنها لحظه ای به اینترنت متصل شوید و واژه ای که درباره آن اطلاعات می خواهید را به یکی از موتورهای جست و جوگر بدهید. پس از آن با دنیایی از اطلاعاتی مواجه می شوید که زمان کافی برای مطالعه همه آنها نخواهد داشت.

از جمله تولیدکنندگان اطلاعات، ناشران فعال در زمینه های مختلف علمی و غیر علمی اند که از پیشرفت تکنولوژی به خوبی بهره گرفته اند. تعداد ناشران اینچنینی که از آنها به عنوان ناشران الکترونیکی یاد می شود، کم نیست و در نمایشگاه های مختلف از جمله نمایشگاه قرآن، شاهد حضورشان بودیم. نمایشگاه قرآن امسال هم مانند سال های گذشته میزبان این ناشران و نرم افزارهای دیجیتالی ارائه شده توسط آنها بود و بازدیدکنندگان و مخاطبان بسیاری را با دنیایی از محصولات الکترونیکی در حوزه علوم اسلامی و قرآنی آشنا کرد. کیفیت و کمیت محصولات این بخش از نمایشگاه با سال گذشته تفاوت بسیاری داشت؛ تفاوت هایی که از پیشرفت تکنولوژی و فناوری اطلاعات در دنیای امروز حاصل می شد و به عرضه نرم افزارهایی با قابلیت های ویژه می انجامید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، یکی از شرکت کنندگان در نمایشگاه بود که ۶۰ عنوان محصول در گروه های نرم افزارهای عمومی، تخصصی، اینترنتی و مجموعه آثار بزرگان را عرضه کرد.

سید مرتضی سجادی نژاد، مدیر نمایشگاه های داخلی این مرکز در این باره گفت: «از جمله نرم افزارهای تخصصی که در نمایشگاه عرضه شدند، می توان به جامع التفاسیر، دانشنامه نبوی، گنجینه روایات نور و جامع الاحادیث اشاره کرد. جامع الاحادیث شامل متن کامل ۳۰۲ عنوان کتاب همراه با ۱۸۳ تفسیر فارسی و ۴۷ ترجمه با ۲۶ زبان خارجی است که امکانات بسیاری دارد. ترجمه فارسی و انگلیسی گویا و امکان جست و جوی پیشرفته در قرآن به ۱۳ زبان از جمله این امکانات است که به کاربران ارائه شده اند.»

وی همچنین از وب سایت های بسیاری که توسط مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی تولید شده اند، نام می برد و می افزاید: «در زمینه نرم افزارهای اینترنتی، وب سایت های زیادی تولید شده اند که می توان به سایت پایگاه مجلات تخصصی نور با نشانی [www.noormags.com](http://www.noormags.com) اشاره کرد. این وب سایت می تواند هزاران مجله تخصصی مختلف در زمینه های قرآن، حدیث، فقه، کلام و... را به صورت تمام متن و تمام تصویر در اختیار کاربران قرار دهد.»

سجادی نژاد در ادامه از کتابخانه نور به عنوان گامی نو در زمینه نشر آثار دینی یاد کرد و افزود: «محققانی که در حوزه دین تالیف کرده اند، می توانند مطالب خود را در قالب یک فایل کامپیوتری نظیر word در اختیار این مرکز قرار دهند تا آنها را به یک نرم افزار مانند نرم افزارهای تولیدی خودمان تبدیل کنیم. چنین روشی از طریق یک موتور جست و جوگر بسیار قوی انجام می شود که حدود ۱۰ تا ۱۵ سال روی آن کار شده و امروز می تواند مورد استفاده محققان علوم دینی قرار گیرد.»

وی استفاده از کتابخانه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی را به دو صورت ممکن می داند و می گوید: «کاربران می توانند با اشتراک رایگان به مدت ۱۵ روز از تمام مطالب پایگاه های اینترنتی ما استفاده کنند. همچنین تعدادی مجلات عمومی در وب سایت های

بنامه تعالی

## نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکو همد، ملت بزرگ ایران و به منظور نکوداشت سی سال آگاهی و بیداری، بیداری و عدالت، بصورت و آزادی و با هدف ثبت آن همه حماسه آفرینی های شور انگیز در حافظه تاریخی بشری، نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه های خلاق، هنرمندانی که خود را در تاریخ و سرنوشت سیهی نشان شریک و دخیل می دانند و اهمیت روشنگری و بازسازی حقایق و وقایع را برای فرزندان امروز و فردا دریافته اند. مناسب با موضوع رویداد انقلاب اسلامی برای انسان معاصر و روش های تریستی، آرمان های ملی و آزادی خواهی، فکرمستیزی و عدالت طلبی، حماسه سازی، ایثار و سایر تاثیرات تمدنی آن در جهان کنونی، آثار مفهومی و شایسته ای را به گنجینه ی ادبیات نمایشی کشور خواهند افزود.

■ مدارک مورد نیاز:

۱. فرم پر شده تقاضای حضور در مسابقه ایران هر نمایشنامه پر کردن یک فرم جداگانه الزامی است.
۲. محدودیتی بر تعداد آثار وجود ندارد.
۳. سه نسخه نایب شده از نمایشنامه به همراه فایل آن در محیط word بر روی لوح فشرده.
۴. یک نسخه عکس پرسنلی نویسنده.

■ جوایز مسابقه:

به منظور حمایت و پشتیبانی معنوی، آثار برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهند شد. همچنین جوایزی به رسم یادبود به ده اثر برگزیده به شرح زیر اعطاء می شود:

۱. سه اثر برگزیده نخست، هر یک ۵۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان
۲. سه اثر برگزیده دوم، هر یک ۲۵۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
۳. چهار اثر برگزیده سوب، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

■ گاه شمار:

۱. ارسال آثار از طریق پست سفارشی ۵ تاریخ ۸۸/۸/۳۰
۲. اعلام نتایج و اهدای جوایز ۵ تاریخ ۸۸/۹/۳۰

فرم تقاضای حضور در نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

نام نویسنده: \_\_\_\_\_ نویسنده

میزان تحصیلات (با ذکر رشته و گرایش): \_\_\_\_\_ شماره تماس (شماره همراه): \_\_\_\_\_

نشانی دقیق پستی: \_\_\_\_\_ با اطلاع کامل از مفاد فراخوان نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران، مدارک فوق را در حجت و درستی ارائه می دهیم.

تاریخ و امضاء: \_\_\_\_\_

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و خیابان جنوبی، ساختمان شماره ۱۱۶۰، طبقه دوم، روابط عمومی صندوق پستی ۱۳۱۵۰-۲۱۳، شماره تماس: ۶۶۹۶۲۲۲-۶۶۱۵۲۵۲



## نبونی / کنوت هامسون

ترجمه: قاسم صنعوی / انتشارات گل آذین / چاپ اول ۱۳۸۸، ۳۲۰ صفحه / ۵۰۰۰ تومان



کنوت هامسون، نویسنده نامدار نروژی و برنده جایزه نوبل در ادبیات، در این اثر، سراغ ماجرای عاشقانه ای پرشوری می رود. این بار، قهرمان اثر، جوانی است به نام نبونی، با مایه های مادی و معنوی اندک، ولی پشتکار و شهامت کاری بسیار که ناگهان دستخوش این جبه طلبی می شود که به دختر کشیش، فرزند تعمیدی ثروتمندترین مالک محل، دل ببازد و خواهان ازدواج با کسی شود که بر خلاف او تحصیل کرده است و با هنر هم آشنایی دارد.

تلاش جوان از سوئی و حادثه ای نامنتظره، بخت مساعد را سراغ او می فرستد: «نبونی» به آرزوی خود می رسد و به راستی هم دختر محبوبش «رزا» به تقاضای او پاسخ مساعد می دهد و نامزدی آن دو اعلام می شود. ولی هامسون ادامه این ماجرای عاشقانه را در کتاب دیگری به نام «رزا» پی می گیرد. او کتاب های «نبونی» و «رزا» را در سال ۱۹۰۸ نوشت. این دو اثر در حقیقت می توانستند یک کتاب یا جلد های یکم و دوم یک رمان را تشکیل دهند، اما شیوه ای که هامسون در روایت این دو اثر به کار برده، مانع از آن می شود که بتوان آنها را در یک مجلد گنجانند؛ یا «نبونی» را جلد اول و «رزا» را جلد دوم اثری واحد خواند. زیرا هامسون اگر در کتاب اول به طور مستقیم و بی واسطه به نقل ماجراها و توصیف شخصیت ها می پردازد، در کتاب دوم، دانشجویی را که نسخه بدل خود نویسنده در دوران خانه به دوشی هایش است به مثابه راوی وارد

صحنه می کند و تمام رویدادها از زبان او نقل می شود. از همین اندک تفاوت که بگذریم، هیچ چیز این دو اثر را از هم جدا نمی کند و نخستین صفحه «رزا» را به راحتی می توان پس از آخرین صفحه «نبونی» خواند. رئیس بودیه استاد دانشگاه و یکی از سرشناس ترین کارشناسان ادبیات نروژ که آثار متعددی هم از نویسندگان این کشور به زبان فرانسه ترجمه کرده طی شرحی درباره «نبونی» این اثر را در حکم پاره اول تابلویی می داند که از دو قسمت تشکیل شده است. به گفته او، در این اثر که در مجموعه آثار کنوت هامسون جایگاهی ویژه دارد، خواننده باز هم طبیعت بزرگ نوردلند، جنگل های آن، جانوران و گیاهان آن، دریا، شب های درخشان تابستانی و سنگینی روزهای زمستانی را در برابر خود می یابد.

## شهر بانو طلا/ انوشه منادی

نشر افق چاپ اول ۱۳۸۸/ ۱۸۴ صفحه / ۳۵۰۰ تومان



نخستین مجموعه داستان انوشه منادی، «ابکنند» در سال ۱۳۷۹ ثمره ۱۰ سال تلاش او با توجه به آموزه های داستان نویسی هوشنگ گلشیری بود. اکنون نویسنده در دومین مجموعه داستانش، شهربانو طلا، سعی می کند با کشف شاخصه هایی نو در روایت مدرن، به سبکی شخصی دست یابد. مخاطبان حرفه ای داستان فارسی طی سال های گذشته، منادی را با رمان «کره طلایی» که درباره حوادث پیش از پیروزی انقلاب اسلامی است و از سوی حوزه هنری منتشر شده بود، می شناسند. علاوه بر این داستان به یاد ماندنی «شغال» هم جزو آثار

بشرسان برخاسته اند و تا یک میلیون و اندی سال به درازا می کشد در این دوران زندگی بر پایه شکارگری و گردآوری خوراک استوار است. این دوره، همزمان با عصر پارینه سنگی فرامی رسد که زندگی از راه کشاورزی و دامپروری می گذرد.

سازمان مدرسالار که به باور نویسنده نخستین فرم سازمان اجتماعی بشر است که در خود نهاد برادرسالار را نیز در بر دارد، در دوره وحشی خوبی و نیمی از بربریت به طور جهان گستر حکم فرماست و در نیمه های بربریت رفته رفته فروپاشی آن آغاز می شود و سامانه پدرسالار به جای آن می نشیند. در این دوره با پایان یافتن عصر بربریت و آغاز شهرگیری «تمدن» نیازها از راه ساخت و داد و ستد کالا برآورده می شود. سامانه پدرسالار تا به امروز نیز پا بر جا مانده است.

کتاب مدرسالاری بخش اول از کتاب تکامل زنان، دستاورد بیست سال پژوهش ایولین رید، نویسنده آمریکایی است.

نویسنده این اثر در دنباله مدرسالاری، در بخشی جداگانه به برادرسالاری می پردازد و در بخش سوم به پدرسالاری که از روزگار پیشین بربریت آغاز می شود و دوره شهرگیری (تمدن) باستانی را می گذراند تا به روزگار کنونی می رسد.

این سه بخش «مدرسالاری»، «برادرسالاری» و «پدرسالاری» زنجیره وار به هم پیوسته و در هم تنیده اند، آن چنان که نهاد مدرسالار و برادرسالار نخستین سازمان اجتماعی بشر را بنیاد نهاده اند و از درون آن سامانه پدرسالار سر برآورده است. برای آن که دانشی گسترده و فراگیر به دست آوریم و از رخدادها و پدیده های بس دیرینه بشری تا به امروز آگاه شویم لازم است هر سه بخش کتاب تکامل زنان را به دنبال هم بخوانیم.

شاخص او در این مجموعه به حساب می آید. «شهربانو طلا» دربرگیرنده بیست داستان کوتاه از منادی است که از میان آنها می توان به «همین امشب توی پارک لاله»، «باغ فیض»، «حنوط»، «دادسرا»، «پرواز گنجشک ها در یک صبح مرطوب» «بسی رنج بردم در این سال سی» و اشاره کرد.

در داستان «شهربانو طلا» می خوانیم: «به طناب نخی چرک تاب و کلفت، آویزان بود؛ داخل باغ کنار خانه شان. هر کس توانسته بود از دیوار باغ بگذرد، آمده بود. نشسته یا ایستاده، دور جنازه حلقه زده بودند. خیره به تابلو روبه رو»

## مادر سالار/ ایولین رید

اسم فرعی: زن در گستره تاریخ تکامل / ترجمه: افشنگ مقصودی / انتشارات گل آذین / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۳۲۰ صفحه / ۵۵۰۰ تومان



ایولین رید، نویسنده این کتاب ما را به ژرفای تاریخ می برد؛ از آدمخواری تا فرهنگ، و پسره از روی جهنم مدرسالاری دیرینه برمی دارد. او در جست و جوی ریشه های آیین خونخواهی، زناشویی و خانواده، سهم هنوز ناشناخته زنان در پیشرفت شهری بودن را آشکار می کند.

از دیدگاه تاریخی و تکامل گرا که نویسنده و شماری دیگر از دانشمندان سرشناس آن را به برگزیده اند پیشرفت فرهنگی و اقتصادی بشر به طور زنجیره ای و پی آیند در سه مرحله رخ داده است: روزگار وحشی خوبی و پیش از آن، از زمانی آغاز می شود، که انسان واژه هایی از میان میمون های

در هفته گذشته از نظر انتشار کتابهای چاپ اول، انتشارات قدیانی با بیست و سه عنوان کتاب برگزارترین ناشران باقر شرقپورفرسی با هجده عنوان برگزارترین مؤلف؛ و سارا قدیانی با هشت عنوان برگزارترین مترجم بوده اند.

### شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۳۰۰۰ ریال	چگونه از خطر سرطان بکاهیم، انجمن سرطان آمریکا، مؤلفان سرافراز، ناشر: آویستن، چاپ ۵۴ نسخه، ۶۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۱۵۰۰۰۰ ریال	استان و فلنا، ۴، محسن بهرامی، ناشر: پژوهشگاه هوانفا، چاپ ۱، ۳۷۴ صفحه، ۳۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۴۷ مرتبه	روان شناسی عمومی، حمزه کنجی، ناشر: ساوالان، ۳۶۸ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۴۵۰۰۰ نسخه
بیشترین شمارگان	۴۰۰۰۰ نسخه	کتاب علوم انسانی (دانشگاهها) (استاد)، چاپ ۱۶، ۱۱۴ صفحه، ۱۳۵۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰ نسخه	بانی از ولایتین، شکرالله جهانمیر، ناشر: راسخون، چاپ ۴، ۱۱۶ صفحه، ۱۴۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۵۴۴ صفحه	شاهانه فردوسی حکیم ابوالقاسم فردوسی بر اساس نسخه زول مل همسراد با واژه نامه، ناشر: تهران، چاپ ۱، ۳۵۰۰ نسخه، ۱۸۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۸ صفحه	چهل حدیث اخلاقی (آیات آداب، آداب و احادیث متفرقه)، زکبه انجمن لریزی، ناشر: بوذرجمهر حکیم، چاپ ۱، ۳۰۰۰ نسخه

### شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۷۰۰۰ ریال	کتاب آموزش دیکته کلاس اول دبستان، زهره لاری، مخصوص، ناشر: سلویز، چاپ ۶، ۴۰ نسخه، ۱۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۲۰۰۰۰۰ ریال	همراه علوی / آویزیک ریاضی، گروه فیزیک آموزشگاه علوی، ناشر: علوی فرهنگی، چاپ ۵، ۳۶۸ صفحه، ۱۰۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۱۲ مرتبه	دفتر برنامه ریزی به روش فلویجی، قائم قدوسی، ناشر: کانون فرهنگی آموزش، ۱۸۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۴۹۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۰۰۰۰ نسخه	مجموعه سوالات امتحانی شبی، ۴، علیرضا عبدالعظیمی، ناشر: موسسه علمی و فرهنگی ایران سنجلی، چاپ ۱، ۶۴ صفحه، ۲۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	مجموعه سوالات چهارگزینه ای برای امتحان بنی مسلح، سازمان های فولادی بهداشتی سی و اسکاتلند خاک، امین نوروزی، ناشر: راه نوین، چاپ ۱، ۶۰۴ صفحه، ۱۱۰۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد ناشران بدون قیمت	تعداد پدیدآورندگان				تعداد کتابهای اگست
		مؤلف*	مترجم	زن	مرد	
۳۴۴	۱۱۴	۱۱۸	۶۵	۱۳۷	۹	

\* مؤلف ادبی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، ناشر، گردآورنده، مصحح و...) به جز مترجم

### گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۱۳/۱۴ تا چهارشنبه ۱۸/۱۴، عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع آموزش و کمک درسی و سپس دین و کودک و نوجوان بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات علوم عملی، ادبیات، تاریخ و جغرافیا و سایر موضوعات قرار دارند.

### گزارش آماری کتابهای منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تایید*	ترجمه	چاپ اول	جدید چاپ	تهران	شهرستان	تعداد ناشران متوسط	موضوع
۱	کلیات	۱۷	۱۵	۲	۱۱	۶	۱۶	۱	۳۶۴۱	۲۳۰
۲	فلسفه و روانشناسی	۲۹	۹	۲۰	۱۴	۱۷	۷۸	۱	۲۹۲۰	۲۹۰
۳	دین	۱۴۹	۱۳۰	۱۹	۷۹	۷۰	۷۵	۷۴	۳۱۳۱	۳۵۰
۴	علوم اجتماعی	۵۶	۴۸	۸	۳۸	۳۸	۵۲	۴	۳۴۱۴	۳۰۹
۵	زبان	۲۹	۰	۲۹	۱۳	۱۶	۲۶	۳	۲۹۴۱	۲۰۹
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۳۵	۲۹	۶	۱۹	۱۶	۲۹	۶	۲۴۰۰	۳۰۶
۷	علوم عملی	۱۳۷	۸۹	۴۸	۶۴	۷۳	۱۳۳	۱۴	۲۹۵۳	۲۷۷
۸	هنر	۳۱	۱۶	۵	۱۵	۶	۱۹	۲	۱۹۰۵	۲۵۴
۹	ادبیات	۱۱۶	۹۵	۲۱	۵۴	۳۲	۹۹	۱۷	۲۴۶۳	۳۶۸
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۶۰	۵۵	۵	۳۶	۳۴	۵۳	۷	۲۳۳۹	۲۸۷
۱۱	آموزش و کمک درسی**	۲۹۰	۲۸۷	۳	۳۸	۳۵۲	۲۸۸	۲	۲۸۶۵	۱۷۴
۱۲	کودک و نوجوان	۱۴۹	۸۶	۶۳	۴۳	۱۰۶	۱۴۸	۲	۴۶۷۴	۶۷
	جمع بندی	۱۰۸۸	۸۸۸	۲۰۰	۴۰۲	۳۸۶	۴۵۶	۱۳۲	۳۹۷۰	۲۵۲

\* تایید: به تناسی اثری اطلاع می شود که ترجمه باشد، اثری چون تصحیح، ترمیم، گردآوری، تحقیق، ترمیم و نظایر آن.  
\*\* منظور از موضوع «آموزش و کمک درسی» کلیه کتابهای است که به نحوی با مواد درس و برنامه های آموزشی نام مطابقت نسبی ایجاب، رمانهای و غیره دربردارنده هستند و مخاطبان آنها دانش آموزان از پیش دبستان تا دبیرستان هستند.

### شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
گرانترین کتاب	۲۰۰۰۰۰ ریال	دایره المعارف چراغهای شگفت انگیز: پاسخ به سوالهای کودکان و نوجوانان، کارول استون، روسیا علوی، ناشر: محراب قلم، کتابهای مهتاب، چاپ ۹، ۳۸۶ صفحه، ۳۳۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۶ مرتبه	حسینی به دست گل می شه، احسان سیاهچشمی، ناشر: قمر کتاب، ۱۲ صفحه، ۱۵۰۰۰ نسخه، ۵۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۳۰۰۰ نسخه	پرورش هوش: برای کودکان قبل از دبستان، منوچهر ترکمان، ناشر: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه، چاپ ۴۳، ۴۰ صفحه، ۱۷۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	من می تپم تو می داری، ناشر: فرهنگ دانشجو، چاپ ۲، ۱۰۰ صفحه، ۳۵۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۴۰۰ صفحه	سرا و چگونگی (جلدهای ۸ تا ۱۴)، هرولد جوزف هایلند، بیژن ارژشیرپور، ناشر: قدیانی، کتابهای بنفشه، چاپ ۵، ۱۰۰۰ نسخه، ۱۵۰۰۰۰ ریال



نگاهی اجمالی به نامزدان امسال دریافت جایزه بوکر

# تابستان آفریقایی و خانه ارواح

عنوان مشاور حقوقی مشغول به کار شد. در اواخر دهه ۸۰، این نویسنده حدود چهار سال در عربستان، سعودی زندگی کرد و در سال ۱۹۸۷ با مقاله‌ای درباره «جده» توانست جایزه یادبود شیوا ناپیال را به دست آورد. از میان آثار این نویسنده می‌توان به «هشت ماه در خیابان غزه» (۱۹۸۸)، «مکانی برای امنیت بیشتر» (۱۹۹۲)، «تغییر آب و هوا» (۱۹۹۴) و «تجربه‌ای در عشق» (۱۹۹۵) اشاره کرد که هر یک در زمان چاپ خود جایزه‌هایی را به دست آوردند.

## اتاق شیشه‌ای

این بار سیمون ماور، خوانندگان را به بالای کوهستان‌های چکسلواکی می‌برد، به اتاقی که با سنگ سلیمانی و شیشه تزئین شده و عجایب معماری اش چشمگیر است. خواننده «اتاق شیشه‌ای» در طول داستان با ویکتور و لیزل آشنا می‌شود. زوج جوانی که این اتاق برای آنها ساخته شده است. اما حقیقت تابناک سال‌های ۱۹۳۰ میلادی باعث می‌شود اتاق شیشه‌ای در گردباد و طوفان جنگ جهانی دوم کدر شود. هنگامی که نازی‌ها وارد کشور می‌شوند، خانواده ویکتور هم مجبور به فرار می‌شوند، اما خانه‌شان با رفتن آنها فراموش نمی‌شود و دست‌به‌دست بین آدم‌های چرخد. سرانجام با فروپاشی کمونیسم، داستان در جایی تمام می‌شود که شاید آغاز دیگری است.

سیمون ماور، در سال ۱۹۴۸ در انگلیس به دنیا آمد و در قبرس و مالتا بزرگ شد و اکنون به همراه همسر و دو فرزندش در ایتالیا زندگی می‌کند. او در مدرسه انگلیسی زبان رم تدریس می‌کند. ماور، نویسنده کتاب‌های «شنا به اینتاکا»، «انجیل یهودا» و «پاپیز» است و یک بار برنده جایزه ادبی «بردمن تاسکر» شده است.

## غریبه کوچک

«غریبه کوچک» روایتی است از پسری ۱۰ ساله که همراه مادرش برای نخستین بار قدم به خانه بزرگی می‌گذارد، خانه‌ای که مادرش در آنجا خدمتگزار است. در آن سن و سال کم او مفهوم عظمت خانه و خانواده ساکن آنجا می‌شود. حالا دکتر فارادی، همان پسر ۱۰ ساله بعد از ۳۰ سال به آن خانه بازگشته است. تماسی عجولانه او را دوباره به آن خانه دعوت کرده است. او پس از ورود متوجه تغییرات فاحش در اوضاع خانه و خانواده‌اش می‌شود. دوستی او با بازماندگان خانواده آیرس، از همانجا شروع می‌شود. دکتر فارادی، متوجه ناراحتی و عصبی بودن رد ریک، تنهاپسر و وارث خانواده می‌شود و ناهنجاری‌های رفتاری‌اش را ناشی از کار زیاد می‌داند. اما بتی، خدمتکار خانه معتقد است که این رفتارهای عصبی و درگیری‌های افراد خانه، به علت وجود ارواح در خانه است. کم‌کم دکتر فارادی نشانه‌هایی می‌بیند که تاییدی است بر صحت وجود ارواح در آن خانه. حوادث درون خانواده آیرس او را سردرگم بین دانش پزشکی خودش و قبول خرافات رها می‌کند.

سارا واترز، نویسنده کتاب «غریبه کوچک» در سال ۱۹۶۶ میلادی به دنیا آمد. کتاب اولش «لمس مخمل» توانست در سال ۱۹۹۹ جایزه بتی تراسک را برای نویسنده به ارمغان بیاورد و در سال ۲۰۰۲ مجموعه‌ای تلویزیونی با همین نام از آن ساخته شد. رمان دیگرش «فینگر اسمیت» در سال ۲۰۰۲ نامزد جایزه من بوکر بوده است. به هر حال، ۱۴ مه (۱۶ اکتبر) یکی از این ۶ کتاب به عنوان برنده جایزه بوکر امسال معرفی می‌شود. نویسنده این کتاب ۵۰ هزار پوند جایزه نقدی خواهد گرفت. مبلغ کمی نیست اما در مقابل شهرتی که نصیب برنده این جایزه می‌شود، ناچیز است. شهرتی که احتمالاً تجدید چاپ و ترجمه‌های فراوان از آثار آن نویسنده را موجب می‌شود.



## من بوکر چیست؟

جایزه ادبی من بوکر، نام «بوکر مک کائل» در سال ۱۹۶۸ شروع به فعالیت کرد و هر ساله جوایزی را به بهترین رمان انگلیسی زبان اعطا می‌کند. برندگان این جایزه ادبی در کنار جلدی چرمی از اثر خود، مبلغی حدود ۵۰ هزار پوند هم دریافت می‌کنند. طبق برنامه هر ساله، کمیته‌ای برای داوری آثار رسیده به بوکر ۲۰۰۹ تشکیل شد. اعضای این کمیته مشاوران طوری انتخاب می‌شوند که بر همه جوانب دنیای کتاب، از کاغذ و چاپ و توزیع گرفته تا ادبیات، اشراف کامل داشته باشند. یک نویسنده، دو ناشر، یک کارشناس ادبی، یک کتابفروش، یک کتابدار، نماینده گروه من (که پشتوانه مالی جایزه را تامین می‌کند) و سه نماینده بنیاد بوکر که یکی از آنها رئیس کمیته است و اعضای کمیته مشاوران، داوران این جایزه را انتخاب می‌کنند. بررسی آثار با این داوران است. هیأت داوران این جایزه امسال ابتدا از میان ۱۳۰ اثر که شامل داستان‌های ۹ نویسنده برنده بوکر هم بوده ۱۳ اثر را انتخاب کرده‌اند. سپس فهرست شش کتاب را که برای داوری در مرحله نهایی این رقابت‌ها انتخاب شده‌اند، اعلام کردند. برگزیدگان اصلی نیز در ماه اکتبر اعلام می‌شوند. پارسال آروین آدیگا توانست با رمان بحث برانگیز «ببر سفید» این جایزه را از آن خود کند. سرشناس‌ترین نامزد منتخب این دوره، جی.ام. کوئیزی است که قبلاً دو بار در سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۹۳ موفق به کسب این جایزه شده است. کوئیزی جایزه نوبل ادبیات ۲۰۰۳ را هم در کارنامه افتخارات خود دارد.

نویسندگی خلاق تحصیلات عالی‌اش را تمام کرد. نخستین رمانش با نام «حقیقتی درباره این زمان‌های ناآشنا» در سال ۲۰۰۷ به چاپ رسید. سال بعد از آن، با چاپ رمانی دیگر با نام «کلمه شکسته» توانست لقب نویسنده جوان ۲۰۰۸ به نشریه ساندی تایمز را از آن خود کند. «هزار توی پرشتاب» سومین رمان این نویسنده است.

## تالار گرگ

تاج و تخت پادشاهی در ۱۵۲۰ میلادی، از آن هنری هشتم است. اما این پادشاه وارثی ندارد. پس از او توماس کورنول بر تخت سلطنت می‌نشیند. کورنول شخصی است ظالم که حریصانه به دنبال علائق شخصی خود است. تصمیم‌های جاه طلبانه‌اش یکی پس از دیگری پیشی می‌گیرد و فضای اختناق را بیشتر می‌کند. لایه‌های اصلاح طلبانه‌اش کاملاً مطابق سیاست‌های ناجوانمردانه‌اش است.

رمان تاریخی «تالار گرگ» اثر هیلاری مانتل، به بررسی تقابل روان‌شناسی فردی و سیاست‌های کلان این دوره از تاریخ می‌پردازد. وجود شخصیت‌های گاه حقیقی و گاه خیالی ورق‌های تاریخ را به عقب برمی‌گرداند و انگلیس را به نوعی جامعه‌ای نیمه‌تمام نشان می‌دهد که خود را در قالب شجاعت و عشق جای داده است. هیلاری مانتل، در ۶ جولای سال ۱۹۵۲ در انگلیس به دنیا آمد. وی در مدرسه اقتصاد لندن و سپس دانشگاه شفیلد تحصیلاتش را در حیطه حقوق ادامه داد و به

آثارش می‌توان به «باکره‌ای در باغ»، «برج بابل»، «بانوی سوت‌زن» و «زندگی آرام» اشاره کرد. از میان تمام آثارش، مجموعه داستان «شکر و داستان‌های دیگر» معمولاً بیشتر مورد توجه بوده است. در سال ۱۹۹۰ رمان دیگری از بیات با نام «تملک» توانست برنده جایزه بوکر شود.

## هزار توی پرشتاب

«هزار توی پرشتاب» بر اساس یک داستان واقعی توسط آدام فولدز نوشته شده است. این داستان در جای دور افتاده‌ای به نام «های بیچ» روایت می‌شود. داستانی که پر است از حوادث غیرقابل پیش‌بینی و هیجان‌انگیز. «های بیچ» جایی است مثل دارالمجانین یا پناهگاه.

نویسنده در این کتاب شخصیت شاعری جذاب به نام جان کلر را محور داستان قرار داده است. این شاعر پس از سال‌ها مبارزه با اعتیاد به الکل، در اوج افسردگی و بی‌توجهی شدید به اطراف، در این دارالمجانین به خود می‌آید. هم‌زمان شاعر جوان دیگری به نزدیکی آنجا نقل مکان می‌کند و با زندگی پر حادثه و عجیب صاحب دارالمجانین آشنا می‌شود. در «هزار توی پرشتاب» تاریخ‌ها دقیق‌اند و حوادث به‌طور شگفت‌آوری در قالب کلمات بیان شده‌اند. از آنجایی که شخصیت اصلی داستان، جان کلر، شاعری طبیعت‌سراسر است. زیبایی‌های اطراف این پناهگاه را چندین برابر می‌بیند و با کلمات معجزه‌وارش آنجا را به بهشتی تبدیل می‌کند که برایش مژده آزادی است. آدام فولدز در سال ۱۹۷۴ به دنیا آمد و در رشته

برای دقیقی تصور کنید که جان ماکسل کوئیزی، نویسنده ۵۹ ساله آفریقایی و برنده نوبل ادبیات، مرده است. تنها آثاری که از او به‌جامانده، کوهی از نوشته‌هاست و انبوهی از یادداشت‌ها. حالا تصور کنید که نویسنده‌ای قصد دارد زندگینامه او را بنویسد. از چه کسانی باید درباره زندگی خصوصی او پرسد؟ با چه کسانی باید مصاحبه شود؟ از طرفی، چه کسی حاضر می‌شود درباره دغدغه‌های ذهنی نویسنده‌ای از او اطبل حرف بزند که حتی حاضر نشده در مراسمی که به رمان‌هایش جایزه می‌دادند، شرکت کند؟

کوئیزی کار این فرد را راحت کرده است. او رمانی نوشته با نام «تابستان» که یک زندگینامه خود نوشته است. این کتاب چند هفته پیش در فهرست نهایی جایزه بوکر امسال، در کنار پنج اثر دیگر معرفی شد. «کتاب کودکان» اثر ای.اس بیات، «هزار توی پرشتاب» از آدام فولدز، «اتاق شیشه‌ای» به قلم سیمون ماور و «غریبه کوچک» نوشته سارا واترز، «تالار گرگ» نوشته هیلاری مانتل.

## کوئیزی در تابستان آفریقایی

«تابستان» یکی از آثار به نسبت پیچیده کوئیزی به حساب می‌آید. خواننده مدام در دو راهی بین حقیقت و داستان قرار دارد. نمی‌داند کدام را باور کند. این اثر، برخلاف داستان‌های قبلی کوئیزی بیان مستقیم ندارد. مجموعه‌ای است از متون، با تاریخ‌های درهم و گزیده‌هایی از دفتر یادداشت‌های خیالی کوئیزی، همراه پنج مصاحبه با کسانی که او را می‌شناختند.

این رمان جزو زندگینامه‌های خیالی به حساب می‌آید. در تمام داستان متوجه دو مانع اصلی هستیم که بر سر راه کوئیزی قرار دارد. اول این که او همیشه درگیر آشنی دادن بین رفتار فرهنگی و فکری جامعه آفریقایی با سایر فرهنگ‌هاست و دوم این که چگونگی می‌تواند در زندگی‌اش، با جنس مخالف کنار بیاید.

داستان از اوایل سال ۱۹۷۰ میلادی شروع می‌شود. زمانی که کوئیزی چندین سال را در آمریکا گذرانده و در سنش را تمام کرده و به آفریقای جنوبی بازمی‌گردد. وی در ملک قدیمی و مخروبه پدری خود غرق کار می‌شود تا جایی که در همان زمان نخستین رمان‌هایش به چاپ می‌رسند. در این کتاب پویا و گاهی بسیار خنده‌دار، کوئیزی مصمم است خواننده را درگیر نکند و به او بفهماند که کجای رمان حقیقت‌های زندگی‌اش را بازگو می‌کند و کجا صرفاً داستان پر دازی کرده است.

به هر حال او شخصیتی داستانی با نام خودش در داستان قرار داده که دقیقاً خود او نیست. برای مثال کوئیزی در سال ۱۹۶۳ ازدواج کرد و اکنون دو فرزند دارد. اما در این زندگینامه خودنوشت خیالی، هرگز از زواج نکرده و حتی می‌گوید: «من برای زندگی دو نفره آفریده نشده‌ام.»

## کتاب کودکان

«کتاب کودکان» نوشته ای.اس بیات از جمله کتب منتخب جایزه بوکر است. شخصیت اصلی داستان کتاب، اولیو وست وود نویسنده‌ای مشهور است که با تک‌تک کودکانش مصاحبه می‌کند و برای هر یک از مصاحبه‌ها، کتابی جداگانه می‌نویسد که دربردارنده رازهای خانوادگی است. او هر یک را با رنگی متفاوت و در مکان‌های جداگانه در خانه جاسازی می‌کند. در واقع افراد خانواده، در آن خانه درهم و برهم هر یک ناخواسته وارد داستانی می‌شوند که با رمز و راز آمیخته شده است.

ای.اس بیات نویسنده انگلیسی در سال ۱۹۳۶ در یورک شایر به دنیا آمد. او در دانشگاه کمبریج در سنش را تمام کرد و در سال ۱۹۸۳ یک نویسنده تمام‌وقت شد. از



## روایت اول شخص

### سطرهای پنهان شعر

■ واهه آرمن، شاعر



به تازگی مجوز دومین مجموعه شعرم به زبان فارسی با عنوان «پس از عبور درناها» گرفته شده و به زودی این مجموعه توسط انتشارات آهنگ دیگر منتشر می شود.

این مجموعه شامل ۷۳ قطعه شعر است که طی سال های ۸۴ تا ۸۷ و در چهار بخش «بیدارم نکن از این بی خوابی»، «رومئو و لیلی»، «سروده های هفت گانه» و «رنگین ترین کمان دنیا» عرضه شده است.

ویژگی این مجموعه در تفاوت ظاهر و باطن اشعار است. عاشقانه ترین سطرهای من در شعر اجتماعی گنجانده شده و عمیق ترین معانی فلسفی و اجتماعی در شعر عاشقانه. این مجموعه نیز مانند سروده های پیشینم سطرهای پنهانی دارد و خواننده خود به درک آنها دست می یابد.

مجموعه شعر دیگری نیز آماده انتشار دارم که هنوز با ناشری درباره آن صحبت نکرده ام. درباره سروده های این مجموعه تنها می توانم بگویم که کاری بسیار متفاوت از مجموعه های قبلی و به زبان فارسی است. علاوه بر شعر، در ترجمه شعر هم فعالیت هایی داشته ام؛ چراکه معتقدم ترجمه شعر، فرهنگ و آوازه شاعر را افزایش می دهد و دقت او را در شعر بالا می برد. ترجمه گزیده اشعار «ادوارد حق وردیان» از زبان ارمنی به زبان فارسی نیز در دست انجام است. حق وردیان از شاعران و مترجمان نامی ارمنستان است و تاکنون اشعار بسیاری از فروغ فرخ زاد و سهراب سپهری را به زبان ارمنی ترجمه کرده است. همچنین کتاب دیگری شامل اشعار کوتاه شاعران معاصر ارمنستان را نیز در دست ترجمه دارم.

هنوز برای این دو کتاب عنوانی در نظر نگرفته ام، اما حدود ۷۰ درصد کار انجام شده و به زودی منتشر خواهند شد.

### ضرب المثل های دزفولی

■ بقول مومن (آذر مهر)، شاعر

در حال حاضر، چهار کتاب با عنوان های «گندم»، «مترسک»، «کبک و خروس» و «بلبل و پروانه» را در انتشارات قاضی و سه کتاب برای نوجوانان با عنوان «جنگل» در سه شماره را توسط انتشارات گوهر شاد آماده انتشار دارم که به زودی چاپ و روانه بازار کتاب می شوند.

از سوی دیگر، تعدادی از ضرب المثل های دزفولی را گردآوری و به صورت اشعار فارسی و محلی سروده ام، قصد دارم آنها را همراه روایت آداب و رسوم سنتی شهر دزفول در کتابی منتشر کنم.

در دهه هشتاد، ۱۲ عنوان کتاب کودک و نوجوان چاپ و منتشر کرده ام. همچنین تعداد دیگری کتاب برای این رده سنی آماده انتشار دارم. اما هنوز ناشری برای آنها برنگزیده ام. کتاب دیگری شامل سخنان بزرگان آماده چاپ است و چند کتاب داستان و داستانک را نیز در دست تالیف دارم.

همچنین «قصه های کهن خوزستان» عنوان کتابی سه جلدی است که منتظر دریافت مجوز برای آن هستم. این مجموعه تکمیل شده و در صورت تایید دریافت مجوز و جلد دیگر آن ارائه خواهد کرد.

در هفته دوم شهریور، چهارمین مجموعه شعر من در دهه ۸۰ توسط انتشارات دایرةالمعارف ایران شناسی و عنوان «سیلاب» در ۲۴۰ صفحه منتشر شد.

این مجموعه شامل سروده هایی با مضامین اخلاقی در قالب کلاسیک (غزل، قصیده و مثنوی) است.

به زودی نیز مجموعه دوبیتی ها و رباعی هایم را که دارای تم عاشقانه و اندرزگونه اند به ناشر خواهم سپرد.

### نشانه و معنا

■ حمید رضا شعیری؛ مدرس معناشناسی



این روزها آخرین کتاب من با عنوان «راهی به نشانه شناسی. معناشناسی سیال» توسط انتشارات علمی فرهنگی زیر چاپ است. در حقیقت کتاب نشانه را با دیدگاه معطوف به عاطفه و احساس بررسی می کند. این اثر نشان می دهد چگونه نظام های ساخت گرامر مبتنی بر روابط دو قطبی در جریان فرآیند سیال نشانه ای فرومی ریزند و جای خود را به نظام های تنشی و پاسا ساختاری می دهند.

این اثر حاصل کاری تحقیقی است و در تالیف آن از منابع گوناگون موجود در حوزه نشانه شناسی و معناشناسی به ویژه کتاب های نشانه شناسی مکتب اروپا و پاریس بهره گرفته ام.

تالیف این کتاب دو سال به طول انجامید. در حال حاضر صفحه آرایی و طراحی جلد آن نیز صورت گرفته است و به ناشر بستگی دارد که آن را چه زمانی راهی بازار کتاب کند.

«نقصان معنا - آغاز به تجربه» عنوان کتاب دیگری است که ترجمه آن را در دست دارم. نویسنده آن گرماس، پدر نشانه شناسی در مکتب پاریس و از بنیان گذاران این مکتب است.

علت انتخاب کتاب برای من این بود که چنین اثری ما را از نشانه ساخت گرا به نشانه معناشناسی گفتمانی و پاسا ساخت گرا و سیال عبور می دهد. اما با توجه به فراز و نشیب هایی که در کتاب وجود دارد، نمی دانم ترجمه آن چه زمانی به پایان می رسد. این کتاب را از زبان فرانسه ترجمه می کنم.

### ماجرای فتح خرمشهر

■ مصطفی قلی زاده علیار، پژوهشگر



زمینه کاری من بیشتر در حوزه شعر، تاریخ اسلام و تراجم (تفسیر و شرح حال و ذکر سیرت و اخلاق و نسب) رجال به ویژه تک نگاری در موضوع حیات و اندیشه عالمان و شاعران بزرگ و تاثیر گذار

جهان اسلام (فارسی، عربی و ترکی) است. در این زمینه تاکنون بیش از ۱۰ جلد کتاب تالیف کرده ام که به زبان های گوناگون ترجمه و در ایران و سایر کشورها منتشر شده اند.

اما از آغاز سال ۸۸ پژوهش در حوزه دفاع مقدس و جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران بخشی از دلمشغولی من شده و در این راستا به تازگی تالیف کتابی با عنوان «از نسل سرفرازان» را به پایان رسانده ام.

این کتاب روایت زندگی و بیان اندیشه شهید جواد سبزی از نیروهای لشکر ۳۱ عاشوراست که در سال ۷۲ در جبهه جنوب به شهادت رسیده. کتاب در حال حاضر در مراحل اداری انتشار قرار دارد. کتاب دیگری نیز در موضوع فعالیت و حضور شهید حمید باکری در ماجرای شورانگیز و تاریخی فتح خرمشهر دارم اما هنوز این اثر در مراحل پژوهش و تکمیل به سر می برد. حمید باکری از نخستین رزمندگانی است که وارد خرمشهر شده و زمینه

ورود دیگران را برای فتح آن فراهم کرده است. اخیرا نیز کتاب های «مردی شبیه خود»، نگاهی به زندگی و مبارزات امام خمینی (ره)، ویرایش دوم «دعبل خزایی»، در یادمان این شاعر و «میرزای شیرازی» از مجموعه مفاخر و مشاهیر ایران و جهان، به قلم من منتشر شده اند.

### شعر هینی و خاطرات مورا کامی

■ مجتبی ویسی، مترجم و شاعر



ترجمه مجموعه شعری از شیموس هینی شاعر و نویسنده ایرلندی و برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۹۵ را در دست دارم. این کتاب شامل ۱۱ قطعه شعر از هینی است. همچنین مقدمه جان بونیل بر این کتاب و چند نقد و نظر نوشته شده توسط منتقدان و کارشناسان در این اثر وجود دارد که در نسخه فارسی نیز درج خواهد شد. هنوز عنوانی برای آن برنگزیده ام اما سروده های این کتاب از «مجموعه شاعران بزرگ قرن بیستم» انتخاب شده است.

هینی شاعری است که از مولفه های بومی در سروده هایش استفاده می کند. برخی از سروده هایش به دوران کودکی و نوجوانی او در ایرلند و محل زندگی اش ارجاع داده شده. کلمات ایرلندی در شعر او گاهی باعث شده بسیاری از مترجمان به اشعارش علاقه داشته باشند و به دلیل دشواری در زبان شعری اش سراغ او نروند. اما این همان دلیل علاقه من به سروده های هینی است.

قصد دارم در آینده نیز از همین «مجموعه شاعران قرن بیستم» سروده های ویلیام ماستنلی مروین از شاعران مطرح آمریکایی را ترجمه و منتشر کنم. گرایش به ساده نویسی در شعر مروین به خوبی دیده می شود و به نوعی شعر او را از سایرین متفاوت می کند.

همچنین ترجمه «رمان نویس دونده» خاطرات هاروکی مورا کامی، نویسنده ژاپنی به پایان رسیده اما هنوز ناشر آن را انتخاب نکرده ام.

عنوان اصلی کتاب «از دو که حرف می زنم، از چه حرف می زنم» است. این عنوان برگرفته از عنوان یکی از رمان های ریموند کارور «از عشق که حرف می زنم، از چه حرف می زنم» است که من آن را تغییر دادم. این کتاب خاطرات زندگی مورا کامی در ۲۰۰ صفحه و ۹ فصل است. همچنین پیشگفتار و پسگفتاری را نیز شامل می شود.

علت این که عنوان «رمان نویس دونده» را برای کتاب برگزیدم این بود که مورا کامی هر روز ۱۰ کیلومتر می دویده و سالانه در یک ماراتن دو شرکت می کرده است. او دویدن را از اجزای اصلی زندگی می داند و می گوید «دویدن با نویسندگی من تناسب دارد چرا که بدنم را سالم نگه می دارد تا بتوانم در سلامت کامل به نوشتن پردازم.»

پیش تر ترجمه کتاب های شاعری با یک پرنده آبی گزیده اشعار چارلز بوکفسکی توسط نشر ثالث، «گل سرخ با هر نام دیگر» چند گفتار و گفت و گو با اومبرتو اکو توسط نشر اخترگان، «تصمیم و داستان های دیگر» (مجموعه داستان کوتاه) و مجموعه سروده های من با عنوان «بیدار بمانیم تا نقطه» توسط نشر نگیمما و «درآمدی بر پژوهش نظریه ادبی» اثر راجر وبستر توسط نشر سپیده سحر از من منتشر شده است.

به تازگی حدود ۴۰ قطعه از سروده های سال های اخیرم را نیز گردآوری کرده ام که تا سال آینده منتشر خواهند شد. این مجموعه که هنوز عنوانی ندارد با گذشت پنج سال از انتشار نخستین مجموعه شعرم منتشر خواهد شد.

برای سروده هایم سبک خاصی قائل نیستم و در حوزه های مختلف به شیوه های بیانی متفاوتی می پردازم. به کارکرد کلمه در شعر اعتقاد دارم. شعر من تلفیقی از روایت محوری و زبان محوری است که به مضمون و بیان می پردازد.

### یادداشت

اعظم رسولی  
مترجم آثار کالوینو



به مناسبت سال مرگ برنده ایتالیایی نوبل

## ایتالو کالوینو وهم و اسطوره

ایتالو کالوینو قصه گویی است توانا که با استفاده از ابزار کلمه، قدرت تخیل شگرف و جزئی نگری دقیق و حیرت انگیزی که مشخصه بارز او و آثارش است، تصاویری چنان زنده و شفاف از تجربیات، مشاهدات، گفته ها و شنیده های خود و دیگران ارائه می دهد که خواننده زمان و مکان را فراموش می کند، خود را به دست قصه گو می سپارد و با او قدم به قدم تا قلب آثارش پیش می رود.

او تا بیست سالگی در باغی پر از گیاهان استوایی زندگی کرد و بعد از دبیرستان، به اصرار پدر و مادرش به تحصیل در رشته کشاورزی پرداخت که البته به خاطر عشقی که به ادبیات داشت، نتوانست آن را به پایان برساند. حضور طبیعت در آثار او نتیجه ارتباط مستقیم او با طبیعت در آن سال هاست. کالوینو در اوایل دهه چهل، داستان نویسی را تحت تاثیر داستان های کوتاه آمریکایی آغاز کرد. پس از نخستین اثرش «بیراهه های لانه های عنکبوت (۱۹۴۷)»، در چشم انداز ادبیات ایتالیا، به عنوان یکی از اصیل ترین نویسندگان جوان تثبیت شد.

کالوینو نویسنده ای نوآور و خلاق است، به هیچ یک از مکاتب ادبی یا جریان های فلسفی متمایل نیست. آثار او سبک یکسانی ندارند و در طبقه بندی های متفاوتی جای گرفته اند. زیرا کالوینو معتقد بود ادبیات، بحث درباره واقعیت نیست و چون نگرش و نوع برقراری ارتباط ما با این دنیای دستخوش تغییر، مدام در حال تحول است پس ناگزیر ادبیات نیز از این تغییر و تحول مصون نمی ماند. او در نخستین آثارش به بیان صریح و بی پرده واقعیات و عینیات می پردازد. در آثار او واقعیت و خیال در هم می آمیزند. او از دهه پنجاه قرن بیستم، به توصیه ویتورینی، نویسنده سرشناس ایتالیایی، عنصر تخیل را قاطعانه تقویت کرد. ابداعات خیال پردازانه، طنز، تخیل، وهم و اسطوره در آثار او سرعت و قوت بیشتری گرفتند و در نهایت تخیلات علمی و نجوم جای خود را در آثار او باز کردند. قصه های کالوینو از دو لایه بهره می برند. یکی لایه ای صرفا روایتگرانه، ساده، بی پیرایه و قابل درک برای همه خوانندگان. دیگری، لایه ای که در اعماق اثر او جای گرفته و تنها برای خوانندگان ژرف اندیش قابل دسترسی است.

از خودبینی انسان و شرايطی که به آن منجر می شود، سر در گمی، کنجکاوی و حیرت انسان در برابر اسرار و پیچیدگی های موجودیت خویش، نقش انسان در جامعه که او را اسیر خود می کند؛ نقشی که او فقط با ایفای آن موجودیت می یابد، خیر و شر موجود در نهاد انسان و تعادلی که حضور این دو عنصر به موجودیت انسان می بخشد، وهمی که می تواند واقعیت باشد و واقعیتی که قالب وهم به خود می گیرد، طنز تلخی که آشکار و پنهان در زندگی انسان متجلی است، خشونت حاکم بر روابط انسانی و موقعیت وهم آلود و دردناک انسان در جهان، ویژگی هایی اند که کالوینو در آثارش به آنها می پردازد.

سال های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ را می توان دوران اوج فعالیت های ادبی، سیاسی و اجتماعی کالوینو برشمرد. در حقیقت هسته اصلی کار او در این دوران شکل می گیرد. کالوینو در ایران با سه گانه «ویسکنک شقه شده» (۱۹۵۲)، «بارون درخت نشین» (۱۹۵۶) و «شوالیه ناموجود» (۱۹۵۹) شناخته شد. او با ایران و فرهنگ ایرانی آشنا بوده و همانند آلبرتو مورایا (دیگر نویسنده ایتالیایی) به ایران سفر کرده و سفرنامه ای نیز در این زمینه نوشته است.